



ریاست پوهنتون کابل

پوهنځی شرعیات
دیپارتمنت عقیده و فلسفه

ادیان جهان و چگونگی مقارنه آنها

مؤلف: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی

کابل، 1390 هجری شمسی

چاپ سوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اللّٰهُمَّ اكْفُنْ حَمْدَنَّ

« وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ

الْخَاسِرِينَ » آل عمران (85)

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي
كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا مَوْضِعَ لَبِنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ فَجَعَلَ
النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَلَا وَضَعَتْ هَذِهِ اللَّبِنَةُ قَالَ فَأَنَا
اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ ». .

صحيح البخاري

پیشگفتار

کتابیکه تحت عنوان «ادیان جهان و چگونگی مقارنه آنها» مطالعه میفرمایید بحثی است پیرامون چگونگی پیدایش، رشد و انکشاف اساسی ترین معتقدات ادیان به شهرت رسیده جهان، در این کتاب تحت عناوین مختلف راجع به پیدایش و معرفی بنیاد گذار هر دین، خلص اصول اعتقادی و نظر هر کدام آنها راجع به وجود الله جل جلاله بحث هایی بعمل آمده و هم در مورد مراسم و تشریفات دینی، فربانی، تکریم برخی اشیاء، اوراد و اذکار، نیک و زشت، آثار و نتایج اعمال نیک و زشت انسان درین دنیا و یا آن دنیا، روح، رستاخیز، زندگی بعد از مرگ ، تناسخ ارواح ، بهشت و دوزخ، ازلیت و ابدیت، نظر هر کدام از ادیان معروف مورد بحث، به بررسی گرفته شده است.

لازم به یاد آوری است که این کتاب بعد از تصویب و تایید مفردات درسی آن از سوی کنفرانس ملی نمایندگان پوهنخی های شرعیات پوهنتونهای کشور (اوایل سال 1390ش) بحیث کتاب درسی هر سه رشته پوهنخی های شرعیات کشور آماده طبع است.

مطلوب این کتاب در ضمن هشت فصل تنظیم شده و هر فصل با نظر داشت مطالبی که دربر دارد، دارای حجم متفاوت میباشد و در این امر البته اهمیت هر دین بطور جداگانه درنظر گرفته شده بطور مثال آنچه که در فصلهای مربوط به یهودیت، مسیحیت و ادیان هندوستان نوشته شده به مراتب بیشتر از آن چیزیست که در فصل اول در مورد ادیان وضعی اقوام ابتدایی تحریر یافته است، چه ادیان توتم و فتیش امروز بصورت مستقل وجود نداشته بلکه صرف تاثیرات آنها در تکوین و تشكل ادیان معروف جهان معاصر به مشاهده میرسد و بس و روی این ملحوظ راجع به آنها به تفصیل تماس حاصل نگردیده است.

ولی آنچه که راجع به ادیان یهودیت، مسیحیت و ادیان هندوستان که از ادیان گسترده و معروف جهان کنونی بشمار میروند، وجود دارد به تفصیل بیشتری نیازمند است و یا آنچه که بطور خاص در فصل هفتم راجع به دین مقدس اسلام تحریر یافته به مراتب بیشتر از ان چیزی است که در مورد یهودیت، مسیحیت و ادیان هندوستان تحقیق شده است چه اسلام علاوه از اینکه دین رسمی قاطبه ملت افغان است، ناسخ تمام ادیان سماوی بوده و یک دین زنده و کامل جهان معاصر میباشد و بجا است تا در مورد آن نسبت به یهودیت و مسیحیت منسوبه و سایر ادیان وضعی جهان بحث های علمی و تحقیقی مفصلتری بعمل آید. و در فصل اخیر چگونگی مقارنه ادیان به بحث گرفته شده است.

در تهیه این کتاب از مراجع و مصادر متعدد و معتبر در زمینه دین و علم الاجتماع دینی استفاده بعمل آمده و تقریباً تمام آنچه که در این عرصه از طرف دانشمندان جامعه شناسی مذهبی و علم ادیان تحقیق شده و به رشته تحریر در آمده و در کشور عزیز ما افغانستان دسترسی به آن وجود داشته، در توکین و شکل گیری این کتاب بی تاثیر نبوده است و هم در برخی موارد از برخی ویب سایتهاش شبکه بین المللی انترنت نیز استفاده برده شده است.

از نظر ما با اینکه این کتاب از نواقص و عیوبی خالی نیست اما مطالعه آن برای تمام شائقوں و دست اندکاران عرصه های دانش و فرهنگ اسلامی و خصوصاً تدریس آن برای محصلان پوهنخی های شرعیات کشور و سایر نهاد های دینی بحیث یک کتاب درسی، سودمند به نظر میرسد.

در اخیر از خوانندگان عزیزآرزومندم نواقص واشتباهاشی را که در مطالب این کتاب ملاحظه میفرمایند لطف فرموده اینجانب را در جریان قرار دهند تا در طبع های بعدی، ملاحظات عالمانه شانرا در نظر گیریم.

با اغتنام از فرصت لازم به تذکر میدانم تا از محترم پوهنوال عبد الجلیل یوسفی که در پیشبرد کار این کتاب از رهنمائی‌ها و همکاری‌های دانشمندانه شان با اینجانب دریغ ننموده و در زمینه با تحمل مشقات و با حوصله مندی فراوان مرا یاری رسانیده است، اظهار سپاس و امتنان نمایم.

پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول

موضوعات عمومی

| | |
|---|-------|
| 1. پیرامون اصطلاح دین | ----- |
| 2. پیشینه تحقیق درمورد شناخت ادیان | ----- |
| 3. تقسیمات ادیان | ----- |
| 4. پیشینه تاریخی معتقدات دینی | ----- |
| 5. اندازه گیری حضور و ارقام جدید پیروان ادیان در برخی کشورهای جهان | |
| 6. جدول برخی از کشورهای جهان که پیرو ادیان مختلف به درجه های متفاوت | اند |
| 7. ارقام جدید در مورد ادیان مختلف جهان | |
| 5. ادیان وضعی اقوام ابتدائی | ----- |
| الف. طبیعت پرستی (توتمیسم) | ----- |
| ب - جان پرستی (فتیشیسم) | ----- |

فصل دوم

ادیان فعال و ادیان متروکه جهان

1. دین وضعی بین النهرین -----
2. ادیان وضعی حیتیان، فروگیان و فنیقیان -----
3. دین وضعی مصریان قدیم -----
4. ادیان متروکه اروپا -----

فصل سوم

هندوستان سرزمین ظهور ادیان وضعی مختلف

1. دین هندو بهیث قدیمترین دین شناخته شده جهان -----
2. دین و دایی -----
3. دین برهمایی -----
4. دین هندویی معاصر -----
5. ظهور ادیان بودایی و جینی در سرزمین هندوستان -----
6. اساس گذار دین بودایی -----
7. مقایسه ادیان بودایی و جینی -----
8. آنچه قبل از دین سیکھی باید دانست -----
9. دین سیکھی -----

فصل چهارم

ادیان چین و چاپان

- 1. ادیان چین
- 2. دین لائوتسه
- 3. دین کنفوسیوس
- 4. چگونگی دین در چاپان

فصل پنجم

نگاهی به ادیان ایران و افغانستان قدیم

- 1. چگونگی ادیان ایران قدیم
- 2. دین زرتشت
- 3. زرتشت.....
- 4. ارزش فوق طبیعی دین
زرتشت.....
- 5. نظر دین زرتشت در مورد پاکیزه
گی.....
- 6. اخلاقیات دین
زرتشت.....

| | |
|--|---|
| 7. دین مانی ----- | ----- دین مانی |
| 8. دین الهه افتتاب ----- | ----- دین الهه افتتاب |
| 9. بررسی وضع دینی افغانستان قبل از اسلام..... | بررسی وضع دینی افغانستان قبل از اسلام |
| 10. چگونگی وضع دین زرتشت در افغانستان قبل از اسلام..... | چگونگی وضع دین زرتشت در افغانستان قبل از اسلام |
| 11. چگونگی وضع دین بودایی در افغانستان قبل از اسلام..... | چگونگی وضع دین بودایی در افغانستان قبل از اسلام |

فصل ششم

ادیان منسوبه سماوی

| | |
|--|---|
| 1. ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام ----- | ----- ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام |
| 2. ادیان سماوی بعد از حضرت یعقوب علیه السلام ----- | ----- ادیان سماوی بعد از حضرت یعقوب علیه السلام |
| 3. دین یهودیت ----- | ----- دین یهودیت |
| 4. زندگی حضرت موسی علیه السلام ----- | ----- زندگی حضرت موسی علیه السلام |
| 5. دین حضرت موسی علیه السلام..... | دین حضرت موسی علیه السلام |
| 6. برخی اعتقادیات یهودیت کنونی..... | برخی اعتقادیات یهودیت کنونی |
| 7. معرفی تورات فعلی (عهد عتیق) ----- | معرفی تورات فعلی (عهد عتیق) |
| 8. زندگی حضرت عیسی علیه السلام | |

| | |
|-------|-------------------------------------|
| | 9. دین حضرت عیسیٰ علیہ السلام |
| | 10. اعتقادات فعلی دین مسیحیت..... |

فصل هفتم

دین مقدس اسلام

| | |
|----------|--|
| -----1. | معتقدات دینی عربهای جاهلیت |
| -----2. | ظهور حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم |
| -----3. | قرآن کریم |
| -----4. | رویکرد های اعتقادی دین اسلام |
| -----5. | شبهات در مورد پیدایش عقیده بوجود خدا (ج) |
| -----6. | ذاتیت و وحدانیت اللہ جل جلاله |
| -----7. | نبوت |
| -----8. | قضاء و قدر و رابطه آن با جبر و اختیار |
| -----9. | رستاخیز |
| -----10. | میتافزیک اسلامی |

فصل هشتم

چگونگی مقارنه ادیان

1. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با اديان
وضعی.....

الف. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین هندویی

ب. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین بودایی

ج. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین زرتشت

2. مقارنه دین مقدس اسلام با اديان سماوي

دیگر.....

الف. مقارنه دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنوی

ب. مقارنه دین مقدس اسلام با دین مسیحیت کنوی

ماخذ

مقدمه

الحمد لله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد، المُتوحد بجلال ذاته و كمال صفاتِه، المُتقديس في نعوتِ الجبروت عن شوائبِ النقص و سماتِه، المُنفرد بالإيجاد والاعدام، المتصف بصفاتِ الكمال، المُنْزَه عن صفاتِ النقص، و عن كل صفةٍ يكون بها في حقه إخلال، والصلة والسلام على أشرف المرسلين و امام المتقين، و حامل لواء الحمد يوم الدين محمد عبدالله و رسوله الهاي الامين، المؤيد بساطع حجه و واضح بيناته، و على الله و اصحابه هداه طريق الحق و حماته، و تابعيهم باحسان الى يوم الدين.

با قبول این مطلب که انسان یک حیوان مدنی بالطبع، اجتماعی و دیندار است از همان مراحل زندگی ابتدائی خود همواره به این سوالات عده برخورده است: انسان چگونه و برای چی هدفی آفریده شده؟ هدف از خلقت انسان چیست؟ آیا انسان در قبال اعمال نیک وزشت خود مسئولیت دارد؟ سرنوشت انسان بعد از مرگ چه خواهد بود؟ این همه موجودات عالم هستی که در شش طرف ما گسترده است چی وقت و توسط چه نیرویی بوجود آمده اند؟ آیا ممکن است بدون نیروی ما فوق طبیعی این چنین جهان با هم آراسته و منظم پدید آید؟ و این نیروی مافوق طبیعی دارای چی صفاتی خواهد بود؟ جهان هستی از لی وابدی است یا حادث و فانی؟

انسان در طول میلونها سال در پی آنست تا جوابات دقیق و حسابی را به سوالات بالا دریابد، هر کس برای این همه سوالات راه های متفاوتی را اختیار نموده و از شیوه ها و منهج های گوناگون استفاده نموده و خود را پیوست به صواب دانسته است،

یکی راه تقدیس و تکریم توتم ها و اشیای مادی را در پیش گرفته و دیگری به ارواح نیاکان توسل جسته، یکی به ده ها و صد ها رب النوع معتقد شده و دیگری دو یا سه خدا را مستحق عبادت و خدایی دانسته است، یکی قطعاً منکر چنین ذواتی شده و آن دیگری این همه هستی ها را صرف از آفریده های الله یکتا ولاشريك دانسته است و هر کدام آنها راه دین و طریقت خود را برحق شمرده و تا پای جان از معتقدات خود دفاع کرده و در سایه عقیده خود محتضری به مرگ شده است. ولی آنچه که ما مسلمانان معتقدیم اینست که راه حق و دین راستین باید دارای ممیزه خاص بوده و با معیار برحق سنجیده شود، راه حق و دین راستین نزد ما آنست که استناد گاه و متکای الهی و آسمانی داشته و بر بنیاد وحی خداوندی استوار باشد اینست معیار و مقیاس برحق نزد ما مسلمانها، با این معیار همه ادیان سماوی از حضرت آدم ابو البشر علیه السلام گرفته تا حضرت خاتم النبیین محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم قابل سنجش است، دین اسلام همه ادیان سماوی والهی را بر حق میداند و خود را ناسخ و مکمل آن همه ادیان دانسته و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر مبعوث را آخرین پیامران خداوندی پذیرفته است. دین مبین اسلام عقیده دارد که الله جلت عظمته از بد و پیدایش حضرت آدم علیه السلام تا بعثت حضرت خاتم النبیین محمد صلی الله علیه وسلم انسان و جامعه انسانی را با ارسال انبیاء و انزال کتب و صحیفه های آسمانی به راه توحید و یکتاپرستی، راه حق و عدالت رهنمایی فرموده است و وقتاً فوقتاً از طریق رسولان و انبیاء خود بر جامعه بشری اتمام حجت نموده وجای هیچگونه بهانه و عذرخواهی را برای آن نگذاشته است، چنانچه آیه کریمہ (۱۵) سوره الاسراء قطعاً دال براین مطلب میباشد: «... وَمَا كُنَّا مُعذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا » یعنی و نیستم ما عذاب کننده قومی را تا بفرستیم پیامبری که راه نماید ایشان را و اتمام حجت شود. و همچنان در آیه کریمہ (۵۹) سوره القصص میخواهیم: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ

مُهْلِكُ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أَمْمَهَا رَسُولًا... » یعنی ونبود پروردگار تو هلاک کننده اهل دهات وشهرها را تا اینکه بر انگیزد در شهرهای معظم آنها پیامبری.

ولی برخی ادیانیکه راجع به اساسی ترین معتقدات آن بحث صورت میگیرد متکا و استناد گاه آسمانی والهی نداشته ودر بیرون از محیط ادیان آسمانی توسط اشخاص و افراد و جوامع انسانی پایه گذاری شد ه اند، و معتقدات این ادیان چون بنیاد الهی نداشته و ساخته و پرداخته اندیشه انسانی اند از جانب ادیان الهی و از جمله دین مقدس اسلام به شدت و قاطعیت رد و تقبیح گردیده اند و با استفاده از جمله: « تعرف الاشیاء بـا ضـاد هـا » با شناخت این ادیان خوبتر میتوانیم به جامعیت و کاملیت دین مبین اسلام در بعدهای مختلف عقیده و عمل پی ببریم و به بی پایه گی و نادرستی معتقدات ادیان موضوعه و ادیان محرفه باورما مستحکمتر گردد، مثلاً زمانیکه عقاید مومنان توتمیسم و فتیشیسم را در مورد « توتم و فتیش » و یا عقاید متدینان ادیان ودایی، برهمایی و هندویی را درمورد تثلیث (بر هما خالق جهان، ویشنونگهبان جهان وشیوا فنا کننده جهان) واژلی وابدی بودن جهان و تناسخ های پی در پی ارواح، و یا عقاید مزدک در دین مانی و یاهم معتقدات ادیان تحریف شده ونسخ شده یهودیت و مسیحیت را در مورد « یهوه » در انحصار یهودان، اقانیم سه گانه (اب، ابن و روح القدس)، مبالغه و غلو در شان حضرت عیسی علیه السلام و تقدیس او تا سرحد خدایی « نعوذ بالله من ذلک » وسایر عقاید آنها را مطالعه مینماییم در وله نخست و اکثرأ بدون اقامه دلائل عقلی ونقلی بربطلان آن پی میبریم و اینست که میگوییم: « **رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبِّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا** » صدق نبیه صلی الله علیه وسلم.

فصل اول

موضوعات عمومی

۱. پیرامون اصطلاح دین:

«دین» کلمه عربی است که تعریف جامع و مانع منطقی ایکه مورد تایید همه دانشمندان باشد برای آن صورت نگرفته است. برخی از مستشرقین و علمای غرب در این اوخر برای «دین» تعاریفات متفاوتی نموده اند که بطور مثال میتوان تعاریفات ذیل را در اینجا ذکر نمود:

۱- دین مجموعه کلی اعتقادات، احساسات و اعمال انفرادی یا اجتماعی است.

۲- دین عبارت از ارتباط انسان با قوای ما فوق انسانی بوده که آدمی به آنها اعتقاد پیدا کرده و خود را وابسته به آنها میداند.

۳- دین مجموعه ای از اعتقادات و اعمال مربوط به اوامر و نواهی میباشد، این معتقدات و اعمال تمام آنانی را که به آن معتقد میشوند در حیطه امت معنوی واحد بنام جماعت مؤمنین متحد میسازد.

اما تعریف نسبتاً جامع و مانعی که از دین صورت گرفته میتوان اینطور جمله بندی نمود:

دین عبارت است از نهاد اجتماعی که صفت شاخصه آن وجود امتی است که افراد آن در امور ذیل با هم توافق دارند:

- الف- پذیرش برخی دستورات و اجرای بعضی مناسک و شعائر^۱.
- ب- عقیده داشتن به یک ارزش مطلق که چیزی مماثل به آن شده نتواند.
- ج_ ارتباط دادن فرد با قدرت معنوی مطلق و عالیتر از انسان که به شکل شرک نوعی، تثلیث و توحید تجسم میکند.

دакتر بهاء الدین پازارگاد در کتاب خود «تاریخ و فلسفه مذاهب جهان» برای دین یا به اصطلاح خودش «مذهب» اینطور تعریف را انتخاب نموده است: «دین عبارت است از رابطه بین محدود ونا محدود یا رابطه بین فنا و ابدیت و یا وسیله ایکه آدمی را به درک سبب وجود خویش بسوی چیزی وراء وجود خودش هدایت کند».

اما علمای عقاید اسلامی دین را در لغت بمعنی اطاعت دانسته و گفته اند «دان الناس ای قهرم بالطاعة». ویا درین قول الله جل جلاله:

« قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحِرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدِ وَهُنَّ صَاغِرُونَ^۲ » که لا یدینون به معنی لا یطیعون آمده است.

و در اصطلاح علمای عقاید اسلامی برای «دین» تعریفات ذیل صورت گرفته است:

1 - الدين هو الاعتراف باللسان والاعتقاد بالجنان والعمل بالarkan.

2 - الدين وضع الهى لاولى الالباب يتناول الاصول و الفروع

¹- على اکبر ترابی. تاریخ ادیان. (تهران :..., 1347 هش) ص: 11.

²- سوره التوبه، آیه 29.

به نظر نگارنده این سطور تعریفات فوق الذکر علمای عقاید اسلامی نسبت به تعریفات علمای دین شناس غرب و مستشرقین از جامعیت و مانعیت بیشتری برخوردار بوده و شرایط عدم اعم بودن و عدم اخص بودن معرف از مجهول و طرد و عکس آنها در آن بخوبی به ملاحظه میرسد.

2. پیشینه تحقیق درمورد شناخت ادیان:

بعداز قرن 18 میلادی بود که تعدادی از دانشمندان جامعه شناس اروپا تحقیقات دقیق و معینی را در مورد تاریخ ادیان بعمل آورده‌اند. این تحقیقات در مورد جوامع اسکیموهای گروئنلند و اقوام ابتدایی ساکن آسترالیا و امریکای شمالی صورت گرفت، علمای جامعه شناس اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 نیز علاوه بر تحقیق در نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد دینی اقوام، نحوه تکوین و انکشاف، رشد و تحول نهادهای مذکور را از اعصار بسیار قدیم تا دوره معاصر به شیوه‌ها و روش‌های مختلف علمی مورد بحث و تدقیق قرار داده‌اند².

تاریخ ادیان بحیث یک علم، ریشه‌های بسیار قدیمی دارد و قرنها قبل از قرن 18 توسط معروف‌ترین مورخان و فلاسفه یونانی و رومی شکل گرفته است. اولین تحقیق قدیمی ایکه در این علم صورت گرفته در قرن 6 قبل از میلاد که یونان عالیق وسیعی با ملل متعدد آن عصر داشته و با معتقدات آنها آشنا بوده توسط گزنوون فیلسوف آتن بوده است.

پدر مورخان هرودوت (483-425 ق.م)، سیسرون رومی (106-43 ق.م)، سالوست رومی (86-34 ق.م)، پلوتارک مورخ یونانی (قرن اول میلادی)

¹- علی اصغر حکمت. تاریخ ادیان. (تهران: از نشرات کتابخانه ابن سینا 1348 هـ) ص: 2.

²- علی اصغر حکمت. همان اثر. ص: 31-32.

ولوسیان (قرن دوم میلادی) همه آنها از خدایان متعدد یونان و روم و هم از آلهه و خدایان معاصر خود که میشناخته اند کم و بیش سخن گفته اند.

اما تحقیقاتیکه در قرون وسطی (از قرن پنجم میلادی تا قرن پانزدهم میلادی) در عرصه علم تاریخ ادیان در غرب صورت گرفته توام با تعصب و تحجر مذهبی بوده و مورد اعتقاد همگان واقع شده نمیتواند.¹ درین قرون جدالهای فراوانی بین مسیحیان، یهودیان و مسلمانان وجود داشته است که این جدالهای سرد بالاخره به وقوع جنگهای صلیبی مسیحیان با مسلمانان در قرون دهم، یازدهم و دوازدهم میلادی منتج گردیده و مسیحیان اروپا اعم از غنی و فقیر، عاصی و پارسا، کلیساپی و میخانه نشین و حتی زنان پاکدامن و فاحشه باهم متحد شده و بسوی مناطق مسلمان نشین حرکت نمودند.

درین قرون در مورد علم تاریخ ادیان خصوصا در قلمرو مسیحی تحقیقات متعدد و قابل پذیرشی بعمل نیامده ولی بعداز آن در قرون ۱۶ و ۱۷ راه برای تحقیقات دقیق و حساب شده باز گردیده و بر غنای هرچه بیشتری این علم افزوده شده است.

3. تقسیمات ادیان:

در مورد تقسیمات ادیان از همه اولتر لازم به تذکر است تا ادیان را بدو دسته ادیان الهی و ادیان وضعی تقسیم نماییم. ادیان الهی و آسمانی از طرف الله واحد ولاشريك بdstهای توانای پیامبران و انبیای الهی علیهم السلام بصورت وحی الهی برای رهنمایی بشر اساس گذاشته میشود. ولی در پهلوی ادیان الهی ادیان وضعی نیز وجود داشته که این نوع ادیان به اشکال گوناگون و با استفاده از غریزه دینی و فطری انسانها پیریزی شده و به رشد و اکتشاف خویش ادامه میدهد. معتقدات ادیان الهی را میتوان از طریق قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم جستجو کرد و در

¹- علی اصغر حکمت. همان اثر. ص: 6-5.

این مورد هیچ ضرورتی به تحقیق علمای دین شناس باقی نمی‌ماند و یگانه مرجع و مصدر قابل اعتماد همانا کتاب منزل الهی و بیانات پیامبر بزرگوار اسلام بوده و خالی از هر نوع شبه است ولی آنچه که نیاز به تحقیق دارد ادیان موضوعه است که در بیرون از حیطه ادیان الهی به گسترش خود ادامه میدهد.

این ادیان چنانچه از نام شان پیداست توسط انسان بدون استناد گاه الهی پیریزی شده و عوامل متعدد فردی و اجتماعی در ایجاد و تکوین آن ذیدخل بوده و روی این ملحوظ معتقدات آن از جانب دین مقدس اسلام قابل قبول نمیباشد ولی از آنجاییکه دیده میشود این گونه ادیان در نقاط مختلف جهان پیروانی داشته و دارند و بنابر آن در این کتاب هم لازم دیده شده تانظریات محققین دین شناس در مورد ادیان موضوعه ارائه و بعد از مطالعه آن بطلان اینگونه ادیان بخوبی روشن گردد. و اینک با نظرداشت این مطلب بحث خود را درمورد تقسیمات ادیان وضعی نیلاً ادامه میدهیم ویلیام فرید ریخ هیگل آلمانی ادیان جهان بشریت را به سه دسته نیل تقسیم بندی نموده است:

1 - ادیان اقتباس شده از طبیعت.

2 - ادیانیکه از معتقدات روحانیت فردی نشأت کرده است.

3 - ادیان عمومی بطور مطلق.

این تقسیم بندی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

تیل دانشمند جامعه شناس هالندی ادیان عالم بشریت را بدو دسته: ادیان ناشی از طبیعت و ادیان مبتنی بر اصول اخلاق تقسیم بندی کرده است.

برخی از دین شناسان ادیان را به سه دسته: ادیان قبایل و عشائر کوچک ، ادیان ملتها و اقوام بزرگ و ادیان بین المللی که مورد قبول اقوام متعدد است گروه بندی

نموده اند، این تقسیمات نیز مورد اتفاق دانشمندان نمی باشد و تقسیم بندی های دیگری نیز وجود دارد که برای ادیان عالم بشریت صورت گرفته و همه آنها نسبی و محدود میباشد و مورد قبول همه نیست، اما علی اصغر حکمت نویسنده کتاب «تاریخ ادیان» تقسیم بندی ذیل را بیشتر منطقی و مورد قبول دانسته است، و در این تقسیم بندی ادیان به سه دسته ذیل تقسیم میگردد:

1 - ادیان ساده بدیوی: اعتقاد بر اجسام و ارواح و پرستش اجداد مانند: آنیمیزم، توتمیزم و فنتیشیزم.

2 - ادیان مبتنی بر اصول فکری و فلسفی چون: دین بودایی، هندوییزم و کنفوشیزم.

3 - ادیان مبتنی بر اصول روحانی مثل: یهودیت، مسیحیت و دین مقدس اسلام.^۱

4. پیشینه تاریخی معتقدات دینی:

جامعه شناسان میگویند: اگر بتاریخ زنده گی بشر نظر اندازی نماییم معلوم میشود که بشر از همان ابتدای پیدایش خود همواره در جستجوی کشف حقائق و نفوذ در بطن مجھولات این جهان سرا پا ابهام و رمز بوده و از جمله بشر میخواست بداند که آیا این جهان ازلی و ابدی است یا حادث و فنا شونده؟ خالقی دارد یا خود خلق شده است؟ اگر خالقی دارد آن خالق چگونه است و دارای چه صفاتی است؟ سرنوشت انسان در این جهان پر از هزاران حیرت و تعجب چگونه خواهد بود؟ خلق انسان روی هدفی صورت گرفته یا موجودیست بی هدف؟ آیا در قبال اعمال نیکو و زشت انسان ثواب و عقابی وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود دارد کیفیت آن چگونه خواهد بود؟ چه کسی آنرا با ما محاسبه خواهد نمود؟ آیا محاسب اعمال نیک و بد ما از ما چه توقعی

¹ - علی اصغر حکمت. همان اثر. ص: 22.

دارد؟ عبادت و اطاعت برای حصول رضای او امر ضروری است یا چطور؟ این همه سوالاتی است که در ذهن انسان (اعم از بدی و متمدن) خطور میکند و این سوالات آهسته زمینه را برای آن مساعد ساخته تا انسانهای بدی و ابتدائی راه خدا و خداشناسی رادر پیش گیرند و به ذات بالاتر از خود معتقد شوند و در وقت مشکلات و سختیها بنام او عبادت کرده و قربانی انجام داده تا رضای او را حاصل نمایند^۱.

و هر اندازه که بشر از نظر فکری و علمی به جلو رفته این موضوع اهمیت بیشتری کسب نموده و بر بزرگی و عظمت آفریده گار جهان پی برده است، چنانچه هرشل نجوم شناس معروف میگوید: « هر قدر دامنه علم وسیعتر میشود استدلالات منطقی تر و قویتری برای وجود الله ازلی و ابدی بdst می آید ».

البرت وینچستر زیست شناس معاصر میگوید: « هر کشف تازه بی که در دنیای علم بوقوع می پیوندد صدها مرتبه بر استواری ایمان من می افزاید و آثار شرک و وسوسه نهانی که کم و بیش در باطن معتقدات ما وجود دارد از میان میرود و جای خود را به افکار عالی خداشناسی و توحید میبخشد».

و بوهلر کیمیادان معروف گفته است: « هر قانونی که بشر کشف میکند او را یک قدم به خداوند نزدیک میسازد »

و ادوارد لوترکیل جانورشناس و حشره شناس معاصر میگوید: « خداوند به نسل کنونی بشر لطف بیشتری کرد و با اکتشافات مهمی که در علوم طبیعی صورت میگیرد ما را غرق رحمت خود ساخته لذا باید تمامی افراد انسان اعم از دانشمند و

¹- صالح الدین سلجوqi. تجلی خدا در آفاق و انفس (کابل: 1384 هق) ص: 22.

امی به شکرانه این موهبت بزرگ ایمان خود را راسخ تر گردانند».

جامعه شناسان میگویند: از آنجاییکه تاریخ بشر نشان میدهد بشر در هر مرحله ای از زنده گی خود (چه مرحله بدویت و چه مرحله تمدن) به خدا معتقد بود و با داشتن این عقیده یک نظام خاص دینی را پیروی مینمود، بشر در طول زنده گی خود دارای نظام های مختلف دینی بوده که مجموعه اعتقادات، عبادات، رسوم و عنوانات را تشکیل میداد، برخی از این نظام های دینی جنبه و سرچشمۀ آسمانی و الهی نداشته بلکه توسط اشخاص عادی ساخته شده و مورد قبول مردم بحیث یک دین که دارای معتقدات و عبادات خاصی بوده فرار گرفته است.

قرآن کریم کتاب منزل الهی است و بر آخرین پیامبر بشریت نازل گردیده واز ادیان، رسل و کتب گذشته الهی ضمن آیات ذیل چنین ذکر و یاد آوری فرموده است «**يَا بَنِي آدَمْ إِمَّا يَأْتِيَكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَفْصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ**»².

ترجمه: ای پسران آدم چون بیایند البته شما را پیامبرانی از جنس خودتان که میخواند بر شما آیات مرا پس کسانی که پرهیزگاری نمودند و نیکو کار شدند نه ترسی در قیامت بر ایشان است و نه ایشان اندوهگین شوند.

و: «**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ**»³.

ترجمه: ای اهل کتاب (که یهود و نصرانی هستید) به تحقیق آمد شما را فرستاده ما بیان میکند از برای شما بسیاری از آنچه شما پنهان میکنید (از تورات و انجیل)

1- عبدالرزاق نو福. اسلام و علم جدید. ترجمه و نگارش حسین وجданی (تهران 1348 هش) ص:

11

2- سوره الاعراف، آیه 35.

3- سوره المائدۀ، آیه 18.

ومیگزد از بسیاری از خطاهای شما به تحقیق آمد شما را از جانب الله نوری (که وجود پیامبر است) و کتاب روشن (که قرآن است).

و: «**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».¹**

ترجمه: ای اهل کتاب به تحقیق آمد شما را فرستاده ما (که محمد صلی الله علیه وسلم است) روشن میکند از برای شما راه حق را آمد شما را بر فاصله ای از فرستادگان پیش که مبادا بگویید شما: نیامد ما را مژده دهنده و نه بیم کننده پس به تحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم کننده والله بر هر چیز قادر است.

و: «**وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ».²**

ترجمه: و نمی فرستیم ما پیامبران را مگر مژده دهنده گان و بیم دهنده گان.

و: «**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا**³».

ترجمه: ای پیامبر البته ما فرستادیم تورا گواه و مژده دهنده و ترساننده.

و «**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولَمُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...**⁴».

ترجمه: پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و مقیاس حق نازل کردیم تا مردم انصاف نگهدارند

و: «**وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ..**⁵».

¹ - سوره المائدہ، آیه 23.

² - سوره الانعام، آیه 48.

³ - سوره الاحزاب، آیه 45.

⁴ - سوره الحجّد، آیه 25.

⁵ - سوره النحل، آیه 36.

ترجمه: میان هر امتی پیامبری برانگیختیم (که پیامبر برای آن امت فرمود) خدا را بپرستید!

5. اندازه گیری حضور وارقام جدید پیروان ادیان در برخی کشور های جهان

مسئله حضور عملی ادیان بزرگ در کشورهای مختلف جهان امری است بحث انگیز، احصائیه گیری دقیق فیصدی پیروان ادیان مختلف در کشورهای مختلف کاری است نسبتاً مشکل، شاید هر کسی که به جمع آوری ارقام در این مورد اقدام نموده تحت تاثیر نفوذ دین مربوطه خودش قرار گرفته باشد، ارقام در مورد مردم چین و ژاپان که به ادیانی، چون کنفووسیوس، تائو و شینتو معتقد اند دقیقاً معلوم نیست، ارقامی که در مورد تعداد مسلمانان در کشور های چون هندوستان داده میشود درست نمیباشد، و تعداد مسلمانان در این گونه کشورها اکثرآ کمتر از آنچه هست نشان داده میشود.

ما در جدول ذیل برخی از کشور های جهان را ذکر میکنیم که تناسب پیروان ادیان مختلف در آن به کلمات بیشترین، بیشتر، کمتر، و کمترین ارائه شده است. و در این جدول کشور های اسلامی که در حدود 60 کشور جهان را تشکیل میدهند ذکر نگردیده، محصلان و خواننده گان محترم با این کشورها که اکثریت قاطع مردم آن پیرو دین مقدس اسلام اند، آشنایی دارند.

6. جدول برخی از کشورهای جهان که پیرو ادیان مختلف به درجه های متفاوت اند:

| کشورها | بیشترین | بیشتر | کمتر | کمترین |
|--------|---------|-------|------|--------|
| | | | | |

| | | |
|----------|--|---------------|
| بریتانیا | کلیسای کلیسای ویلز کلیسای ایرلند، اسکاتلند کاتولیک | کلیسای انگلیس |
| هندوستان | اسلام مسیحی سکھی، جاینی، بودایی، زرتشتی، یهودی | هندو |
| ایتالیا | کاتولیک پروتستان ارتکس یهودی | رومی |
| برما | اسلام بودایی مسیحی هندو | |
| جاپان | شینتو بودایی پروتستان کاتولیک رومی | |
| ارژانتین | کاتولیک پروتستان یهودی سایر مذاهب | |
| استونی | لوتری ارتکس یونانی یهودی | |
| قبلی | کاتولیک پروتستان ارتکس یهودی | رومی |
| سیلوون | بودایی هندو اسلام مسیحی | |
| هنگری | کاتولیک لوتری یهودی ارتکس یونانی | رومی |
| بلغاریا | ارتکس اسلام کاتولیک | |

| | | | | |
|--|------------|------------------|------------------|---------------|
| | رومی | | یونانی | |
| | کاتولیک | اسلام | ارتدکس | رومانیا |
| | رومی | | | |
| | یهودی | کاتولیک | پروتستان | سویس |
| | پروتستان | اسلام | کاتولیک | فیلیپین |
| | | | رومی | |
| | اسلام | مذاهب ابتدایی | مسیحی | کانگو |
| | مسیحی | اسلام | آنمیسم | گینه |
| | پروتستان | یهودی | کاتولیک | پولند |
| | | | رومی | |
| | اسلام | کاتولیک رومی | ارتدکس یونانی | یوگوسلاوی |
| | یهودی | اسلام | ارتدکس یونانی | یونان |
| | سایر مذاهب | کاتولیک رومی | پروتستان | آلمان |
| | | | | |
| | | ارتدکس یونانی | اسلام | البانی |
| | | | | |
| | | پروتستان | کاتولیک رومی | افریقای جنوبی |
| | اسلام | یهودی | مسیحی | ایالات متحدة |

| | | | | |
|---|-------|-----------------|-------------------------|-----------------|
| | | | (کاتولیک و پروتستان) | امریکا |
| | | اسلام | بودایی | تایلند |
| | | سویدنی | لوتری | سویدن |
| | اسلام | پروتستان | کاتولیک رومی | فرانسه |
| | | ارتکس یونانی | لوتری | فنلاند |
| | اسلام | پروتستان | کاتولیک رومی | کانادا |
| | | مسيحی | یونانی | کوریای شمالی |
| | | مسيحی | یونانی | کوریای جنوبی |
| | | مسيحی | بودایی | ویتنام |
| | | | کاتولیک رومی | نیکاراگوا |
| ۱ | | | بودایی | لانوس |

7. ارقام جدید در مورد اديان مختلف جهان:

در مورد ارائه ارقام پیروان اديان همواره مشکلات زیادی وجود دارد، در گذشته هم

^۱- علی اکبر ترابی. همان اثر. ص: 349-354.

آنیکه به این کار مبادرت میورزیدند تحت برخی ملاحظات قرار داشته و در زمان حاضر نیز این ارقام زیر نفوذ برخی عوامل قرار دارند، در احصائیه گیریها همیشه این مسئله هم مطرح بوده که شخص محقق به کدام یکی از ادیان فعال جهان منسوب است و هم اینکه در نمونه گیریهای پیروان مشکلات وجود داشته و ضمناً هر کس علاقه داشت پیروان دین خود را در یک ساحه بیشتر نشان دهد و یا اینکه در یک خانواده غربی صرف پدر و یا مادر پابند به دین مسیحی بوده و پسران و دختران آنها اصلاً به دین مسیحیت پابندی نداشته اند ولی در احصائیه گیری تمام آن خانواده در جمله مسیحیان ذکر گردیده است وده ها عامل و مشکل دیگر.

ما در اینجا تازه ترین ارقام پیروان ادیان را ذکر میکنیم که در سال 2005 جمع آوری شده و در سایت «وکی پدیا» تحت عنوان «گروه های دینی اصلی» به نشر رسیده که این ارقام هم یقیناً در برخی موارد تحت تاثیر برخی عوامل کم و یا زیاد معرفی شده، بطور مثال پیروان دین مقدس اسلام ۲۱٪ فیصد کل نفوس جهان ارائه شده و پیروان دین مسیحیت در حدود ۳۳٪ در صد ثبتیت گردیده اند که شاید تعداد مسلمانان در امریکا، اروپا و افریقا با دقت تمام احصائیه گیری نشده باشد و همچنان تعداد مسلمانان در هند، مالزیا و اندونیزیا شاید تحت عوامل خاصی کمتر گذارش یافته باشد. با ملاحظة این مشکل باز هم ما ارقام وکی پدیا که یک دانشنامه آزاد خود را معرفی میکند بدون کم و کاست در اینجا نقل میکنیم:

دین مقدس اسلام ۳.۱ میلیارد نفر. واژ جمله:

اهل سنت و جماعت: ۹۴۰ میلیون نفر.

اهل تشیع: ۱۲۰ میلیون نفر.

سایر فرق اسلامی: ۲۴۰ میلیون نفر.

دین مسیحیت: ۲.۱ میلیارد نفر.

يهوديت: 14 مليون نفر.

دين هندو: 900 مليون نفر.

دين بودايي: 376 مليون نفر.

دين سكه: 23 مليون نفر.

دين جائي (جائي گرائي: 4، 2 مليون نفر).

دين بهائي: 7 مليون نفر (شروع قرن 19).

دين زرتشت: 2، 6 مليون نفر.

دين عامة چين: 394 مليون نفر.

دين شينتو: 4 مليون نفر (شروع 300 قبل از ميلاد).

دين روحگرائي (اسپريتيس): 15 مليون نفر (شروع اواسط قرن 19 ميلادي).

سكولارها (غير مذهبها) که شامل تمام گروه های ملحد، کافر، ضد مذهب و

ضد الله ميشوند: 1، 1 مiliard نفر.

اين دسته طيف وسعي از عقайд را دربر ميگيرد و به يك آيین خاصی مربوط نیست

و برخی آنها مربوط اومانیسم (بشرگرائي) و برخی ديگر دارای تفکر آزاد اند.

.(<http://fa.Wikipedia.org>)

8. اديان وضعی اقوام ابتدایی:

الف - طبیعت پرستی (تو تمیسم):

كلمه « توتم » برای باراول توسط اقوام بومی امریکای شمالی بکاربرده شده که بمعنى « شيء مقدس» است، افراد يك قبيله يا يك طايفه نام برخی از موجودات واشيای طبیعی را توتم میگذارند و تمام افراد آن قبيله و طايفه آنرا يك شيء مقدس و دارای خصوصیات فوق العاده میشمارند.

توتم گاهی از حیوانات و پرنده گان مانند گاومیش، باز، عقاب و طوطی و گاهی از گیاهان مثل درخت چای وغیره و گاهی از اشیایی مثل ستاره گان، باد، باران و دریا انتخاب میشود^۱. و زمانیکه توتم انتخاب شد این توتم نام قبیله و طایفه میگردد و افراد آن بنام آن توتم یاد میگردند و حتی بعد از مرگ علامه یی از توتم قبیله خویش را با خود میبرند. مثلًا اگر توتم یک قبیله گاومیش باشد موهای مرده آن قبیله را بشکل شاخهای گاومیش تیار میکنند و اگر توتم آنها پرنده باشد موهای آنرا مثل بالهای آن پرنده شکل میدهند اصول اساسی عقیدوی دین طبیعت پرستی (توتمیسم) عبارت اند از توتم، مانا و تابو، راجع به توتم معلومات مختصر ارائه شد.

و «مانا» کلمه ملانزی بوده و عبارت است از رب النوعی که اقوام بدوی آنرا عبادت میکنند، این رب النوع کاملاً بی نام ونشان و بدون تشخض و تاریخ است و نیرو و نفوذی است غیر مادی و ما فوق طبیعی که بواسطه قدرت مادی و یا هر نوع قدرت و برتری که انسان دارا است ظاهر میشود. جای مانا معلوم نیست و در همه جا وجود دارد و در تمام موجودات طبیعی و شعارها مشترک است².

«تابو» کلمه پلینزی و به معنی «نهی» است که مجموعه یی از آن محرمات را در بر میگیرد که در دین توتمیسم وجود دارد، توسط تابو اعمال و اشیای نیک و رشت از هم متمایز میشود. در این دین کدن و خوردن سبزیجات، کشتن و خوردن گوشت حیواناتی که دارای قدرت توتم باشد حرام دانسته شده است. در این دین ازدواج با زنان طایفه خود حرام است، باید با زنان بیرون از طایفه خود ازدواج کرد، باید به زنان وکسانی که حرم اسرار نیستند نگاهی صورت نگیرد، از خوردن

¹- علی اصغر حکمت. همان اثر. ص: 35-36.

²- علی اکبر ترابی. همان اثر. ص: 94.

زیاد بپرهیزد، واز اعمال پلید خود را دور نگاه کند تا شایستگی تماس با مانا را حاصل نماید. از فرائض و اوامر این دین خواندن دعاء و نماز بوده و بعضاً این فرائض بصورت قربانیها، رقصهای مذهبی، نغمه‌ها، سرود‌های مذهبی و یا مرثیه و نوحه سرایی بیرون می‌بیند.¹

در این دین یگانه وظیفه ایکه وجود دارد متمایز ساختن نیک از زشت است، این مشخصه در تمام ادیان دیده می‌شود. از نظر این دین جسم انسان دارای یک موجود درونی است که همان روح است، صرف برخی قبایل مربوط به این دین زن را موجود بی روح میدانند، در این نوعی از تناسخ ارواح نیز وجود دارد که گویا ارواح اجداد گاهی در اجساد بازمانده گان حلول می‌کند. از نظر این دین ارواح جهت ادامه دادن به زنده گی اجتماعی در دنیای ارواح باقی می‌مانند.²

ب- جان پرستی (فتیشیسم):

این اصطلاح در قرن 18 میلادی به علم تاریخ ادیان وارد شد «فتیش» به آن چیزهایی اطلاق می‌شود که دارای نیروی جادویی باشد و گاهی این کلمه برای آلات و افزار ساحرانه نیز استعمال می‌شود. از نظر این دین موجودات دارای قدرت کم و بیش شبیه بروح انسان اند³.

پیروان این دین نیز به مانا، تابو و پرستش نیاکان معتقد اند. در نظر آنها روح وجود دارد و در برخی از قسمت‌های انسان مانند چربی بدن جای دارد، روح میتواند بدن را موقتاً ترک کند. بعد از مرگ روح در پهلوی جسد قرار می‌گیرد و از جسد مراقبت می‌کند.

2- بهاء الدین پازار گاد. تاریخ و فلسفه مذاهب جهان کتاب اول (تهران: کتاب فروشی اشراقی، 1346 هش) ص: 6

3- فلیسین شاله. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه منوچهر خدایار محبی (تهران: از انتشارات کتابخانه ظهوری 1355 هش. ص: 22-23).

³- علی اصغر حکمت. همان اثر. ص: 32.

از نظر این دین مردگان مانند زندگان زنده گی میکنند، شب مردگان روز زنده گان است، زنده گی پس از مرگ وجود دارد و ممکن است مرد گان در آن دنیا نیز بمیرند، در این دین زیادتر به فال و جادو پرداخته میشود و باخواندن اوراد و اذکار با آواز بلند میخواهند در طبیعت و حوادث نفوذ کنند، بیماری مثلًا با خواندن ورد ذیل معالجه میشود: طوطی پرید، فاخته پرید، مرض پرید، و امثال آن^۱.

فتیشیسم از ادیان وضعی خیلی ابتدایی نوع بشر بشمار میروود که این موضوع را اگوست کنت فرانسوی نیز تایید کرده و آنرا از ابتدایی ترین ادیان وضعی عالم بشریت دانسته است.

¹ - فلیسین شاهه. همان اثر. ص: 28.

فصل دوم

ادیان فعال و ادیان متروکه جهان

چنانچه همه میدانیم انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و حیوان مدنی **بالطبع** دارای خصلت و اندیشه دینی است، هیچ مقطعی از مقاطع زمان و هیچ محلی از محلات جهان که انسان در آن زنده گی داشته بدون یک نظام دینی نبوده و به شکلی از اشکال تابع یک سلسله ارزش‌های دینی و اخلاقی خاصی است که حتی نمیتوان بوته کاران آسترلیای مرکزی و برخی اقوام هندوستان قدیم را که دارای بسیط‌ترین شکل زنده گی انسانی بودند از این امر استثنای کرد.

ادیانیکه در طول تاریخ انسانی مورد پذیرش قرار گرفته و انسانها به آن تدین جسته اند از حیث حضور و عدم حضور فعلی شان بدو دسته تقسیم مگردد :

دسته اول شامل ادیانی است که فعلاً در جهان فعال بوده و به اصطلاح رابرт هیوم ادیان زنده جهان بشمار می‌رond که تعداد شان به یازده دین میرسد، قرار شرح ذیل:

1 - ادیانیکه از آسیای جنوبی و بطور مشخص از هندوستان باستان نشأت

کرده است، مانند دین هندویی (دین ویدایی، دین برهمایی و دین هندویی معاصر)، دین جاینی، دین بودایی و دین سکھی

2 - ادیانیکه از آسیای شرقی و بطور مشخص از کشورهای چین و جاپان

1- رابرт هیوم ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1369 هش) ص29.

ظهور کرده است، مانند دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس و دین شینتو.

ادیانیکه از آسیای غربی و بطور مشخص فلسطین و عربستان نشأت
کرده است، مانند دین یهود، دین مسیحیت، دین مقدس اسلام و دین
زرتشتی¹.

این ادیان یازده گانه بالفعل در جهان پیروان زیادی داشته و برخی از آنها ادیان
جهان شمول و بین المللی گفته، مانند دین مقدس اسلام، دین بودایی و دین مسیحیت
که ما در فصول آینده راجع به هر کدام آنها معلومات مختصری خواهیم داشت
دسته دوم شامل آنعدد ادیان وضعی ابتدایی بشر است که در یک زمانی دارای
پیروان زیادی بوده ولی فعلاً در جهان حضور فعال نداشته اما در تکوین و انکشاف
برخی ادیان وضعی معاصر بی تاثیر هم نبوده است.

اینک ما در فصل حاضر به برخی از این ادیان اشارات مختصری داریم که
توجه خواننده گان عزیز را به آن معطوف میداریم:

1. دین وضعی بین النهرین:

یکی از قدیمترین محلات زنده گی و سکونت بشر بین النهرین است که در بین
دو نهر دجله و فرات قرار دارد. در این محله دولتهای بسیار بزرگی حکمرانی داشته
و وسعت آن از دریای مدیترانه تا سرحدات افغانستان فعلی بوده و قدامت تاریخی آن
بین چهار هزار تا پانزده صد سال قبل از میلاد میباشد. بابل و آشور از محلات خیلی
قدیم تاریخی است که اکثرا بابلیها را مبشرین دین و هنر معرفی نموده و از دینداری
آنها صحبت شده است، آشوریان را مردم جنگ جو، نیرومند و بسیار خشن معرفی

¹- رابرت هیوم همان اثر. ص: 30-29

میکنند و این دومحله چندین دوره حکمرانی بسیار قدرتمندی را پشت سر گذاشته است خصوصاً بابل پایتخت دولت کلدانی از شهرهای مشهور و بسیار متمدن دنیاً باستان است، در حوزه‌های علمی این شهر علوم طبیعی، نجوم، طب والهیات تعلیم داده میشد تا این سرحد که طالس ملتی یکی از علمای طبیعی یونان باستان وهم فیثاغورث معروف خوشه چینان خرمن علوم و فنون این سرزمین بوده اند.

تا قرن 19 اطلاع دقیقی از تمدن و تاریخ غنامند بین النهرین در دست نبوده و اینکه در قرن 19 از حفریات برخی مناطق مربوط به مصر نتایج ملموسی بدست امد باستان شناسان را متوجه تپه‌های بین النهرین نیز نمود که در نتیجه برخی حفریات پایتخت های خوابیده و کتابخانه های حاوی تخته های گل پخته و مملوء از نقش خط میخی بروی صحنه ظاهر گشت و پرده از تمدن بسیار قدیم این سرزمین برداشته شد².

در نتیجه کشف این الواح نظام دینی این سرزمین نیز بر ملا گردید که متأثر از دین توتم و فتیش بود. از نظر ساکنان بین النهرین عقاب، گاؤنر و شیر موجودات پاک دانسته شده و ارواح در آفتاب، مهتاب و ستاره گان قرار داشته که در آینده به هیات ارباب انواع نمایان شدند. هر شهر دارای رب النوع مخصوص بود، مردوك رب النوع خالق است، تعداد ارباب انواع آشور و بابل بسیار زیاد است که در یک روایت ارباب انواع و فرشتگان مورد اعتقاد آنان به هفت هزار تن میرسد.

مردم قدیم بین النهرین در مورد خدا و الهیات به دو نوع تثلیث معتقد بودند، یکی تثلیث اول یا اعلیٰ و دیگری تثلیث دوم. در تثلیث اعلیٰ انلیل یا «بل» رب النوع

1- فلیسین شاه. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه منوچهر خدایار محبی (تهران: انتشارات کتابخانه ظهوری 1355، هش) ص: 224-222

2- گوستا ولو بون. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی (ایران: کتاب فروشی اسلامیه 1347 هش) ص: 93.

هوا و زمین است، آن رب النوع بزرگ آسمان است و ای EA رب النوع اقیانوس اول است.

در تثبیت دوم شمس رب النوع عدالت و قاضی بزرگ جهانیان است، سیسن رب النوع مهتاب است و ایشتار رب النوع زهره زمانی رب النوع نیکخواه است و زمانی هم رب النوع جنگ و شهوت است و کوشش میکند اولاد آدم را فریب دهد و عاشق سازد.

یکی از سلاطین معروف بابلی حامورابی است که از 2080 ق.م. الی 2023 ق.م. حکومت نموده است. بعد از اینکه تخته سنگی بزرگی کشف گردید دیده شد که 282 ماده از قوانین مدنی و جزایی حامورابی به آن حک گردیده بود و در اثر این کشف به شهرت این سلطان بابلی افزوده شد و در سال 1902 میلادی حفاران فرانسوی این تخته سنگ را به موزیم لوور فرانسه انتقال دادند و در این تخته به موارد متعددی مربوط به قوانین مدنی و جزایی اشاره شده بود، از جمله رشوه، دروغ، افتراء، قسم، حدود، ظلم قضات، مجازات دزدی، حقوق تجارت، حقوق خانواده، اجره طبیب و معمار، لزوم مداخله دولت در قصاص، عدم جواز انتقام شخصی و سایر موارد.

از نظر مردم آشور و بابل ارباب انواع موجودات توانا، ابدی، دارای صفات بشری، ساکن آسمانها و دور از دست برده بشر اما نیازمند به عبادت، خدمت و میزبانی مردم زمین هستند و غرض آنها از خلقت بشر هم همین مسئله است و هر رب النوع شهری را در اختیار دارد که با اهل بیت خود به شکل مجسمه ها در آن منزلت داشته و رب النوع شهر بحساب میرود که اگر هر شهر همچو خدایی نداشته باشد شهر با تمام هست و بودش از میان خواهد رفت. پادشاهان و سلاطین خلیفه و نائب ارباب انواع بوده که موظف به شناختن معابد و ادای قربانی اند، جنگ بین دو

شهر در حقیقت امر جنگ بین دو رب النوع بوده که در صورت مغلوبیت یک شهر مجسمه رب النوع شهر مغلوب هم متعلق به شهر غالب میشد. از نظر آنها ارباب انواع موجودات قهاری اند که علاقمند ریختاندن و هلاکت مردمان اند، باید دشمنان را به سخت ترین شکل هلاک ساخت تا رب النوع مربوط خوشنود شود، به ارباب انواع باید غذا تهیه کرد و قربانی گوسفند اداء نمود. چون ارباب انواع به خانه و منزل ضرورت دارند باید معابد را به آنان اعمار نموده و هم باید به ارباب انواع زن دهنده، برای این کار غالباً دختران پادشاهان انتخاب میشند و آنها را در حلقه مخصوص بر سریک تپه میگذاشتند تا از طرف شب رب النوع به ملاقات منکوحه خود بیاید.

مردم بابل که به ستارگان در تعیین سرنوشت شان اهمیت زیاد قایل بودند و هم اینکه به قربانی گوسفند و تقسیم اعضای آن اهمیت میدادند دو علم در بین آنان شیوع بیشتری داشته و در مورد آن تحقیقات زیاد صورت میگرفت، یکی علم نجوم و هیأت و دیگری علم تشریح. موضوع کسوف و خسوف، یوم سبت (روز شنبه) برای رخصتی، سیارات و ثوابت، تعیین روزهای هفته برای ستارگان مخصوص از مسایل مورد بحث در نجوم بابلیان بشمار میرود.

2. ادیان وضعی حتیان، فروگیان و فنیقیان:

حتیان قبل از فنیقیان امپراتوری معظمی را در آسیای غربی تشکیل داده بودند، آرینا رب النوع آفتاب بوده که ملکه حتی Hatty نیز عنوان داشته و شوهرش رب النوع طوفان میباشد، نمونه های دین توتم هم بوضاحت در بین حتی ها با چشم میخورد، گاونر که حیثیت معنوی داشته مانند مارهای پاک مورد احترام دینی مردم حتی است.

فروگیان در سال 1180 ق.م در حتی جایجا شدند، ابتدا آنها از اروپا به آسیا

¹ - فلیسین شاه، همان اثر، ص: 252-253.

راه یافته و در انقره برای خود پایتخت ساختند، ما در خدایی بنام «ما» که تازه یافته بودند نام جدید کوبل را به او دادند، اتیس معشوق کوبل (مادرخدا) بولد.

مادر خدا اتیس را مجبور ساخت که برای تعظیم او خود را خصی کرده و از مردی بیندازد و به همین ترتیب به تعقیب این حادثه روحانیون در مراسم عید خونین اعضاًی تناسلی خود را میبریدند و در پیشروی مجسمه مادرخدا می‌انداختند، حرکات و سکنات زنانه از خود نشان داده و لباس زنانه برتن میکردند.

فنيقيه محلی در کنار شام است، فنيقيان دولت واحد نداشته و به شهرهای مستقل تقسیم شده بودند، فنيقيان از خود رب النوعی نداشته و در این مورد از کلدانیان پیروی میکردند مراسم دینی فنيقيان بیشتر از کلدانیان با قساوت قلب و خونخواری توأم بود و در برخی موارد انسان را قربانی میکردند و حتی در مورد فرونشاندن غضب رب النوع پادشاهان نیز فرزندان خود را زنده، دربرابر مجسمه رب النوع می‌سوختندند، مادران اطفال آمده به قربانی نیز باید حضور میداشتند و همه مردم به این عید دینی دعوت میشدند و در حالت خوشی و نواختن موسیقی حتی فریاد اطفال در حالت سوختن را نیز نمی‌شنیدند.

فنيقيان ارباب انواع را به دو قسم بعل و بعله یعنی نر و ماده تقسیم کرده بودند، هر شهر از خود بعل مخصوص داشت رب النوع دیگر فنيقيان مولوخ یعنی شاه رب النوع وحشتناکی بود که مردم فرزندان عزیز خود را در پیشگاه او قربانی میکردند

3. دین وضعی مصریان قدیم:

یکی از مناطق بسیار کهنی که دارای سابقه قوی دینی بیش از چهل قرن بود مصر قدیم است که توجه جامعه شناسان و دین شناسان را در قرون اخیر بخود

¹- مجید یکتایی. تاریخ تمدن و فرهنگ. (تهران: انتشارات گوتبرگ، ب ت) ص 100-101 .

²- فلیسین شاله. همان اثر. ص: 256 - 265 .

جلب نموده است.

قانون مراحل سه گانه او گوست کنت فیلسوف معروف قرن ۱۹ فرانسه خیلی مشهور است، از نظر او انسانها از بدو پیدایش تا کنون از لحاظ فکری و عقلانی سه مرحله بی کاملا باهم متفاوتی را پشت سر گذاشته اند، انسانها در ابتدا تمام پدیده های طبیعی را مانند خود فکر میکنند و آنها را دارای نیروی انسان مانندی میدانند ولی نسبت به انسان قویتر است، این مرحله را اکثر مترجمین بنام مرحله ربانی یاد کرده اند، در مرحله دوم قوای طبیعی و پدیده های عالم هستی توسط قوای ماورای طبیعی ارزش یابی میشود که این مرحله را بنام مرحله میتافزیکی یاد کرده اند، در مرحله سوم حوادث طبیعی را با حوادث طبیعی و علل طبیعی ارزیابی میکنند و این مرحله را بنام مرحله علمی و تحقیقی یاد کرده اند^۱. از نظر او در مرحله اولی تحولات دینی و انکشاف فکری و عقلانی انسان از دین توتم و فتنیش شروع میشود و زمینه برای شناخت و عبادت ارباب انواع متعدد و متفاوت مساعد گردیده و سپس به وحدانیت و یگانه پرستی روی می آورند. اگر به تحقیقات دانشمندان درمورد نظامهای دینی مصریان قدیم دقیق شود به وضاحت فهمیده میشود که مصریان از همه مراحلی که اگوست کنت آنرا بر شمرده است متناوباً گذشته اند.

از نظر جامعه شناسان مصریان قدیم که مذهبی ترین مردم جهان بشمار میروند ابتدا به دین توتم و فتنیش عقیده داشته و سپس به شرک و خداهای گوناگون و در نهایت به الله واحد و بی مثال معتقد گردیده اند. درخت انجیر، درخت خرما، پیاز و چشمehای آبی از توتم های مصریان قدیم است. نزد مصریان قدیم برخی حیوانات حیثیت رب النوع را بخود گرفته و مورد پرستش قرار داشته، مانند گاونر، گربه ماده، نهنگ، بقه، اسپ، شغال، عقرب، گرگ، سگ، قوچ، مرغ، باز و غیره.

1- یوسف کرم. تاریخ الفلسفه الحدیثة (القاهرة: مطبع دارالمعارف بمصر 1929 م) ص: 317 . 319

در مقابل کشتن حیوان پاک انسان قصاص میگردید و کاهنان عالیم حیوانها و گیاه های پاک را می شناختند، این حیوانات کاملاً مورد تقدس و عبادت قرار گرفته و هر گونه منفعت ملی مرجوح این معبدان شده است. میگویند یکی از پادشاهان آریانای قدیم بنام کامبوزیا در قرن 6 قبل از میلاد به مصر حمله ور شد، چون این پادشاه از قدیس مصریان به برخی حیوانات اطلاع داشت بنابر آن تعدادی از گربه ها و لگ ها را در پیش‌پیش سپاه خود قرار داد، مدافعين مصری زمانیکه معبدان خود را در مقدمه الجيش سپاه متجاوزین دیدند از تیر اندازی بسوی آنها خود داری نموده و در نتیجه مغلوب گردیدند.

مصریان قدیم نیروی شبیه به روح در وجود طبیعت، آفتاب، ستاره گان، درختان، رود ها و بخصوص در وجود رود نیل معتقد بودند، رود نیل به عنوان معبد مصریان بوده و وقتیکه میگفتند که نیل بدون باریدن باران بالا آمده و مستی میکند میگفتند: ریختن اشک «ایزیس» بخاطر مرگ شوهرش «اوزیرس» باعث بالا آمدن نیل شده است، چون آنها تا هنوز منابع آبی رود نیل را نمی شناختند و از مناطق دور دست جنوب که همیشه بارانی بوده و معاونین نیل را سیراب می ساخت اطلاعی نداشتند، ویا هم برخی اوقات آب نیل رو به خشکیدن میگرفت و مردم تحایی را به نیل عرضه میکردند تا آب آن بالا بباید ولی زمانیکه در قرن - 19 - سرچشمehای نیل از جمله بحر الغزال کشف گردید دیگر چیستان بالا آمدن ویا خشکیدن نیل نیز خود بخود روشن شد.

ومسلمانها تقریباً 12 قرن قبل از کشف سرچشمehای آن به حقیقت موضوع پیرامون آب نیل پی برده بودند. درین مورد بیجا نیست تا از نامه حضرت عمر فاروق رضی الله عنه به رود نیل یاد آورشونیم: «... افسانه های قدیم رود نیل مصر را همه کس شنیده اند که چون آبش کم میشد مردم مقبولترین دختر شهر را آرایش

داده به آب رودنیل پرتاب میکردند، تا آب آن بالا آید. زمانیکه عمر و ابن العاص در دوره خلافت حضرت عمر فاروق رض مصر را فتح و بحیث والی اجرای وظیفه میکرد، مردم در آن وقت معین سال خواستند تحفة رود نیل را آماده کنند ولی قبل از آن لازم دیدند تا با والی خود درین زمینه مشورت نمایند. والی آنها را از این کار منع کرد، چه این کار یک عادت جاهلی و کشتن یک انسان بیگناه بود، آب نیل خشک شد، والی در هراس افتید تامشکلی ایجاد نشود و درین مورد از امیر المؤمنین طی نامه ای مشورت خواست، حضرت عمر رض در جواب نامه والی نوشت که من به رود نیل نامه نوشتم ، بعد از موافقه آنرا در آب نیل بیانداز! در نامه نوشته شده بود:

از طرف من عمر امیر المؤمنین به رود نیل مصر!

اگر تو به امر الله عزیز جاری هستی، الله عزیز ترا جاری میکند، اگر به امر خود جاری هستی خشک شو! ما به تو ضرورت نداریم.

والی مردم را جمع کرده و خطرا در رود نیل می اندازد و بعد می بینند که آب رود نیل بالا می آید، مردم مصر یقین حاصل کردنده آب رود نیل به فرمان الله عزیز در حرکت است، کمی و زیادت آن نیز مربوط به مشیئت الله عزیز میباشد و دیگر از این عادت جاهلی و مصیبت تاریخی رهایی یافتند و من بعد هیچ دختری قربانی این تصور غلط مصریان نگردید»^۱.

طبقه روحانی مصر قدیم همیشه تلاش داشته تا از طریق یک سیستم واحد در عرصه پرستش معبدان وحدت مصر را تأمین کرده و قدرت و سیطره فراعنه را مستحکم تر سازند، آفتاب رب النوع بسیار معتبر مصریان بود که بنامهای متفاوتی مورد پرستش قرار داشت. اوزیریس رب النوع آفتاب در حالت غروب^۲، هوروس

^۱. محمد ابراهیم نورزایی. تفافت اسلامی ۱ و ۲. کابل: ریاست عمومی تربیه معلم، ۱۳۹۰ ش. ص: ۲۶.

۲. اورسیل بول ماسون. الفلسفه فی الشرق. ترجمه محمد یوسف موسی. مصر: دارال المعارف بمصر، ۱۹۴۵. ص: ۵۳.

پسر اوزیریس و رب النوع آفتاب در حالت طلوع، ایزیس زن اوزیریس و رب النوع آسمان و ماه، ست یا تیفون شیطان تاریکی و ظلمت است که هوروس همواره با او در جنگ میباشد، طبق روایات جامعه شناسان رب النوع اوزیریس ابتدا در وادی نیل پادشاهی دارد و بعد از استقرار آرامش در اینجا به سیاحت دنیا میپردازد تا صلح و امن را در جهان برقرار سازد ولی از طرف ست یا تیفون بقتل میرسد و بدنش پارچه پارچه میگردد، ایزویس زن وی اشک ریزان بدن پارچه پارچه شوهرش را جمع آوری کرده و از او حمل میگیرد و هوروس بدنیا می آید و زمانیکه هوروس بزرگ میشود رب النوع ظلمت (تیفون) را دستگیر و نزد مادرش ایزیس می آورد و این جنگ بین نور و تاریکی دوام میباید و شاید تا حال هم بنحوی ادامه دارد

اوزیریس بحیث رب النوعی دارای زنده گی دوباره همیشه مورد عبادت مصریان قرار داشته است، فرعون که بر مصر بالا و پایین حکومت داشت تحت حمایت خاصی ارباب انواع و خصوصاً هوروس قرار داشت، از نظر مصریان فرعون پرتوی از آفتاب، پسر خدا و در نهایت خدا بود، فرعون مظہر هوروس است و صبح و شام مانند رب النوع آفتاب در حالت طلوع به او سجد نموده و عبادت نثارش میگردد¹.

ارباب انواع مصر خانه های مخصوص داشتند و خادمان زیادی مصروف خدمت در آن خانه ها بودند که برخی به امور آرایش و پوشش و برخی به تغذیه آنها، و از این طریق عواید زیادی به پادشاهان مصر سرازیر میشد

زنده گی بعد از مرگ در عقاید مصریان قدیم وجود دارد ولی در برخی موارد مبهم است، در ابتدا حق زنده گی کردن بعد از مرگ تنها به

¹. فلیسین شاله. همان اثر. ص: 40-49.

پادشاهان منحصر بود و آنهم در صورتیکه در محکمه ارباب انواع جواب و حساب بهتری بدنهند و عدل و داد خود را در روی زمین ثابت کنند، بعد این حق به سایر اشخاصی دارای وظایف بلند داده شد که شاید بعد ها این حق همگانی شده باشد به شرطیکه در پیشگاه معبد بزرگ اوزیریس حاضر شوند و بی گناهی خود را ثابت سازند، هرکس باید اعتراف نامه زیر را در پیشگاه رب النوع اوزیریس به زبان آورد و از آن دفاع کند:

« من انسان بی گناه هستم، در خانه حقیقت جز راستی چیز دیگری نکرده ام، باهیچ کس ظلم روا نداشته ام ، موجب آزار و بد بختی آینده گان نشده ام، باعث رنج، فقر و ترس کسی نگردیده ام، هرگز کسی را گرسنه نساخته ام و هیچ صاحب غلام و خادم را نگذاشته ام تا به مادون خود ظلم، ستم و گرسنگی روا دارد، در هیچ حالتی دروغ نگفته ام، زنا نکرده ام، پرنده گان خدا را با دام نگرفته ام، هدایای معبدان را خیانت نکرده ام، من بیگناهم، من بیگناهم».

4. ادیان متروکه اوریل:

پیش از نفوذ دین حضرت عیسیٰ علیه السلام در اروپا برخی ادیان وضعی شیوع داشت که در زمینه میتوان از ادیان اقوام جرمن، دین اروپایی غربی و سلتها، دین اروپای جنوبی مخصوصاً یونان، روم و ایتالیا نام برد اقوام جرمن به چندین دسته تقسیم گردیده که در کشورهای مختلف اروپا زنده گی میکردند و نظریات دینی این دسته ها هم با هم متفاوت است.

در دین قدیم جرمن آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود در این دین برخی

درختان اهمیت خاص قدسی دارد و هم بعضی حیوانات مانند اسپ و زاغ از اهمیت دینی خاصی برخوردار است، از نظر این دین ممکن برخی از زنان و مردان به قیافه خرس یا گرگ درآیند.

نzd جرمنها نرتوس Northus از قدیمی ترین ارباب انواع «مادرزمین» بوده که با فریا Freya رب النوع عشق و زیبایی و فراوانی شbahت داشت، برادر و محبوب او فریر Freyr نام داشت، در حوزه دینی فریر عرفان و افسانه شناسی یک بخش عمدی از افکار عرفانی جرمنها را تشکیل میدهد، سه رب النوع جرمنها بنامهای او دین رب النوع روحانیان جادوگر^۱، تیو رب النوع مربوط به جنگجویان، و تُر رب النوع مخصوص دهقانان که از یک سو شbahت زیادی با سه طبقه اولیه هندوها قدمی داشته و از جانب دیگر با ارباب انواع روم نیز بی شbahت نبودند که این شbahت بالترتیب با عطارد، مارس و ژوپیتر رومیان صدق میکند.

مراسم قربانی و حتی گاهی مراسم قربانی انسان بخاطر خوشنودی ارباب انواع صورت میگیرد و متصدی این کار روحانیون میباشند، اقوام جرمن دارای تشكیلات و رهبری روحانی مستقل نبوده بلکه شاه روحانی اصلی بشمار میرفت و امور جادو، کهانت و دین را در اداره خود داشت و اگر احیاناً پادشاهی بدون مهارت جادوگری میبود از بین برده میشد.

بعداز ظهر دین حضرت عیسیٰ علیه السلام و شیوع آن در اروپا این عقاید اقوام جرمن رو به تضعیف نهاد، بت‌ها توسط دین حضرت عیسیٰ علیه السلام سوختانده شد و درخت‌های مقدس نیز از بین برده شد، جرمنها بعداً مسیحی شده ولی آثاری از دین قدیم در زندگی آنها باقی مانده و جادوگری و کهانت را محترم میشمردند.

¹- نصرالله باب الحوائجی. روح در فلمرو دین و فلسفه. (تهران: چاپ خانه پرجم، ۱۳۴۵ هـ) ص: 34.

اقوام سلت و گل از آلمان شرقی و جزایر دنمارک در سراسر اروپای غربی منتشر شدند خصوصاً در ایتالیا و ایرلند، از عقاید دینی اقوام سلت جز مطالب شفاهی چیزی دیگری درست نیست، آثار دین توتم در عقاید اقوام سلت و گل بخوبی به مشاهده میرسد، درخت بلوط توتم اقوام گل بود، برخی قبایل نام برخی حیوانات را بخود میگذاشتند مانند گاو نر، زاغ وغیره، برای خود هم برخی عالیم و آثار قایل بودند، خروس برای دفع تندر یا صاعقه بکار رفته چنانچه خرگوش برای فال گرفتن استفاده میشد، از نظام توتم برخی تابوها یا منهیات نیز نشأت میکرد، سلطها گوشت اسپ رانمی خوردند، دست زدن به غذای دشمن و نزدیک شدن کودکان مسلح به پران جایز نبود، جوانان نزد راهبان یا خانواده های بیگانه تربیت میشدند که حتی امروز هم موسسات شبانه روزی در فرانسه و انگلستان وجود داشته که شاید متاثر از همان نظر دینی قدیم باشد. کوه ها، چشمها و جنگلهای پاک وجود داشته و راهبان به تناسخ ارواح و معاد معتقد بودند. اکثرآ ارباب انواع رومی را به پنج رب النوع مردم گل مشابه میدانند، مثلا رب النوع توتاتس که رب النوع تمدن بود باعطارد مخترع هنر و پدر قوانین شباهت داشته چنانچه این شباهت در بین ارباب انواع تارانیس رب النوع رعد، مارس رب النوع حاکم بر جنگ، اپولون رب النوع صحت و میترو رب النوع صنعت و حرفة با ارباب انواع روم وجود داشته است^۱. قربانی برای حفظ ارباب انواع در صلاحیت راهبان قرار داشته، انسان بیگناه و یا محکومین به مرگ را قربانی میکردند و جوانان مربوط به طبقه نجاء را تربیه نموده تا به آنها یاد دهند که ارباب انواع را احترام کرده و بدی نکنند و همیشه با شهامت و شجع باشند و این تعالیم جزء اساسی ارزش‌های دینی مردم سلت و جرمن را تشکیل میدارد

کلیساي کاتوليک مسيحي موفق نشد تا برخی عقاید قدیم دینی اين مردم را از

^۱- نصرالله باب الحوائجی. همان اثر. ص: 30.

بین ببرد بلکه در برخی موارد تحت تاثیر آن نیز قرار گرفت مانند عقیده آنها به آتش قبرستانها، جادوگری، قدس درخت بلوط، وجود شیاطین و دیوان^۱.

یکی دیگر از مناطق مربوط به اروپا یونان است که از نظر مورخان نه تنها در مورد فلسفه و حکمت، زیبایی شناسی و کشف حقیقت، بشریت امروزی مر هون احسان آنست بلکه در عرصه معتقدات دینی نیز از اهمیت تاریخی زیادی بهره مند می باشد.

اطلاعات در مورد یونان علاوه از کتبیه های بدست آمده از طریق دو مورخ معروف یونانی (هرودوت) و (توسیدید) که در قرن پنجم قبل از میلاد زنده گی می گردند بدست ما آمده است و هم منظومه هومر بنام ایلیاد و او دیسه که قدیمترین شاهکار ادبی یونان باستان بشمار می رود و توسط شاعر معروف هومر سروده شده و از منابع قوی معلومات ما در مورد عقاید دینی، حکمت، هنر و ادب یونان قدیم بشمار می رود^۲. در مورد نظام دینی هشت قرن قبل از میلاد تفصیلات زیادی وجود دارد که ما در اینجا صرف به برخی نکات اساسی آن اشاره می کنیم:

در یونان قدیم هم دین توتم از اهمیت خاصی برخوردار بوده، تقدیس درخت بلوط، برخی گیاهان، حیواناتی مانند گاو نر، سوسمار، عقاب وغیره نمونه های بارزی از دین توتم است و همچنان مردم یونان به وجود ارواح عقیده داشتند.

مردم یونان معمولاً ارباب انواع را شبیه به نوع بشر میدانستند ولی با نوعی از تمایز و گاهی هم به شکل حیوانی ظهر می گردند^۳.

قدیمی ترین ارباب انواع عبارت از مادر زمین گائیا یا گ و اورانوس بودند که

¹- فلیسین شاله. همان اثر. ص 332-339.

²- یوسف کرم. تاریخ الفلسفه یونانی. (القاهرة : مطبع دارالمعارف بمصر، 1929م) ص: 5-2.

²- احمد فؤاد الاهواني. سیده دم فلسفه یونانی. ترجمه عبدالمنان مددی. (کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 1369 هـ) ص: 45-47.

هر دو فرزندان زیاد آوردن و آخرین رب النوعی که پا به عرصه وجود گذاشت گرونوس بود، رب النوع سخت بی رحم که حتی اولاد خود را میخورد ولی یکی از ایشان به کمک مادرش جان به سلامت برداشت که نام او زئوس است. زئوس فرزند گرونوس رب النوع معتبر یونان گردید. در اطراف زئوس ارباب انواع زیادی قرار داشته که در محلات مربوطه صاحب قدرت بودند، هرا زن زئوس بود که در آسمان زنده گی داشت. به زئوس سه فرزند بنامهای هرمس، ارتمیس، و اپولون را نسبت میدهد.

هرمس مظہر باران بود و ارتمیس به هیکل زن شکارچی مجسم میشد و رب النوع ماه میباشد، اپولون رب النوع آفتاب، نور و موسیقی است.

در روم قدیم هم آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود، موجودیت برخی نباتات پاک، درخت انجیر، بوته باقلاء، گرگ نر، گرگ ماده وغیره دلالت براین حقیقت دارد، مردم روم قدیم به اوراح نیز اعتقاد داشته که دارای قدرت معنوی است و آهسته و آهسته این ارواح حیثیت ارباب انواع را کسب میکند، وهم آنها به نوعی از تثلیث اعتقاد داشتند: ژوپیتر، مارس و کوایری نوس رب النوع صلح. نظر به ناخشنودی که از عقاید دینی روم در اطراف و اکناف وجود داشت نتیجه این شده که برخی عقاید دینی آسیای غربی، دین اوزیریس و ایزیس مصر، آئین میترا از ایران و افغانستان در نظام دینی روم تاثیر نماید و زمینه را به یگانگی و اتحاد مذاهب و ادیان مساعد سازد^۱.

¹ فلیسین شاله. همان اثر. ص: 329-399.

جدول برخی معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان

| ردیف | نام دین | تاریخ ظهور | محل ظهور | خدای مورد عبادت | کتاب پیروان | تعداد موردنی | اوائل قرن | سرتاسر | الله جل جلاله | قرآن | دین |
|------|---------|--------------|-------------|-----------------|-------------|--------------|-----------|----------|---------------|---------------|-----|
| 1 | اسلام | 7 میلادی | مقدس مجید | جهان | میلادی نفر | 1.3 | اوائل قرن | سرتاسر | الله جل جلاله | قرآن | دین |
| 2 | ت | میلادی | مسیحی | جهان | میلادی نفر | 2.1 | قرن اول | سرتاسر | خدای پدر | عهد | دین |
| 3 | ت | ازمیلاد | ازمیلاد | پراکنده | عهد | -1200 | 1500 | اسرائیل | یهوه | 14 میلیون نفر | دین |
| 4 | هندو | قبل از میلاد | هندو | برهما | انواع مختلف | 900 | 1500 | ہندوستان | وداها | ملیون نفر | دین |
| 5 | چین | اوائل قرن | جنـتـ. یـاـ | اوپانی | اوپانی | 3 میلیون کتب | 3 | پـاـ | وارباب | شـادـهـاـ | دین |

| کلاسی ک | نفر | موسس | کنفوس 5 قبل ازمیلاد | یوس |
|------------------------------|-----------------------------------|----------------------------|------------------------|---------------------|
| تری 376 | در آغاز اواخر قرن | برخی کشورهای بدون خداو بعد | 6 دین بودا | پیتیاکا |
| گوجی 4 میلیون | خدای طبیعت نفر | جاپان | 7 دین شینتو | کی، نیهون |
| اوستا 2.6 | اهورامزدا | اوآخر قرن ایران و هندوستان | 8 دین زرتشت | (اورمزد) میلیون نفر |
| تائوتھ یک میلیون نفر | تائو | اوائل قرن چین | 9 دین تائو | کنگ (لانوت سه) |
| هندوستان نام حقيقة 23 نفر | اوآخر قرن 15 | گرانت سک میلادی | 10 دین | |
| آنگه ها 4.2 میلیون نفر (1) و | اوائل قرن هندوستان در ابتداء بدون | 11 دین جاینی | | 6 قبل |

(2)

خداو بعد

از میلاد

خود

مؤسس

فصل سوم

هندوستان سرزمین ظهور ادیان وضعی مختلف

1. دین هندو بحیث قدیمترین دین شناخته شده جهان:

هدف از مطالعه «دین هندو» تنها دین معاصر هند نیست بلکه تحت این عنوان در نظر است تا معتقدات هندوها که دارای ریشه‌های دینی مختلف و تطورات گوناگون قدیم و جدید است مورد مطالعه قرار گیرد. این معتقدات در همان اوایل بحیث دین اکثریت بشمار رفته و دارای ۸۵ فیصد پیرو میباشد.

دین هندویی معاصر نیز نتیجه این همه تطورات در معتقدات هندوها قدمی است، جهت رفع ابهام درین بحث ضرور به نظر میرسد تا دین هندو را بطور کل تحت سه نام جداگانه مطالعه نماییم: معتقدات ابتدایی و ساده دین هندوها قدمی تحت عنوان «دین ودایی»، معتقدات و نظریات برهمایی دین هندو تحت نام «دین برهمایی»، معتقدات و مراسم مذهبی هندوها امروز تحت نام «دین هندویی معاصر».

به اساس تحقیقات باستان‌شناسان اقوام «هند و اروپایی» از سواحل دریای بالتیک و جنوب روسیه به مناطق آسیای مرکزی نقل مکان نموده و خود را «آریا» یعنی زیبا، دهقان و اصیل خواندند. در برخی این مناطق اقوام بومی زندگی داشته و دارای معتقدات مختلف دینی از جمله معتقدات توتمی، طبیعت پرستی و روح پرستی بوده و برخی از حیوانات مانند گاو، سگ، مار، اسب و هم بعضی از گیاهان را پاک میدانستند و اقوام آریایی نیز با این معتقدات بیگانه نبوده و ارباب انواع متعددی را

پرستش میکردند^۱. و از آنها هر مراد و مقصد خود را میخواستند چنانچه فرد آریایی همواره در دعای خود میگفت:

« ای خدای طبیعت (اینдра)! اگر من هم می توانستم مانند تو مال و ثروت ببخشم پس هیچوقت کسی را که مصروف اطاعت و عبادت من میبود از داشتن یک راس گاو محروم نمی ساختم».

آریایی‌ها در قرن 15 قبل از میلاد به مناطق هندوستان فعلی رهسپار شده، و اقوام بومی و سیاه پوست ساکن آنجا را بسوی جنوب هند راندند و خود را آریا، بادر و اصیل آنجا شمرده و معتقدات بومیان هند را که مسلم‌دارای خصوصیات ویژه بود و سه هزار سال قبل از میلاد در بین آنها رواج داشته خرافی قلمداد کرده و ارباب انواع آنرا دیوان و غولان بیش ندانستگ.

هندو‌ها و آریایی‌ها در برخی موارد وجوه مشترک پیدا کرده و از جمله ارباب انواع مشترک مانند میترا (رب النوع آفتاب) را هردو پرستش میکردند و رب النوع «اهورا»ی زرتشتیان و رب النوع «وارونا»ی هندوها دارای شباهت زیاد میباشد و یا اهمیت یکسان قربانی نزد هندوها و آریایی‌ها.

در جنوب و برخی از نواحی عقب مانده هندوستان امروز نیز پاره‌یی از معتقدات اقوام ابتدایی وجود دارد و علاوه از آن دین هندویی معاصر نیز به آن عقاید ارجی فراوانی میگذارد.

مثلما در معتقدات دین هندویی معاصر به وفرت وکثرت همان صور و اشکال ابتدایی تو تمیسم (اشیای پرستی) و آنیمیسم (روح پرستی) را ملاحظه مینماییم

1. غوستاف لوپون حضارات الهند. تعریب عادل زعیتر. القاهرة : دارالاحیة للكتب العربية، 1948 . ص: 332-331.

2. محمد اکبر الندوی. التبادل الثقافی بین الهند و العرب. نیو دلهی : ازاد بوان، 1990 . ص: 148.

در این دین تا هنوز هم حیواناتی مثل گاو، مار و میمون و دریاها بی مانند گنگا و درختان و گیاهان پاک مورد تکریم و تقدیس هندوها است، در نزد آنها سحر و جادو، تقدیس ارواح نیاکان، ستاره گان و کواكب آسمانی مقام بس بلندی دارد^۱. عقیده دین هندو به اصل «تناسخ ارواح» شاید زاییده تکریم آنها نسبت به ارواح مردگان و تقدیس آنها نسبت به برخی حیوانات باشد.

۲. دین و دایی:

دین و دایی منسوب به «ودا» است و وداها مجموعه بی از چهار کتاب مقدس این دین بشمار می‌روند:

«یاجورودا» کتابیست که تشریفات مربوط به قربانی و سایر مراسم مذهبی هندوها را بیان میدارد. قربانی در معتقدات این دین اهمیت خاصی دارد و از قربانی کردن چند هدف ذیل در نظر می‌باشد:

اول- مرده گان بخاطر بقای خود به خوردن قربانی احتیاج دارد.

دوم- ارباب انواع نیز به قربانی علاقه می‌گیرند.

سوم- در زیادت مال و اولاد ذکور، صحت و زیادت عمر قربانی کننده تا ثیر مستقیم دارد.

«اتاروا ودا» از کلمه اتاروان یا آذروان که بر محافظان آتشکده ها اطلاق می‌گردد گرفته شده، این کتاب تشریفات مربوط به عبادت آتش، سحر و کهانت را بیان کرده است.

«ساما ودا» کتابیست شامل سرود های دینی راجع به قربانی

¹- علی اکبر ترابی. همان اثر. ص: 103-109.

«ریگ ودا» کتابیست شامل سرود های روحانی که برخی از آنها قصه خلقت را بیان میکند و برخی دیگران ارباب انواع طبیعت را مورد خطاب قرار میدهد.

کلمه «ودا» بمعنی دانش و بخصوص دانش پاک است و علت این تسمیه از نظر آنها اینست که از طریق شنیدن کتب پاک و دادها دانش پاک حاصل میشود.

دین و دایی که قدیمترین دین هندوستان بوده و اساس دین برهمایی و دین هندویی معاصر را گذاشته جامعه هند آن عصر را به چهار طبقه ذیل تقسیم بندی نموده است:

1- طبقه برهمان.

2- طبقه جنگ آوران.

3- طبقه تاجران و زارعان.

4- طبقه غلامان.¹

و اگر در جامعه هند آنوقت دقت بیشتری صورت گیرد علاوه از چهار طبقه فوق طبقه پنجم نیز در آن به مشاهده میرسد که آنرا میتوان «طبقه فرومایگان» نام گذاشت.

طبقات چهارگانه یا پنجگانه جامعه هند آنوقت از جهات مختلف زنده گی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باهم تفاوت داشتند و این تفاوت از زمانی آغاز شد که اقوام «هند و اروپایی» از سواحل دریایی بالتیک روسیه بسوی مناطق آسیای مرکزی و از آنجا بسوی سرزمین هندوستان سرازیر شدند. اقوام مهاجم آریایی سه طبقه اول را تشکیل داده که طبقات بلند جامعه آنوقت هند بشمار میرفت، و اقوام اصلی ساکن هندوستان (بومی ها و سیاه پوستان 16 قرن پیش از میلاد) یک یا دو طبقه اخیر را ساخته اند.

1- عبد المنعم النمر. *تاريخ الإسلام في الهند*. (مصر: دار العهد الجديد للطباعة، 1995) ص: 27-29.

سه طبقه اول دارای امتیازات بیشتر بوده و خود را از نژاد اصیل و آریایی میخواندند و از جمله آنها طبقه اول (برهمنان) اهمیت مذهبی و روحانی نیز داشته و امور مذهبی دوران خود را تنظیم کرده و تا حال هم در جامعه هند تاثیر مذهبی و روحانی خود را حفظ نموده است.

جامعه هندوستان فعلی هنوز هم به طبقات اجتماعی ارزش فراوان فایل است، بنابر تحقیقات خاصی که در زمینه صورت گرفته است آن چهار یا پنج طبقه اجتماعی که زاده تعلیمات دین هندویی قدیم بوده فعلاً به ۱۹ هزار طبقه اجتماعی منشعب شده اند و خارج از این ۱۹ هزار طبقه هنوز هم میلیونها انسان دیگر هندوستان بیرون از طبقه اجتماعی بسر میبرند و امتیاز تعلق به پستین طبقه اجتماعی را نیز با خود ندارند، چه در جامعه هند کسیکه به پایینترین طبقه اجتماعی هم متعلق باشد نسبت به کسیکه اصلاً فاقد طبقه است خود را از او برتر و فوق ترمیداند

تضاد بین طبقات به شدت وجود دارد، معابد طبقات عالی جدا از معابد طبقات سافل ساخته میشود، کودکان طبقات عالی با کودکان طبقات پایین هم بازی نمیشوند و آنرا عیب میدانند، خلاصه دین هندویی که دین و دایی شکل قدیمی آن میباشد تنها دینی است که جامعه هند را به طبقات مختلف و کاملاً متضاد اجتماعی تقسیم نموده است.

مراسم قربانی بدون برهمنان صورت گرفته نمیتواند، تنها برهمنان اند که با خواندن اوراد و اذکار خاص عبادت قربانی را در بدل اجره ایکه اکثراً یک یا چند راس گاو میبود انجام میدانند، در سرود شماره دهم کتاب دهم ریگ ودا در مرور اجره قربانی چنین آمده است: «اگر کسی به برهمن یک راس گاو بدهد تمام دنیا به او داده خواهد شد»، خلاصه برهمنان بطور کل عهده دار تمام امور دینی در

1- جوزف کییر. سرگذشت دینهای بزرگ. ترجمه ایرج پژشک نیا. (تهران: سازمان کتابهای جیبی ۱۳۴۰ هش) ص: 86-87.

هندوستان بشمار میرفتد^۱.

3. دین برهمایی:

در دین ودایی هندی های قدیم، اعتقاد به ارباب انواع گوناگون از قبیل «ایندها» «خدای طبیعت»، «میترا» خدای آفتاب یا رب النوع آسمان در وقت روز و «وارونا» رب النوع آسمان در وقت شب وجود داشته است^۲.

به قربانی ارزش بس بزرگی داده میشد، اینگونه اعتقادات ودایی تا قرن نهم پیش از میلاد دوام کرد و بعد از آن بر همنان در دین ودایی دست به رفورمهای خاصی زندد، این رفورمهای سه قرن (از قرن ۹ تا قرن ۶ قبل از میلاد) صورت گرفت و دین ودایی آهسته آهسته جای خود را به دین برهمایی تخلیه نمود به ادعای پیروان دین برهمایی که نتیجه کار و اصلاحات بر همنان است بجای ارباب انواع گوناگون و متعدد، یکتا پرستی و توحید نسبی توجه جامعه هند را بخود جلب میکند و من بعد بر روح جاودانی عالمی که ارواح ما نیز منشعب از آن میباشد معتقد میشود، دین برهمایی به اصل «تناسخ ارواح» اعتقاد جزئی داشته به اینطور که روح یک جسم مادی بعد از انجام کارهای نیک یا زشت به جسم مادی دیگری نظر به میزان اعمال نیک و بد منتقل میشود، اگر انسان مرتکب اعمال زشت شود این تناسخ ادامه پیدا میکند و جزای اعمال بد وزشت خود را به همین شکل میبیند و اگر اعمال نیک را انجام دهد تناسخ در حق وی به پایان میرسد و روح او به روح جاودانی و روح کیهانی ملاقی میشود در نظر این دین تناسخ عبارت از یک شریست که انسان آنرا در قبال اعمال زشت خود میبیند و بخاطر نجات از این شر باید راه رستگاری را جستجو کنیم، راه نجات در نظر پیروان آن دین غلبه بر خواهشات

¹- هاشم رضی. نظمات مذهبی در جهان. (تهران : چاپخانه سپهر، ب ت) ص: 274.

²- غوستاف لو بون. همان اثر. ص: 915.

نفسانی است و از همین سبب است که اکثر بر همنان راه دشت را پیش گرفته به گدایی و دوره گردی می پردازند، آنایکه به رهبانیت روی آورده و از جهان مادی و خواهشات نفسانی انصراف مینمایند بنام «جوکی» و یا «یوکی» یاد می شوند. جوکی در اصل به معنی «تحت تسلط آوردن حیوان لجام گسیخته و نیرومند» است که جوکیان هم نفس سرکش خود را به اثر انجام دادن ریاضت ها، تحمل مشقات و تزکیه نفس تحت تسلط خود می آورند.

مردم هندوستان تا هنوز به کار و روش بر همنان و جوکیان اهمیت زیادی قائل اند و قدرت استعماری بریتانیا با اینکه در عرصه های مختلف زنده گی مردم هند تغییرات قابل ملاحظه بی را رونما ساخت ولی در عرصه مذهبی و روحانیت جامعه هند کاری را از پیش برده نتوانست، چه در جامعه هند وقت استعمار انگلیس یک بر همن و جوکی، زاحد و پارسا، شکم گرسنه و پا بر هنه آنقدر مورد احترام و قبول مردم بود که یک دانشمند اصلاح طلب نبود که گویا به زعم خود می خواست خرافات دینی را از جامعه هند نیست و نابود کند.

در دین بر همایی از اهمیت قربانی کاسته می شود و بجای آن به دانش و معرفت، راه رستگاری و نجات از شر تناسخ اهمیت داده می شود.

«بر همانا ها» و «اوپانیشاد ها»² دو کتاب مقدس دین بر همایی است، بر همانا ها که طی سالهای 800 تا 600 ق.م از جانب مولفین نا معلوم به رشتہ تحریر در آمده، شامل بخشهای مربوط به ارباب انواع، قربانی و سایر تفسیر های دینی است و از بر حفظ گردیده و سینه به سینه انتقال شده است و کتاب اوپانیشاد ها مسائل فلسفی

1- هـ. اـ. لـ. فـیـشـرـ. تـارـیـخـ اـرـوـیـاـ فـیـ العـصـرـ الحـدـیـثـ. تـعـرـیـبـ اـحمدـ نـجـیـبـ هـاشـمـ وـ وـدـیـعـ الضـبـعـ. (مـصـرـ: 1985ـ) صـ: 347ـ.

2- جـهـتـ مـطـالـعـاتـ مـزـيدـ مـرـاجـعـهـ شـوـدـ بـهـ کـتـابـ اـدـیـانـ وـ مـکـتـبـ هـاـ فـلـسـفـیـ هـنـدـ. جـلـدـ اـوـلـ. تـالـیـفـ دـارـیـوشـ شـایـگـانـ (ـتـهـرـانـ، ـ1346ـ هـشـ) صـ: 88ـ115ـ.

را در بر داشته و راجع به روح نوشته است که: روح انسان با روح ازلی یکی است و در اثر علاقه به جسم مادی روح ازلی را فراموش کرده و باید دوباره به آن عودت کند^۱، واگر تاریخ نوشتن این کتاب را درنظر گیریم (600 الی 300 ق.م) به ملاحظه میرسد که این اصل فلسفی آن کتاب وجوده مشارکت زیادی با نظریه « مثل » افلاطون دارد که تقریباً در همان عصر در یونان زنده گی نموده است.

4. دین هندویی معاصر:

دین هندویی معاصر مجموعه‌یی از معتقدات دین توتمی، طبیعت پرستی، روح پرستی و معتقدات دین ودایی، دین برهمایی و تزییدات دیگریست که توسط بر همنان از قرن ششم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی به آن ملحق شده است. هر موجود زنده برای حفظ بقای خود از وسایل مختلف کار گرفته و خود را با مقتضیات محیط پیرامون تطابق میدهد، از نظر جامعه شناسان دین هم بحیث یک ارگان زنده و فعال از این خصوصیت برخوردار است، زمانیکه در قرن ششم قبل از میلاد دو دین تازه بمیان آمد (دین بودایی و دین جینی) کار بر همنان را در هندوستان آنوقت بکندي مواجه ساخت و منافع بر همنان را از بین برده و به اصل قربانی اهمیت قایل نشده و حتی آنرا امر حرام دانست، بر همنان با خاطر بقاء و اعاده قدرت وسلطه معنوی قبلی خویش مجبور شدند تا در اصول و فروع دین برهمایی تغییراتی را بوجود آورده بر بنیاد آن، دین هندویی معاصر را اساس گذارند.

در دین هندویی معاصر جنبه اخلاقی نسبت به سایر جنبه‌ها جای خوبی گرفته است که این موضوع در اصل تناسخ آن، ثواب و عقاب بخوبی به مشاهده میرسد.

این دین از شدت بدینی دین برهمایی در مورد وجود شر و رنجهای تناسخ

1. عبدالکریم شهر ستانی المل والفحل. ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی (تهران: چاپخانه تهران، 1335 هش) ص: 459.

کاهش قابل ملاحظه یی بعمل آورده است.

دین هندو که از قرن اول میلادی تا امروز در هندوستان 85 فیصد پیروان دارد از تناقضات طبقاتی و تفاوت‌های آشتی ناپذیر آن که بدست برهمنان بر جامعه هند طاری گردیده بود کاست و آنرا شکل مطبوع‌تری بخشید که قابل قبول همه باشد.

از نظر پیروان این دین گرچه در دین هندو به ارباب انواع متعددی عقیده وجود دارد ولی در ورای آن توحید و یکتاپرستی نیز متظاهر است به این معنی که آنها معتقد به یک منشا و علة العلل اند اما چون این منشا و علة العلل قابل فهم برای عame نیست بنابر آن در وجود سه مظهره دیگر تبارز کرده است^۱. و این اعتقاد آنها شباهت زیادی به تثلیث مسیحیان (اب، ابن و روح القدس) و یا سه اصل سقراط فیلسوف معروف یونان قدیم (خیر، نیکو و زیبا) دارد^۲.

این سه مظهره دین هندو عبارت اند از

1- بر هما خالق جهان.

2- وشنو نگهبان جهان.

3- شیوا فنا کننده جهان^۳.

در نظر این دین جهان ازلی و ابدی است: بود، هست و خواهد بود و روح موجودی است جاودانی که بعد از تناسخهای پی در پی به روح عالمی می‌پیوندد

دین هندویی معاصر بر علاوه اینکه به کتب سابقه وداها، بر هماناها و اوپانیشادها عقیده دارد به کتب دیگری نیز معتقد است، مانند «مهابهاراتا، پورانا و مانو» که شامل قصه‌های حماسی و اخلاقی است و در فاصله قرون دوم و سوم پیش از میلاد

¹- علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 123.

²- صلاح الدین سلجوقی. تجلى خدا در افق و انفس (کابل: 1384 هـ) ص: 25

³- غوستاف لو بون. همان اثر. ص: 244-245.

تحریر یافته است، و پورانا مجموعه‌یی از داستانهای قدیمی است، و مانو شامل مبادی حقوقی و قانونی است و میتوان آنرا اساس قوانین مدنی و جزایی هندوستان دانست، این کتاب در فاصله قرن اول و دوم پیش از میلاد بدست بر همنان نوشته شده است و مطابق حکم این کتاب زن هندی یک موجود فاقد اراده و مطیع و فرمانبردار مرد (یا پدر، یا شوهر و یا پسر) میباشد، در این دین زنده گی و مرگ زن مربوط بوجود مرد است و مانند سایه اورا تعقیب میکند، زن موجود فاقد روح است و نمیتواند بدون مرد زنده گی کند، بنابر این عقیده احیاناً زن هندی پس از مرگ شوهر با جسد او خود را آتش زده میسوزاند و این کار را جزء افتخارات خود و نمونه صداقت، عفت، پاکدامنی و وفاداری نسبت به شوهر خود میدانست، واگر زن حمل میداشت بعد از وضع حمل خود را آتش میزد.

چنانچه قبل از نیز اشاره شد دین هندویی معاصر از ادیان اقوام ابتدایی مانند توتمیسم، طبیعت پرستی و روح پرستی بهره کافی دارد و از همین جهت است که در این دین به برخی از حیوانات، گیاهان، دریاها و اماکن اهمیت خاص دینی داده میشود.

5. ظهور ادیان بودایی و چینی در سرزمین هندوستان :

از آنجاییکه دین بودایی و دین چینی هردو دریک مقطعی از زمان (قرن ۶ ق.م) و شرایط مشابهی در بستر دین و دایی و برهمایی در سرزمین هندوستان که بنام سرزمین اسرار و سرزمین ادیان شهرت یافته بظهور رسیده اند و از جانب دیگر اساسگذاران این دو دین از طبقه جنگجویان و سپاهیان بوده و هردو به طبقه منسوبه خود اهمیت خاص (چنانچه دین و دایی و برهمایی به آن قابل بودند) قابل

1. محمد عبدالسلام. فلسفه مهابهارتا. (نیو دلهی: آزاد بوان، ۱۹۹۰) ص: ۵۵.

نبوده و علاوه از آن به طبقه بر همنان نیز پشت پا زده و مراسم مذهبی و دایی و بر همایی را بی اهمیت خوانده و به ارباب انواع متعدد آنها ارزشی قابل نشدن و بنابراین ملحوظات بوده که ما خواستیم این دو دین باهم مشابه را که اکثر آنها را دو روی یک سکه دانسته اند در یک عنوان تحت مطالعه قرار دهیم و اینک ابتدا در مورد دین بودایی بحث این عنوان خود را اغاز میکنیم:

6. اساسگذار دین بودایی:

« بودا » در قرن ششم پیش از میلاد در سال 557 ق.م در خانواده بی از طبقه جنگ آوران و سپاهیان مقندر هندوستان متولد گردیده است، نام اصلی بودا « گوتاما » یا « سدهارتا » است و بعدا به لقب بودا که به معنی « عارف و پارسای نورانی » است ملقب شده است¹. و برخی از مورخان سال تولد بودا را 544 ق.م دانسته اند.

گوتاما تا 29 سالگی با ناز و نعمت فراوان در خانه پدر خود که او را سخت دوست داشت بسر میبرد و از هیچ مشکل زنده گی اطلاعی ندارد ولی زمانی که گوتاما از سه مشکل و شر زنده گی که عبارت از « مریضی، پیری و مرگ » است اطلاع حاصل میکند و به بی مفهوم بودن زنده گی انسان پی میبرد در سن 29 سالگی در یک شب خانه و کاشانه خود را با زن ویگانه فرزندش رها مینماید و راه دشت و صحراء را در پیش میگیرد تا دوای این شر و درد جانکاه (زندگی) را بدبست آورد، او در این راه متحمل مشقات زیاد شده و هرگونه شهوات، خوردنی ها و نعمتهاي مادي را ترک گفته، نحیف ولا غرمیشود. با لآخره گوتاما به بیهودگی این روش افراطی در تحمل مشقات پی میبرد و پنج نفر دوست خود را که در این مقطع زمانی

2- عبدالمنعم النمر. همان ایش. ص: 51

یافته بود ترک نموده و به خانه خود باز میگردد^۱. او در این وقت که ۳۶ سال از عمرش گذشته بود حالت متعادلی را در پیش میگیرد یعنی نه در تحمل مشقات زیاده روی میکند و نه در بهره برداری از نعمتهای مادی، او به تفکر و تعمق خود ادامه میدهد تا اینکه در یک شب بنا بر ادعای پیروانش زیردرخت انجنیر واقع در بودا قایا حقیقت بر او الهام میشود و من بعد او در راه نجات مردم کمر همت می بندد و پنج نفر دوست آزرده خاطر خود را از این حقیقت مکشف شده خود با خبر میسازد و آنها اولین مومنان دین بودایی بشمار میروند. و بودا ۴۴ سال عمر باقی مانده خود را در بین مردم بحیث یک عارف و راهب جهانگرد بسر میبرد و ««راه معرفت نجات دهنده»» را به آنان تبلیغ میکند.

دین بودایی در حدود سیزده قرن در هندوستان باقی میماند و در قرن هفتم میلادی در هندوستان جای خود را به دین هندویی تخلیه نموده و در چین، برما، چاپان، سیلان، تبت و در دیگر کشور های منطقه به پیشروی خود ادامه میدهد^۲.

در دین بودایی به کدام خدای مخصوص عبادت نمی شود و خود بودا نیز کدام پیامبر و تجسمی از ارباب انواع نیست بلکه بودا از نظر پیروان این دین صرف یک رهنا است که میتواند راه ««معرفت»» را به مردم نشان دهد. در دین بودایی عوض عبادت و دعا ها به تمرین های مراقبت و جذبه و تفکر و تعمق اهمیت داده میشود و همچنان در این دین به تجربه و تحقیق آزاد افراد نسبت به سماعيات و سنن تعبدی ارج فراوانی گذاشته میشود. از نظر دین بودایی هیچ چیز ازلی و ابدی بوده نمیتواند، و در تعلیمات آن دین چیزی از خداوند و توحید و خلقت آفرید گار دیده نمیشود، دین بودایی عقیده دارد که تفکر کردن باید در مسایلی صورت گیرد که کشف حقیقت آن ممکن باشد و این تفکر باید به اساس تجربه مشخص استوار باشد بنابر این نباید در

1- هاشم رضی. تاریخ ادیان بزرگ (تهران : انتشارات آسیا، ۱۳۴۴ هش) ص: ۲۰۹-۲۱۰.

2- غوستاف لویون. همان اثر. ص: ۳۷۲-۳۷۳.

مسائلی نظیر جسم و روح، ازلی و ابدی بودن جهان، رستاخیز و زنده گی در جهان دیگر به تفکر و تعمق پرداخت. بودا جهت رهایی و نجات از بدختی به چهار حقیقت ذیل معتقد است:

۱ - پی بردن به این امر که این جهان جز درد، عذاب و رنج نیست، در

نظر بودا تناسخ ارواح یکی از شرهاییست که انسان با آن دست به گریبان میباشد. ولادت، مرض، پیری و مرگ عذابهایی است که با اصل تناسخ جهت آزار انسان دست به دست هم داده اند.

۲ - اساس و شالوده تمام عذابها آرزوها و خواهشات است. در این دین خواهش و آرزوی بقای وجود با هستی وجود ارتباط داده میشود، هستی پر از درد و رنج و توام با ترس از مرگ. این خواهش و آرزو اساس همه بدختی های انسان را تشکیل میدهد.

۳ - عذاب و درد را باید توسط معرفت و شناختن آرزوی بقاء و قطع هرگونه علایق با اینگونه آرزو از بین برد.

۴ - باید درد و رنج را با عقیده نیک، قول نیک، عمل نیک، اراده نیک، معیشت نیک، معرفت نیک، جد و جهد نیک و تفکر نیک از خود دور ساخت^۱.

یکی از معتقدات دین بودایی عقیده به «نیروانا» است، این عقیده از طریق دین بر همایی به ادیان بودایی و جینی راه یافته است با این تفاوت که دین بر همایی نیروانا را به پیوستن روح فرد با روح عالمی حمل میکند در حالیکه در ادیان بودایی و جینی این طور نیست خصوصا دین جینی نیروانا را عبارت از حالت سعادت بار

۱ - علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 151-158.

دایمی میخواند، و بعد از اینکه روح انسان از تناش‌های ممتد نجات یافت در آن وقت بدون آنکه به روح عالمی بپیوندد بطور سعادت بار تنها به سر میرد، دین بودایی در مورد ((نیروانا)) که کشف حقیقت ان برای انسان ناممکن است به بحث و تحقیق نمی‌پردازد و انرا بطور مبهم میگذارد صرف معتقد میشود که انسان بالاخره به نیروانا خواهد رسید و این پایان همه درد‌ها او خواهد بود و نه تنها انسان بلکه تمام عالم در نهایت خود به نیروانا عودت خواهد نمود

دین بودایی از پیرو خود هیچ‌گونه عبادت و نماز را نمی‌خواهد صرف او را دعوت میکند براینکه: در پی کسب معرفت باشد، شجاعت را در طول حیات خود از دست ندهد، حقیقت را دوست داشته باشد، صابر و ثابت قدم باشد، و جیبه خود را بشناسد، التفاتی به غم و سرور نداشته باشد، مهربان و عفو کننده باشد.¹.

و علاوه از آن دین بودایی پیرو خود را اینطور تربیت میدهد:

از سرقت، دروغ گفتن، زنا کردن، شراب خوردن و کشتن جاندار پرهیز کن! و در ایام روزه داری از استعمال عطر و وسایل آرایش، تنبلی، پرخوری، پول پرستی و هوا و هوس خود داری کن!².

بودا به اصل « تناش ارواح » عقیده مند است و در داستانیکه ازاو در قسمت نیکی با راهبان به یاد گارمانده چنین میخوانیم: « بودا در یکی از زنده گانیهای قبلی خود به شکل خرگوش زنده گی میکرد چون با گدا و راهبی رو برو شد و هیچ چیزی با خود نداشت به گدا گفت: من تحفه یی بس بزرگی به تو خواهم داد که تا حال کسی به تو نداده باشد، و بعد از این گفته از خود کبابی میسازد و تقدیم گدا میکند ». این قصه بودا ما را به داستان فیثاغورث فیلسوف شهری یونان باستان ملقت میسازد که او هم

2- هاشم رضی . همان اثر. ص : 287-283

3- عبدالمنعم النمر. همان اثر. ص: 55-53

به تناسخ ارواح عقیده داشته و خود میگفت که من تا حال شش بار زنده گی نموده ام و روزی از راهی میگشت که یک نفر سگی را موردلت و کوب قرارمیدهد، او برایش میگوید: این سگ را نزن که دوست بسیار صمیمی من در زنده گی قبلی ام بود و حال درنتیجه اعمال خود در صورت سگی به زنده گی گماشته شده است.

در نظر دین بودایی طبقات اجتماعی هیچگونه ارزشی ندارد، بهترین شخص کسی است که زنده گی رهبانی بودایی را پیشه کند و به معرفت حقیقت برسد ووظایف دین را به درستی و نیکی انجام دهد¹. دین بودایی در طی سیزده قرن (از قرن 6 ق.م تا قرن 7 میلادی) به انحطاط و فساد اجتماعی گرایید و دیگر نتوانست با شرایط مسلط جامعه آنوقت هند خود را مطابقت دهد، از جمله انحطاطات دین بودایی یکی این بود که ازدواج را یک امر بسیار پست تلقی نمود و با زنان مانند حیوانات برخورد صورت میگرفت، زنان موجودات فاسد و شر انداز معرفی شده که برای فاسد ساختن مرد در فطرت آنها غزیزه خاصی جابجا شده است، واژه‌های جهت است که جواز ندارد مرد در یک خانه باخواهر، مادر و دختر خود تنها بماند.

در این وقت معابد بودایی به مراکز تجمع فساد گران و گناهکاران مبدل گردید، واژ طرف دیگر برهمان که از دین بودایی خود را متضرر میدانستند بر علیه آن سرسرخانه مبارزه نمودند و در این موقع نفوذ دین مقدس اسلام در سرزمین هندوستان نیز خالی از تاثیر نیست. این همه عوامل باعث شد که دین بودا در قرن هفتم میلادی جای خود را در هند خالی کرده و به کشورهای مجاور یکه قبلًا از آنها یاد آوری بعمل آمد منتقل گردد، و در این اوخر این دین در کشورهای تایلند، تبت، کامبوج، لائوس و برما دین رسمی گفته میشود و در چین بیشتر از نصف

4- هاشم رضی . همان اثر. ص: 276-277

نفوس را پیرو خود ساخته است^۱.

اما دین جینی که همتای خوب دین بودا گفته میشود در زمان ظهر دین بودا (کمی قبل یا کمی بعد از آن) در هندوستان بمبان آمد. «جینا» به معنی «فاتح مذهبی» لقب «مهاویرا» یعنی (پهلوان بزرگ) که موسس این دین میباشد. مهاویرا نیز مانند بودا در مکتب برهمایی تربیت یافت، راجع به سال تولد او معلومات دقیقی وجود ندارد اما سال 477 ق.م سال وفات او گفته شده است، او هم مانند بودا از طبقه جنگجویان و سپاهیان بوده و تبلیغ دینی خود را نیز از طبقه خود آغاز نموده است. او در زنده گی خود دارای برنامه خاصی بوده: لباس نمیپوشید و از ثروت، جاه و منزلت گریزان بود و برای تزکیه نفس خود متحمل مشقات شده، زهد و پارسایی میکرد.

7. مقارنه ادیان بودایی و جینی:

چنانچه قبلًا گفته شد هر دو دین به طبقات اجتماعی چهارگانه هند که قبلًا از آن ذکری بعمل آمد اهمیت قایل نیستند، هردو دین تعلیمات، آداب و شعائر دینی برهمانی را بی اعتبار خوانده و اربط انواع آنها را بی ارزش تلقی نموده اند، موسسان هر دو دین نه خود را پیامبر، نه خدا و نه تجسمی از خدا میدانند بلکه هردو خود را رهبر و رهمنا برای مردم بحساب می آورند و هر دو دین به اصل «تناسخ اوراح» معتقد اند و در هر دو دین به «نیروانا» که بحثی از آن بعمل آمد نیز اعتقاد مشابهی وجود دارد².

اما تفاوت دین جینی با دین بودایی در این است که دین جینی از مومنان خود یکنوع پیروی افراطی می طلب و آنها را به پارسایی، زهد، تحمل مشقات و ریاضت

1- علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 165-166.

2- غوستاف لویون. همان اثر. ص: 621-624.

های طاقت فرسا و افراطی و ادار می‌سازد و برای روزه گرفتن ارزش خاصی قابل است و اولین مذهبی است که به بر هنگی پیروان خود امر می‌کند (البته جز کسانی که لاغر اند) و در نتیجه تضاد خاص بین بر هنگان و لباس پوشان در این دین بمیان می آید^۱.

دین جینی به کتاب « اگاماس » که داری ۴۶ بخش است و آداب رهبانیت و روش تصفیه نفس را بازگو می‌کند اعتقاد قوی داشته و پیروان خود را به عملی ساختن دستورات آن فرا میخواند.

دین جینی مانند دین بودایی به معرفت نیک، عقیده و کردار نیک اعتقاد دارد^۲ و به اساس این اعتقاد است که اصل قربانی، دعاء و شفاعت دین بر همایی را مورد تردید قرار میدهد.

کشن جاندار در آیین جینی جدا منوع است با اینکه این اصل در دین بودایی نیز دیده می‌شود ولی در دین جینی اهمیت خاصی پیدا کرده و آنرا به اصطلاح « اهیمسا » تعبیر می‌کند.

پیروان این دین در طول راه با احتیاط قدم می‌گذارند تا مبادا حشره بی زیر پای آنان نشود و آتش را کمتر در میدهند تا نشود حشرات خورد تری را بسوزاند. عمل به اصول این دین آنقدر مشکل به نظر میرسد که شاید از عهده آن تنها راهبان و گدایان آن دین بدرآیند و بس^۳، و از همین جهت است که این دین توسعه بیشتری نیافته و در نهایت امر با بر همنان کنار آمده و عقاید آنان را در برخی موارد پذیرفته است و حتی روی مجبوریت به مشروعیت طبقات اجتماعی نیز مجددا حکم کرده و بر همنان را به

1. داریوش شایگان. ادیان و مکتبهای فلسفی هند. جلد اول . تهران: چاپخانه تابان ۱۳۴۶ ه ش

2. جوزف کیئر . همان اثر. ص: 63.
3. علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 176-181.

حیث رهبران دینی خود قبول نموده است.

8. آنچه قبل از دین سکه‌ی باید دانست:

قبل از اینکه راجع به دین سکه‌ی چیزی گفته شود لازم است تا راجع به کبیر، اکبر شاه، راما کرشنا و ادیان مربوطه آنها در هندوستان چیزی بنویسیم:

کبیر کمی قبل از بابا نانک رهبر دین سکه‌ی زنده گی میکرد در حالیکه اکبر شاه و راما کرشنا بعد از بابا نانک زنده گی داشتند. این سه شخص نامبرده و جوه مشترک و اهداف تقریباً باهم نزدیکی داشتند که آن لااقل سازش بین ادیان هندو، اسلام، زرتشتی، جینی، مسیحی و در غایت استقلال و تامین وحدت سیاسی هندوستان است.

الف. کبیر:

کبیر از پدر مسلمان و مادر برهمنی در بنارس هندوستان چشم به جهان گشود، حرfe بافده گی داشت ولی از لحاظ دینی تلاش نمود تا دین مقدس اسلام و هندو را با هم سازش دهد، او میخواست در دین وی هیچ مسجد، معبد، رسم ختنه، بت و فرقه وجود نداشته باشد، در دین مقدس اسلام و دین هندو مطالعه نمود، او از توحید طرفداری کرده و میگوید: «پروردگار من! اگر الله هستی یا راما، من به نام تو زنده ام ... بت های خدایان همه از جان تهی اند...».

کبیر زمانیکه در سال 1518 فوت میکند مسلمانها و هندوها بخاطر دفن کردن یا سوختاندن او به نزاع می افتد تا اینکه در این کشمکش بنا بر ادعای پیروانش مردی چادر را از جسد می بردارد و جز توده یی از گل نمی یابند، قسمتی از آن گل را هندوها در بنارس میسوزانند و باقی آنرا مسلمانان در خاک دفن میکنند.

1 - فلیسین شاه. همان اثر. ص: 157-159.

ب. اکبر شاه:

اکبر، شاه علم دوست و هنر پرور هندوستان است که بین سالهای 1556-1606 میلادی زنده گی نمود و فارسی زبان رسمی در بار او میباشد، او با اینکه امپراتور زمان خود بود ولی بسیار علاقه داشت تا یک فیلسوف هم باشد و بتواند مشکلات وجودان خود را حل کند، فکر او از مشاهده ادیان و فرقه های متعدد دینی مشوش و پریشان بود، این فیلسوف کوشید تا توافق و سازش بین ادیان را بوجود آورد و در سازش با معتقدات هر دین مهارت زیادی داشت و چنان لباس میپوشید و در وجود خود چنان عالیمی آماده میکرد که هر کس از مسلمانان، هندیان، زرتشتیان، مسیحیان و جینیان او را از دین خود میدانستند. او از رهبران تمام ادیان در امپراتوری خود دعوت کرد تا کنفرانسی صورت دهدن و مشترکات دینی خود را در یابند. او در کار دین، خود را بیطرف دانسته و برای اثبات این بیطرفی زنان مسلمان، بر همنی و بودایی را به ازدواج خود در آورد، با این همه گفته میشود که او نسبت به دین مقدس اسلام بی اعتنا بود، اختلافات دینی در امپراتوری، اکبر شاه را متین میساخت که بعد از فوت او شاید این امپراتوری عظیم متلاشی شود پس تصمیم گرفت تا شورایی را از رهبران تمام ادیان دعوت کند و توحید دینی را تامین نماید چه در این کار صاحب هر دین چیز خوب دین خود را از دست نمیدهد و علاوه مزیت های ادیان دیگر را نیز بدست می آورد.

دین اکبر شاه وحدت وجودی است از ادیان هندویی، جینی، زرتشتی و تا جایی دین مقدس اسلام ولی بعدها معلوم شد که دین اکبرشاه جایی را نگرفت و به جز چند هزار پیرو بیشتر پیدا نکرد و صاحب هر دین دوباره به معتقدات میراثی و کهن‌سال خود برگشت ولی این تلاش‌های اکبرشاه در عرصه توحید ادیان نتایج ملموس و قابل ملاحظه بی را به ملت هندوستان بجا گذاشت که از جمله میتوان از آزادی ادیان،

تحمل ادیان یک دیگر، ضعیف شدن تعصبات دینی و نژادی و بالاخره تامین وحدت سیاسی هند نام برد.

جهانگیر پسر اکبرشاه به تحریک مسلمانان علیه پدر خود قیام کرده ولی از جانب پدرش مورد عفو قرار میگیرد و بعد از چندی به مرض اسهال و مسمومیت که به گمان غالب به توطئه جهانگیر پسرش عاید حالت شده باشد چشم از جهان میپوشد.

ج. رام کریشنا:

رام کریشنا در اوایل قرن 19 زنده گی میکرد، به دین اسلام مشرف شد، بعد دوباره به دین هندو بازگشت و در آخر عمر به الوهیت مسیح معتقد گردید، او مسکین بچه بنگالی بود که نه آموزش و پرورش دید و نه چیزی نوشت و نه بحث و استدلال کرد، او به پیروان خود یاد داد که همه ادیان خوب است و همه رود هایی است که سر انجام به یک اقیانوس میریزند، او به یک چیز بسیار تاکید داشت که خدا روحی است جابجا شده در همه آدمیان، اگر میخواهیم خدا را پرستش کنیم و او را راضی نگهداریم باید مخلوق او را راضی نگهداشته و به هم نوع خود خدمت کنیم، او میگفت: «بگذارید تا پنجاه سال دیگر خدایان همه از ضمیر ما محو شوند، تنها خدای بیدار همین است، همین نسل ما، نخستین پرستش، عبادت آن کسانی است که گرد ما هستند... ، اینها خدایان ماهستند، آدمیان و حیوانات نخستین خدایان ما، هموطنان ما هستند که باید اول آنها را عبادت کرد».

این اعتقادات راماکریشنا کارا و موثر واقع شد و مردم هندوستان را به سرنوشت خود علاقمند ساخت و تحت تعالیم راماکریشنا و بعد گاندی استقلال خود را گرفته و به اختلافات دینی و تناقضات طبقاتی که اجنبیان از آن سوء استفاده میکردند نقطه پایان

1 - فلیسین شاله. همان اثر. ص: 152-157 و 160 - 164

گذاشتند^۱.

نظریات دینی کبیر در ایجاد و تکوین دین سکھی موثر واقع شده و بابا نانک را برآن واداشت تا ترکیبی از نظریات دین هندویی و دین مقدس اسلام را در سکھیزم درست کند چنانچه دین سکھی خود زمینه یی آنرا مساعد ساخت تا ادیان اکبر شاه و رام کرشنا بالترتیب در قرن ۱۶ و ۱۹ آرزوهای اسلاف دینی خود چون کبیر و بابا نانک را انکشاف دهد.

۹. دین سکھی:

دین سکھی در اوایل قرن ۱۶ در پنجاب هندوستان توسط بابا نانک بوجود می آید و شاید بعد از ادیان زرتشتی و جاینی دارای کمترین پیرو باشد (در حدود ده ملیون نفر)، معبد بزرگ مذهبی دین سکھی « معبد طلایی » نام داشته که در شهر ارمتسار در میان آب بگونه جالب توجهی بنا یافته که در هندوستان بعد از تاج محل که در اگرا موقعیت دارد در مقام دوم نظر سیاحان را بخود جلب میکند.

در این دین کوشش بعمل آمده تا میان دو دین اسلام و هندویی سازش و توافقی بر قرار کند آنهم بین رویکرد توحیدی دین مقدس اسلام و رویکرد عرفانی وحدت وجودی دین هندویی^۲.

رہبر این دین بابا نانک در سال ۱۴۶۹ م در لاہور مرکز ایالت پنجاب هندوستان از پدر هندو که مستخدم یک زمین دار مسلمان است و مادر پرهیز گار هندو بدنیا می آید و در سن ۹ سالگی زبان فارسی را فرا گرفته و هم یک قسمتی از

۱- رابرث هیوم. ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی (ایران: چاپخانه فرهنگ اسلامی ۱۳۲۹ هـ) ص: ۶۰-۶۱.

۲- الندوة العالمية للشباب الاسلامي. الموسوعة الميسنة في الاديان والمذاهب المعاصرة الرياض : الندوة المذكورة، 1989 (ص: 429).

کتاب گران特 را ارائه میکند، او به تفکر و تأمل علاقه بیشتر داشته واز مصروفیت های روزگار بیزار بود و خانواده اش او را شخص بیکاره دانسته و حتی پول و سرمایه پدر را که بخاطر کار و تجارت به او تعلق میگرفت به نیازمندان و متقیان تقسیم میکرد و همواره میگفت:

خداؤندا ! من در خدمت و عبادت تو هستم!

بابا نانک زن و دو فرزند خود را رها کرده و به تفکر و تأمل در باغها و دشتها مصروف شد تا اینکه حتی قادر به خوردن و نوشیدن نبود بنا بر ادعای منابع سکھی او در جنگل ناپدید شده واز طرف خداوند به او خطاب میشود: « من با تو هستم، نام مرا تکرار کن! صدقات، خیرات، وضوء، عبادت، تأمل و ترک دنیا را پیشه کن! و دیگران را نیز به آن دعوت کن! نام من خدا و اولین برهم است و تو معلم الهی هستی! » او بعد از سه روز از جنگل بیرون شده و تمام هست و بود خود را بر فقیران تقسیم میکند و این کار وی را، مردم به جن زده گی اش حمل میکنند، او دیگر زاحد دینی بیش نبوده که بعد از تفکر زیاد با خود همواره میگفت: هندو و مسلمانی وجود ندارد. بنا بر ادعای پیروانش قاضی مسلمان نزد او می آید و وقتیکه حالت او را می بیند و سخنان او را می شنود به او ایمان میاورد، نانک به تبلیغ دین خود روی اعتقاد به خدای واحد یکجا با « مردانا » دوست موسیقی نواز خود آغاز میکند و چنان لباس میپوشد که مورد پسند مسلمان و هم هندو باشد و با اینکار میخواست نشان دهد که او در صدد تاسیس چنان دینی است که هم مسلمان و هم هندو را در آغوش خود بگیرد و وحدتی را بین آن دو ایجاد کند، نانک و مردانا با آواز خوانی های مشترک و خطابه های جذاب ترکیب دو دین با هم رقیب هندوستان (دین مقدس اسلام و دین هندویی) را نمایش میدادند، آنها تمام اماکن مقدسه هندوها را دیدن نموده و بعد از 12 سال سیر و سفر به زادگاه خود لاہور بر میگردند، بنا

بر ادعای پیروانش او مراسم حج بیت الله را اداء نموده و در نزدیک حجرالاسود مردم مجاز خطا به او میشوند و بنابر ادعای دیگر منابع سکھی او در مدینه منوره بر علمای اسلامی ضمن بحث های علمی غلبه حاصل کرده و در شهر بغداد آذان محمدی صلی الله علیه وسلم سر میدهد. زمانیکه او را به زندان انداختند موظف مسلمان زندان را چنان تحت تاثیر خطا به های سحر آمیز خود قرار داد که در نتیجه توسط او از بند رهایی یافت، دزدانیکه نانک در گیر آنها افتیده بود در اثر بیان دلکش او همه از کار دزدی توبه کشیده و به کشت، زراعت و عبادت خداوند مصروف میشوند، وهم زنان کاهنه و ساحره را با بیان خود از این کار منصرف ساخته و پیرو دین خود نموده است. پیروانش میگویند: « نانک تعدادی از چهره های برجسته مسلمانان و هندوها را پیرو دین خود ساخته است. گورو نانک در اخیر عمرش جانشین خود را بنام « انگاد » تعیین نمود و در اثر مرگ شگفت انگیز در جمعی از مسلمانان و هندوها نا پدید گشت ».

در جایی از کتاب گران特 آمده است:

« من به چهار کتاب و دا مراجعه کردم اما این نوشته ها حدود خدا را نشان نمیدهد، من چهار کتاب مسلمانان را هم دیده ام اما ارزش خدا در آنها شرح نشده است »¹.

فهمیده نمیشود که هدف نانک از چهار کتاب مسلمانان چه است که در آنها ارزش خدا را مشرح ندیده است، چهار دلیل شریعت اسلامی یا چار مذهب اهل تسنن و یا کدام چیزی دیگری؟ و در هر صورت قرآن کریم یکی از آنها میباشد که به هیچ وجه ادعای نانک قابل پذیرش نیست چه قرآن کریم بگانه کتابی است که ارزش، ذات و صفات الله جل جلاله در آن به وضاحت تمام ذکر شده است.

¹- رابرт هیوم . همان اثر . ص : 137

پیروان بابا نانک برخی امور معجزه آسارا نیز به او نسبت میدهند که گویا او فیل مرده را زنده ساخته و هم به انسان مرده زنده گی دوباره داده، درخت خشک شده انجیر را دوباره پر ثمر ساخته و زمانیکه شخص مصاب به مرض جذام را شفا داده او بلا فاصله به دین نانک ایمان اورده است. برخی پیروان نانک در توصیف شخصیت او بیشتر از حد مبالغه کرده تا اینکه او را خدا و برهما متعالی خوانده اند ولی پیروان معتدل این دین از این حرفهای مبالغه آمیز خود داری مینمایند.

گرانت Granth به زبان سانسکریت به معنی «کتاب بزرگ» است که از اشعار چندین شاعر تالیف یافته و مشکلترين کتاب مذهبی جهان است که ۹۰ در صد خود سکها از محتواي آن اطلاع کافي ندارند ولی چنان آنرا تعظیم مینمایند که خود به نوعی از بت پرستی نزدیک میشود.

گرانت اصلی بنام «ادی گرانت» در سال ۱۶۰۴ توسط گوروی پنجم جمع آوری شده و هم بعد از یک قرن گرانت دیگری توسط گوروی دهم بنام «داسام گرانت» جمع آوری میشود که به سان ادی گرانت مورد احترام سکها است.

بر هر پیرو این دین واجب است مانند بابا نانک هر روز این سخنان را به زبان آورد:

«خدای ما واحد، حق، خالق، ازلی، ابدی، بزرگ، قائم به نفس وزاییده نشده است». عبادت اصلی در این دین ذکر حقیقی نام خدا و تأمل درباره آن میاشد و نظر به ادعای سکھی ها هیچ گونه بتی در آن دین مورد پرستش نیست و قربانی کردن ارزش دینی ندارد، وجود یک گورو در هر مقطع زمانی امر حتمی بوده و هم اجتماع خالص پیروان از اصول دینی شمرده میشود.

در دین سکھی ده گوروی مشهور وجود دارند که اول آنها نانک و دهم آنها

«گورو گویند سینگ» میباشد.

گورو گویند سینگ برخی اصلاحات را در دین سکه‌ی بوجود آورد از جمله با خاطر شجاع ساختن سکها پیاوند « سینگ » را که به معنی شیر است به نامهای پیروان این دین علاوه ساخت و هم تعلیقاتی را بر ادی گرانست علاوه نمود که هدف گوروی دهم از این تعلیقات دلاور ساختن سکها بود که قبل از آن با خواندن ادی گرانست این مطلوب برآورده شده نمی‌توانست اما حالا سکها خود را شیران پنجاب خطاب مینمایند.

در دین سکه‌ی اصلاً پنج فرقه وجود داشته اما اگر اختلافات جزئی در نظر گرفته شود (از قبیل اختلاف در رنگ لباس وغیره) شاید به تعداد 20 فرقه در این دین وجود داشته باشند¹.

1- رابرт هیوم . همان اثر. ص : 151 - 153

فصل چهارم

ادیان چین و ژاپان

۱. ادیان چین:

اگر در ادیان کشور باستانی چین دقت بیشتری بعمل آید چنین استتباط میگردد که ادیان چین نیز مانند ادیان ودایی، برهمایی و هندویی معاصر یکی پس از دیگری پا به عرصه وجود گذاشته و حلقات زنجیر واحدی را تشکیل داده اند:

ما در کشور چین به معتقدات سه دین بزرگ:

1. دین چین باستان

2. دین لائوتse

3. دین کنفوسیوس

برمیخوریم که هر کدام آن بالترتیب در پیدایش دین بعدی موثر بوده شکل تکامل یافته آن در دین کنفوسیوس به ملاحظه میرسد.

قبل از قرن ششم پیش از میلاد که هنوز آثاری از ادیان لائوتse و کنفوسیون بچشم نمیخورد مردم چین برخی از معتقدات خاص دینی داشته که میتوان مجموعه آنرا بنام «دین چین باستان» مسمی ساخت.

محور اساسی معتقدات چینیان ابتدایی را «عقیده به ارواح» تشکیل میدهد، چینیان ابتدایی بسان سایر اقوام ابتدایی همه پدیده‌ها و مظاهر طبیعی را بحیث موجودات زنده فکر مینمودند، از نظر آنها رودها، دشتها، کوهها، آسمان، زمین،

درختان، گلها وغیره دارای ارواح اند و با اعمال سحر آمیز متفاوت میشود خود را از شر آنها نجات دهیم و یا از فیض آنها بهره گیریم.

علاوه از آن درنظر چینیان جهان سراسر مملو از نفوس، خداها، دیوها، ارواح و قوای غیرمرئی دیگری میباشد، این همه قوای مرموز بر جهان حکومت میکنند، میتوانند مشکلی را ایجاد کرده وهم میتوانند برخی پر اblemها را حل نمایند خصوصا نفوس و ارواح مردگان در زنده گی انسانها نقش مهمی دارند، این نفوس و ارواح بعد از مرگ به رفت وآمد ادامه میدهند واگر در وقت حیات با او ظلم صورت گرفته باشد یا توسط کسی بقتل رسیده باشد بعد از مرگ دست به انتقام گیری میزنند واگر از ظالم و قاتل توسط بازمانده گان او قصاص گرفته شود آن روح سرگردان دیگر دست به مزاحمت نمیزند^۱.

چینیان قدیم بنام ارواح نیاکان و مردگان خود مراسم خاصی را بعمل آورده و قربانی می کنند، چه از نظر آنه به این کار ارواح آنان شاد شده و در برنامه های عادی زنده گان نه تنها مزاحمت نمیکنند بلکه وسایل و اسباب پیشبرد امور مختلف زنده گی رانیز برای بازمانده گان فراهم میسازند، این عقیده تا هنوز هم در قطار سایر معتقدات دینی چینیان دیده میشود که بطور مثال میتوان در دادن چوبهای خشک کندر در عبادتگاه ها، خواندن دعاها، آوراد و اذکار مخصوص و ماندن گلهای چای بر سر قبر های نیاکان و مردگان را نام برد

اما در پرستش و عبادت ارواح نیاکان در معتقدات چینیان قدیم تفاوت و امیتاز خاصی دیده میشود که ارتباط مستقیم با نحوه تاثیر در تقویه بنیه مالی و اقتصاد خانواده و شهر در آن بمشاهده میرسد بطور مثال چینیان قدیم ابتدا ارواح و نفوس بی ها و مادران خود را مورد تقدیس و پرستش قرار میدادند ولی بعد ها دیده میشود که ارواح

1 - علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 185

بی بی ها و مادران دیگر جایی برای تقدیس و تکریم ندارند و در عوض از ارواح و نفوس پدرها و پدرکلانها تجلیل بعمل می آید و مورد تکریم و عبادت قرار میگیرند و علت آن هم در این است که در مرحله اول زنها در اقتصاد خانواده و شهرآهامت اساسی دارند، زن ها با پیشه نساجی و بافندگی ایکه دارند و سایل معيشت مردان را مهیا میسازند و مرد بحیث یک عنصر مفت خوار و عاطل پهلوی زن بسی میبرد. اما در مرحله دوم رشته اقتصاد خانواده را مرد بدست میگیرد، مرد به استحصال آهن پی برده و دست به فن آهنگری میزند و ازین طریق در رشد و تقویه بنیه مالی خانواده و شهر موثر می افتد و کار زن را تحت شعاع کار خود قرار میدهد و بالوسیله تقدیس، تکریم و پرستش بعد از مرگ رانیز نصیب خود میگردد.¹

این دویی و ثنویت که در مورد تکریم ارواح مادران و پدران دیده میشود در موارد دیگری از معتقدات چینیان نیز به اشباح آن بر میخوریم مثلاً عقیده چینیان قدیمی به رب النوع مذکر (شانگتی) و رب النوع مونث (هاتن) که امور مربوط به ثواب و عقاب انسان را در همین دنیا مورد محاسبه قرار میدهند عقیده بر «تاو» یعنی (انتظام عالمی) نیز با نوعی از ثنویت در معتقدات چینیان قدیم همراه میباشد مثلاً آنها میگویند: دو فکتور کلی در تمام اجسام ذیروح و غیر ذیروح وجود دارند که اساس اصل «تاو» را تشکیل میدهند، یکی از این فکتورها مثبت است بنام «يانگ» و دیگری آن منفی است بنام «يین».

زمانیکه پرستش ارواح مادری جای خود را به پرستش ارواح پدری میدهد همزمان با آن از اهمیت پرستش زمین که «مونث» شمرده شده نیز کاسته میشود و بجائی آن به پرستش آسمان که «مذکر» است اهمیت فوق العاده داده میشود و حکم‌رمای کشور بحیث پسر آسمان از چگونگی عبادات و نیایش‌های مربوط به آسمان

1- فلیسین شاه. همان اثر. ص: 170.

مراقبت میکند.

بر بنیاد این معتقدات چینیان قدیم است که دین تشكل یافته لائوتسه قدم بمیدان وجود میگذارد که ما نبلاً راجع به آن بحث مختصری را ارائه میداریم:

2. دین لائوتسه:

به سبیل مقدمه باید گفت: گرچه دین لائوتسه چین را اکثر مورخان دین شناس بنام «دین تالو» یاد کرده اند چه «تاو» یا انتظام عالمی بحیث اصل اصیل این دین بشمار میروند ولی ما در این کتاب عوض آن عنوان «دین لائوتسه» را بکار برده ایم بدلیل اینکه اصل «تاو» نه تنها در این دین دیده میشود بلکه اصلی است قدیمی که در دین چینیان قدیم هم دیده شده و دین کنفوسیوس نیز به آن معتقد میباشد بنابر آن وجه ممیزه برای دین لائوتسه بشمار رفته نمیتواند و بهتر خواهد بود که این دین را هم مانند دین کنفوسیوس چینی بنام موسس و بیناد گذار آن (لائوتسه) نامگذاری نماییم.

«لائوتسه» در قرن ششم پیش از میلاد زنده گی کرده و با کنفوسیوس نیز روابطی داشته و تبادل نظر نموده است، چنانچه قبل از کنفوسیوس نیز اشاره شد «تاو» یکی از اصول اساسی دین لائوتسه را تشکل میدهد، این اصل که از دو فکتور مثبت و منفی مشکل است در اصل بمعنی «راه، طریق و رسم» است و در این دین به مفهوم انتظام عالمی بکار برده میشود، بنابراین اصل برای حفظ انتظام خانواده، کشور و جهان باید اعمال و کردارهای خود را هماهنگ با تالو (انتظام عالمی) بسازیم و هیچ عملی را انجام ندهیم که کار و نظم عادی جهان طبیعی را برهمند یعنی کار نیک و شریفانه آنست که به مقتضای طبیعت و انتظام عالمی انجام باید و اخلالی را در کار و انتظام آن وارد نسازد والبته این هماهنگی کار انسان با «انتظام عالم» در

دین لائوتسه از طریق نوعی جذب و انجذاب و مکاشفه فردی بعمل می آید.

در این دین شکل خاصی از وحدت وجود که بر پایه فلسفه عرفانی بنا یافته دیده میشود، برخی از پیروان این دین گاهی خود را در عین حالیکه انسان اند طوطی، پروانه یا حیوانات دیگر میدانند با اقامه این دلیل که گویا ما و آن پرنده گان و حیوانات قبلًا وجود واحدی را ساخته بودیم بنابر آن به حالت درونی آنها میتوانیم پی ببریم و از خوشی و سرور آنها مطلع شویم، پیرو این دین باید از دنیا و زنده گی روگردان باشد و در خود فرو رود و به مکاشفه قلبی بپردازد و در مقابل حوادث روزگار، خوشی ها و غمهای آن، مانند کودک خرد سال و گوساله نوزاد بی اعتنا و بی تفاوت باشد. از نظر این دین فرد متقدی کسی است که هم نوع خود را نکشد، دزدی و فریب کاری نکند، از پدر و مادر خود پیروی و اطاعت کند، اگر زن است با شوهر خود مدارا کند، و اگر طبیب است با دلسوزی مریضان خود را تداوی نماید، و هم فرد متقدی کسی است که مرده سگها و پشک هارا زیر خاک میکند، و در راس همه برای فرد متقدی لازم است اقتصاد، میانه روی و ساده گی را در زنده گی پیشه خود گرداند.

در این دین به برخی موجودات جنبه آسمانی داده میشود، راستی و حفظ امانت، تجلیل از ارواح بزرگان مذهبی و اجداد، مهر فرزندی، انسان دوستی، سحر و کهانت و شعائر مربوط به آن اهمیت زیادی بخود میگیرند و علاوه از آن پیروان این دین به پیروی از اصل «نیکی کردن با همه و حتی با آناییکه در حق ما بدی روا داشته اند» دعوت میشوند و این دساتیر، اصول اخلاقی دین لائوتسه را تشکیل میدهد. لائوتسه برخلاف کنفوسیوس عقیده دارد که این همه اندیشه های دینی او باید با نوعی کناره گیری از امور سیاسی و حکومتی جامه عمل بپوشد و در مسائل مربوط به دولت و حکومت تشبی ننماید، اما کنفوسیوس از پیروی پدرخانواده، برادر بزرگ، آمران و

1- علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 194-195.

شاه نام برده است^۱.

لائوتسه کتابی را تألیف نموده که حاوی 81 قطعه شعر است و بنام «تاو ته کینگ» یاد میشود، این کتاب جنبه عرفانی دین لائوتسه و نحوه هماهنگی با تاو (انتظام عالمی) را بیان داشته، کوچکترین ولی مشکل ترین کتاب دینی جهان بشمار میرود.

3. دین کنفوسیوس:

عهد ظهر کنفوسیوس عهد پریشانیها و بی ثباتی های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی کشور چین است، بموضع است که در چنین وضع نا مساعد مصلحینی مانند کنفوسیوس که لقب سocrates چین رانیز بخود کماهی کرده به ظهر رساند و رفع نا بسامانی کنند.

کنفوسیوس 72 سال زنده گی خود را در شهر های مختلف چین مانند «شانتونق» زادگاهش و شهر «لو» وغیره بسر برداشت و در این مدت به تعلیم و تربیه جوانان پرداخته و سپس حاکم یکی از شهر های چین شده و بعد از آن مورد غضب بزرگان سیاست قرار گرفت و به ترک زاده گاه و مسقط الراس دوست داشتنی اش (شانتونق) مجبور شد و با برخی از شاگردان خود به گشت و گذار در شهر های مختلف چین پرداخت تا حاکمی را دریابد که مطابق نظریات دینی و سیاسی او حکمرانی نماید. سال تولد کنفوسیوس را 479 پیش از میلاد دانسته اند².

دین کنفوسیوس یک برنامه ریزی اخلاقی و شریفانه برای زنده گی دنیوی است، دین او با آخرت چندان سروکاری ندارد و راجع به مرگ و زنده گی بعد از آن صحبت ننموده و چنین استدلال میکند که ما تا هنوز از زنده گی خود در این دنیا

1 - هاشم رضی. همان اثر. ص: 280.

2 - علی اکبر ترابی. همان اثر. ص: 202.

آگاهی کامل نداریم پس چه رسد از مرگ و زنده گی بعد از آن آگاهی حاصل نماییم، در همچو مسایل و قضایا نباید وقت گرانمایه خود را ضایع ساخت. او بخاطر اینکه شاگردان و اطرافیان خود را آزرده نساخته باشد نسبت به عقاید چینیان قدیم و دین لائوتسه در مورد ارواح، نفوس، غولان، خدایان و سایر قوای غیرمرئی و مرموزی که در شش جهت ما قرار دارند و هم در مورد سحر و کهانت، مراسم تقدیس و تکریم ارواح وغیره از اظهار نظر مشخص خود داری مینماید و مهر سکوت بر لب میزند و اگر احیاناً چیزی بگوید جز تائید آن عقاید چیز دیگری به زبان نمی آورد کنفوسیوس به وجود آخرت و ماورای طبیعت قایل نمیشود بلکه او پیروان خود را به دانستن این امر که « چه چیز را میدانند و چه چیز را نمیدانند »^۱ دعوت میکند.

او برای پیرو خود برنامه هایی را درست میکند که در آن بتواند درست فکر کند و درست استدلال اقامه نماید و درنتیجه زنده گی اش بخوشی و شرافت سپری شود. او مانند سقراط سعادت فرد رادر ضمن سعادت اجتماع میداند^۲. و با اینکه به فرد و زندگی او اهمیت زیادی قائل است ولی او را به انجام وظیفه در برابر اجتماع دعوت میکند و به او دستور میدهد که تبعه خوب کشور چین باشد

او زنده گی درست و شریفانه ایکه در آن همه وجایب و حقوق عملی و اداء شده باشد بهترین عبادت شخص میداند و به خواندن اوراد و اذکار، به نقش ارواح مرده گان در خوشبختی و بدبختی زنده گان، سحر و کهانت اهمیت قایل نیست و حتی گفته میشود که او کاملاً به موجودیت روح اعتقاد نداشته اما اینکه هم صحبتان خود را که عقیده بوجود روح در اعماق مغزشان نقش بسته بود نمیخواست از خود آزرده بسازد بنابر آن از اظهار نظر درمورد روح خود داری میکرگد.

^۱- محمد علی فروغی. سیر حکمت در ارویا. جلد اول . تهران: 1320 هـ. ش. ص: 15.

^۲- منتسکیو. روح القوانین. نگارش و ترجمه علی اکبر مهندی (تهران: 1334 هـ. ش) ص: 453.

دین کنفوسیوس از پیرو خود می طلب که وظیفه، شعائر و رسوم اخلاقی را محترم بشمارد و آنچه که در حق خود نمی پسند در حق دیگران نیز نپسند، کسی را حقیر نشمارد، به بزرگان تملق نکند، قوانین کشور را محترم شمارد و بی عدالتی پیشه نکند.

دین کنفوسیوس به «تاو» یا اصل «انتظام عالمی» عقیده دارد ولی نه به شکل وحدت وجود عرفانی و مکاشفه فردی دین لائوتسه بلکه او اصلاحاتی را در عقاید دین لائوتسه بوجود آورده است. فرد برای اینکه خواسته ها و ایجابات «انتظام عالمی» را جواب مثبت گفته باشد باید مطابق تعالیم اخلاقی دین کنفوسیوس عمل کند و مانعی را در جریان «تاو» و نظم عادی طبیعی ایجاد ننماید.

کنفوسیوس کتب قدیمی را که بر اساس افکار و نظریات گذشتگان تحریر یافته بود اصلاح نموده و تزییداتی را در آن بعمل آورد، این کتب عبارت اند از

1 - کتاب «شی کینگ» منتخباتی از اشعار گذشتگان درمورد مراسم

عبادت ارباب انواع، میله ها و عیدها

2 - کتاب «بی کینگ» راجع به علوم و فنون بشری.

3 - کتاب «لی کینگ» درمورد اخلاقیات و سنن مذهبی و اخلاقی پیشینیان

4 - کتاب «چون چیو» درمورد رشد و انکشاف انسان و اشیاء

5 - کتاب «شوکینگ» درمورد تاریخ سیاسی چین.

اصول و اساسات اخلاقی دین کنفوسیوس رفته رنگهای مذهبی خاصی بخود گرفته و توده های ملیونی کشور چین را بخود جلب کرده و تحت نام «دین تحصیل کرده ها» از آن پیروی و دفاع نموده اند

چنانچه قبل از مذکور شدیم دین کنفوسیوس عقاید مربوط به ارواح و نفوس نیاکان و بزرگ مردان را نه تنها رد ننمود بلکه در برابر آن سکوت اختیار کرده و آنرا محترم شمرد، و این عقاید در دین چینیان قدیم جوانه زد و از طریق دین لائوتسه و دین کنفوسیوس به جامعه معاصر چین راه خود را باز نمود. چینیان در قرون اخیر نیز به ارواح و نفوس گذشتگان و تسلط آنها بر امور زنده گی زنده گان عقیده راسخ داشته اند و علاوه از آن آنها به پرستش طبیعت یا آسمان نیز اهمیت زیادی قایل بود¹ و با شروع قرن بیستم بود که دیگر اثری از عبادت و تکریم از طبیعت و آسمان باقی نماند و از ارواح و نفوس گذشتگان به گونه تفسیرهای قدیمی تجلیل و تکریم بعمل نیامد.

یکی از خصوصیات دینی کشور چین اینست که از ابتدای ظهور اولین اندیشه های دینی و اندیشه های فلسفی هیچگونه تعصب و بدینی «دین» در برابر «فلسفه و علوم» دیده نمیشود و محققان سازش دین با فلسفه و علوم را که در ادوار مختلفه تاریخی در آن کشور به مشاهده رسیده است نتیجه و محصول نبودن طبقه خاصی که از اندیشه های دینی با تعصب دفاع نماید میدانند، چون طبقه خاص دینی وجود نداشته پس عکس العمل در مقابل دین و طبقه مربوطه آن نیز به ملاحظه رسیده و دین با فلسفه و علوم شانه به شانه حرکت کرده است. اداره امور دینی به تدریج از بزرگ و پدرخانواده شروع شده و به شاه که فرزند آسمان شناخته میشد به پایان میرسید².

4. چگونگی دین در چین:

مردم ابتدایی کشور چین دنیاگیریکه در آن زندگی میکنند بسیار خورد و کوچک

1- علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 217-218.

2- هاشم رضی . همان اثر. ص: 277-278.

فکر میکردند و حتی آنرا تنها به هشت جزیره ایکه جاپان از آن ترکیب یافته منحصر میدانستند و بر اساس داستانهای قدیمی آنها، در روزی از روزگاران تیری به آسمان که به زمین خیلی نزدیک است اصابت نموده و در آن شگافی بوجود آمده است و از آن شگاف همه جانداران، درختان و گیاهان پایین ریخته و زمین را هم مانند آسمان پرساخته است. آنها بین زنده گی در جاپان و زندگی در آسمان تفاوت کمی قابل بودن به این معنی که زندگی در آسمان را کمی زیباتر میدانستند، و زندگی در جهان زیر زمین نیز شباhtی با زندگی در جاپان دارد ولی کمی ساده تر از جاپان، جاپانیان ابتدایی نیز مانند سایر اقوام ابتدایی جهان، مظاهر بزرگ جهان طبیعی، مانند کوه ها، دریاها، باران، صاعقه وغیره را دارای روح میدانستند و بنام آنها اذکار و اوراد مخصوص خوانده و رضای آنرا بخود جلب مینمودند

دین شینتو که از روزگاران قدیمی در جاپان منزل دارد علاوه از پرستش نیاکان، نفوس و مظاهر طبیعی، « میکادو » یعنی پادشاه خود را نیز پرستش میکرد. و مردم آنرا همپایه آفتاب و مهتاب میدانستند. در جاپان باستان ارباب انواع زیادی وجود داشت که در نهایت امر به دو رب النوع « ایزانانگی و ایزانامی » محدود شده اند. این دو رب النوع از خود سه فرزند بجا گذاشتند:

1. رب النوع آفتاب.

2. رب النوع ماه.

3. رب النوع طوفان.

از رب النوع آفتاب « جیموتنو » نخستین امپراتور جاپان تولد شد و از این جهت است که پرستش امپراتور تا هنوز هم در جامعه جاپانی جای والای دارد، دین شینتوی قدیم دین و میهن پرستی را یکی دانسته چه در زمین آنها زمانی الهه آفتاب

زندگی کرده است^۱.

چون در عقیده مردم جاپان شاهزاده الله آفتتاب است پس عبادت و اطاعت شاه مانند اطاعت خدا از جمله فرایض مذهبی و ملی بشمار می‌رود. در نظر جاپانی‌ها اتباع این کشور اولاد دو رب النوع فوق الذکر اند بنابر آن مردم جاپان خود را اشرف تمام مردم جهان میدانند و مطابق دستور امپراتور جنگ و تحت سلطنت آوردن جهان از جمله فرایض ملی و دینی حساب می‌شود، تا سال ۱۹۴۵ میلادی (پایان جنگ دوم جهانی) این عقیده در میان مردم جاپان جازمیت خاصی داشت و زمانیکه در سال ذکر شده جاپان به شکست روبرو شد اصل پرستش شاه و تحت سلطنت آوردن جهان توسط اشرف مردم جهان (مردم جاپان) به تدریج رو به کندی نهاد ولی بطورکلی از صفحه ذهن آنان شسته نشد و هنوز هم به آسمانی بودن شاه و اشرف بودن مردم خود عقیده مند اند.

دین شینتو که بمعنی «در طریق و مسیر الله» می‌باشد بعد از آنکه در قرن ششم میلادی دین بودایی و دین کنفوسیوس با اصول پا برجا و شکل یافته خود وارد سرزمین جاپان شدند تحت این نام (شینتو) عرض اندام کرده و معتقدات اساسی خود را برای مقابله با ادیان وارد شده از خارج نظم و آرایش بخشید، و قبل از آن چنانچه گفته شد معتقدات مردم جاپان عبارت بود از مجموعه عقاید طبعتی پرستی، توتم پرستی، نیاکان پرستی، شاه پرستی، ارواح پرستی و نفوس پرستی ولی این معتقدات در آیین شینتو چوکات بندی شد و منزلت یک دین منسجم را بخود گرفت و بعد از آن در این دین از جمله همه ارباب انواع صرف یک رب النوع آسمان‌ها مورد تقدیس قرار گرفته و ارباب انواع دیگر به منزلت پری‌ها و نفوس هبوط مینمایند، در این دین علاوه از شاه پرستی به تفوق نژاد جاپان و تقدیس ارواح نیاکان،

1- جوزف کیئر. همان اثر. ص: 127 - 129

اخلاق خانواده گی نیز اهمیت داده میشود و همچنان به سر رسانیدن وظایف اجتماعی، شجاعت، راستکاری، راستگویی، پاکدامنی، داشتن اولاد نیکو، پاکی روح و تن برای تجلیل کردن بهتر ارواح مردگان از جمله تکالیف ووجایب دینی بشمار میرود^۱.

ادیان شینتو، بودایی و کنفوسیوس در وضع فردی و اجتماعی مردم جاپان، رشد علوم و فنون و استفاده بیشتر آنها از مظاهر دل انگیز طبیعت تاثیرات قابل ملاحظه بی بجا گذاشته اند: محققان در مورد مردم جاپان مینویسند که در بین مردم جاپان سه خصلت عمدۀ بسیار برجستگی دارند:

۱- عشق به طبیعت.

۲- عشق به هنر.

۳- عشق و علاقه به فراگیری دانش

و این سه خصلت را میتوان زاده تعلیمات دینی ادیان جاپان دانست. در جاپان ادیان شینتو، بودایی و کنفوسیوس نفوذ بیشتر داشته است مردم جاپان عشق و علاقه به طبیعت را از دین شینتو فرا گرفتند، برای عبادت طبیعت معابد بزرگی برسر کوها ساختند و در فصل های مختلف سال به آن معابد میرفتند و از کودکی خوش دارند تا از مناظر زیبایی طبیعت لذت برند آنها عشق و علاقه به هنر را از دین بودایی گرفتند، بر معابد گل نهادند، و بر دیوار های آن نقشهای زرین حک کردند.

و این مردم از طریق دین کنفوسیوس به علم و دانش اندوزی علاقمند شدند چه کنفوسیوس معتقد بود که انسان واقعی همواره در پی دانش است مردم جاپان امروز

۱- علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 231-233.

به دین شینتو بیشتر علاقه مندند چه این دین اسلام آنها بشمار می‌رود. دین بو دایی نیز در ژاپان پیروان زیادی دارد ولی نفوذ دین کنفوشیوس نیرومند تر است.

1 - جوزف کیئر. همان اثر. ص: 132-134

فصل پنجم

نگاهی به ادیان ایران و افغانستان قدیم

۱. چگونگی ادیان در ایران قدیم

اگر بتاریخ و نژاد مردم ایران دقت و توجه نماییم به آسانی در میباییم که مردم ایران با مردم هندوستان در زمانه های بسیار قدیمی (قبل از ۱۶ قرن پیش از میلاد) نژاد و تاریخ مشترک داشته است، آریاییهای سواحل بالتیک از طریق مناطق افغانستان و ایران امروزی بسوی هندوستان مهاجرت کردند و برخی از آریاییان در ایران باقی مانده و به زندگی خود در آنجا ادامه دادند. چون این دو گروپ (آریایی هندی و ایرانی) مدت های طولانی یکجا با هم بسر برده بنابر آن دارای فرهنگ و ثقافت مشابه نیز بوده و در عرصه دینی هم تشابهاتی زیادی با هم داشتند. از جمله در بین ایرانیان و هندیان هر دو به ارباب انواعی بر میخوریم که دارای شbahت زیادی میباشند مانند میترا (رب النوع آفتاد)، وایو (رب النوع باد)، آтра (رب النوع آتش) و ایندرا (رب النوع طبیعت)

بنابر آن ایران سر زمینی است که از روزگاران بسیار کهن با ارباب انواع وادیان شبیه به ارباب انواع و ادیان هندی سرو کار داشته است^۱.

از جمله ادیان بزرگی که در ایران باستان پیروان زیاد داشته و تقریباً مورد قبول همه قرار گرفته عبارت از دین زرتشت است که در ذیل به بحث مختصراً راجع به این دین میپردازیم

^۱ - کاری بار . دیانت زرتشتی . ترجمه فریدون وهمن ایران : بنیاد فرهنگ ۱۳۴۸ هـ.

2. دین زرتشت:

مها جرین هند و اروپایی که بنام دهقان و نجیب یاد میشوند از جنوب روسیه و از اطراف بالتیک مهاجرت نموده به سرزمین افغانستان و ایران قدیم سرازیر شدند و دسته های دیگر آن رهسپار هندوستان گردیدند، در قبایل بومی ایران قبلًاً عنعنات دینی مانند توتم پرستی و روح پرستی وجود داشته و برخی از حیوانات و نباتات مور تقدیس و تکریم آنها بودند، مانند اسپ، مار، سگ، گاونر و گاو ماده. آنها به دو نوع ارواح اعتقاد داشته که یکی آن ارواح سودمند بوده و دیگر آن ارواح خبیثه که ضرر را میرسانید، سحر و کهانت رواج بیشتر داشت، به زعم آنها ارواح مردگان از زنده ها حمایت و مراقبت مینماید، این ارواح بعد در دین مزدا حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند. در قرن 14 قبل از میلاد بسیاری ارباب انواع ایرانیان و هندیان بطور مشترک مورد پرستش قرار داشته، مانند وارونا، میترا و ایندرا. وارونای هندوها همان «اهورا» است که بعد ها رب النوع بزرگ ایرانیان شده است. در نزد هر دو (ایرانیان و هندیان) میترا رب النوع آفتاب مورد احترام است و آتش نیز از نظر هر دو ملت شیی پاک است، آهسته آهسته در بین آنها از لحاظ دینی تفاوت هایی بوجود آمده، در هندوستان دیوها ارباب انواع نیکو کار تلقی شده در حالیکه در ایران آنها را شیاطین میگفتند و بر عکس اسوراها که شیاطین دین هندو میباشد بعد از دین بودایی نزد ایرانیان حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند، در ایران ایندرا ای هندی بعنوان شیطان تحت نام آنдра شناخته شد، وارونای هندی هم حیثیت دیو شهوت را بخود گرفت، زمانیکه ایران از لحاظ دینی از هند جدا شد دین مزدا را که منسوب به رب النوع معروف بلخیها (اهورامزدا) میباشد در سرزمین خود انتشار داد، این دین قبل از بمیان آمدن زرتشت بنام دین «مزدیسنا» شهرت داشته ولی بعد از ظهور زرتشت در متون دینی وی مدغم ساخته شد.

3. زرتشت (583 تا 660 قبل از میلاد):

در مورد عصر زندگی زرتشت اختلاف وجود دارد برخی زندگی او را شش هزار سال قبل از میلاد دانسته و برخی دیگر به ترتیب چهارده صد سال قبل از میلاد، یکهزار سال قبل از میلاد و یا هم هفت قرن قبل از میلاد عصر زندگی وی را حدس زده اند. پیروان این دین در مورد تولد زرتشت ادعاهای عجیب و غریبی دارند: گفته میشود که در باره تولد وی سه صد سال و یا هم سه هزار سال قبل پیشینی صورت گرفت، اهورامزدا به آن دختری منتقل گشت که بعد مادر زرتشت گردید، زرتشت در سن پانزده سالگی کمربند پاک را بعنوان نشانه ای از ایثار و فداکاری در راه دین انتخاب کرد، در سن بیست سالگی بدون رضایت و موافقه والدین خانه خود را ترک کرده و خود را وقف امور دینی نمود. کتاب اوستا او را به درجه پیامبری میرسانید، زرتشت میگفت: او میخواهد یک دین مترقی و جهان شمول را بنیاد گذارد که در آن زمینه مساعد شود تا مردم شریر نیز به آن دعوت شده و آنرا بپذیرند، در نتیجه پادشاه آن زمان ویشتابسپ (یا هیستاسپ) برادر، پسر، یکی از مشاوران و صدراعظم وی نیز به دین زرتشت پیوستند و یکی از دختران زرتشت با صدراعظم ازدواج کرد. با پیوستن این اشخاص به دین زرتشت این دین زمینه آنرا بدست آورد تا آهسته آهسته جهانی شود^۱.

4. ارزش فوق طبیعی دین زرتشت:

دین زرتشت پرستش خدای واحد (اهورامزدا) را از پیرو خود می‌طلبد، از نظر این دین اهو را مزدا بنامهای نور، زندگی، خوبی و حقیقت یاد میشود. از نظر زرتشت این خدا بزرگترین، بهترین، زیباترین، باثبات ترین، حکیم ترین، کاملترین، سخی ترین روح، خالق، تابان و پرشکوه میباشد. زرتشت عقیده به این خدا را تاکید بیشتر

1. هیوم، رابرт. 1. ادیان زنده جهان. ترجمه. عبد الرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1369 ش. ص: 270-274.

مینمود. صفاتی که در اوستا به این خدا داده شده عبارت اند از عالم، خالق، بصیر، قادر، بزرگ، دوستانه، پدر عدالت یا حقیقت، پدر فکر نیک، کریم و بخشه ترین روح. و 54 نام برای وی ذکر شده است.

اهریمن:

در دین زرتشت اهریمن یا رب النوع شر، بدی و ناپاکی مورد نکوهش و تقبیح قرار دارد. یکی از ویژه گیهای مهم دین زرتشت در بین تمام ادیان عالم همین نظر یه عقیده به یک ثنویت جهانی است یعنی یک خدای خیر و نیکی و دیگری خدای شر و بدی که علیه یکدیگر مبارزه میکنند، از نظر این دین دو خدا و نیرو از ابتدای خلقت جهان وجود داشته و تا آخر کار این جهان به ضد یکدیگر مشغول میباشد.

ارواح خیر:

علاوه از خدای اهورامزدا ارواح دیگر خیر نیز در دین زرتشت وجود دارد، ارواح خیر بنام «امشااسبنتا» یاد میشوند و بطور تمایز از اهورامزدا قرار دارند و معروفترین آنها عبارت اند از:

بهمن: فرشته اندیشه، ذهن، مشرب نیک.

اردیبهشت: فرشته راستی و درستی، نظم، عدالت.

شهریور: فرشته قدرت، سلطه، حکومت و پادشاهی.

آرمی تی: فرشته تقوی و عشق.

خرداد: فرشته کمال، رفاه، سلامتی.

امرداد: فرشته خلود، حیات جاودانی.

ارواح شر:

در دین زرتشت در مقابل اهورامزدا و فرشتگان خیر که در پهلوی او قرار دارند ارواح شریا شیاطین نیز موجوداند، این شیاطین که تعداد آنها بیشمار است در مبارزه با ارواح خیر مشغول میباشند، برخی این ارواح شر عبارت اند از:

شیطان حسد.

شیطان نخوت.

شیطان خشم.

شیطان گرسنگی.

شیطان تشنگی.

شیطان سخن دروغ.

شیطان بدکارگی زنها.

شیطان خشکسالی.

شیطان زمستان.

5. نظر دین زرتشت درمورد پاکیزگی:

برای زرتشیان اکثر آنسپیرست هم گفته شده ولی آنها این نسبت را همواره رد میکنند. آنها آتش را پاک میشمارند و آفتاب را بحیث علامت رب النوع نور میدانند و هم تاکید میکنند تا از آتشی که هرگز نمیرد و خاموش نشود محافظت صورت گیرد و چیزی ناپاک به آن انداخته نشود و خانمهای حائضه از سه قدمی آن نزدیکتر نشوند. موها و ناخن های کوتاه شده باید به شکل بهترین ازبین برده شود، در وقت عطسه کردن باید دعای مخصوص به آن خوانده شود. بعداز اهمیت زندگی اهمیت درجه دوم برای پاکیزگی و طهارت است.

مرده انسانها و حیوانات باید در آتش پاک انداخته شود و هم باید خاک پاک با آن آلوده شود بلکه در برجها و جاهای بلند گذاشته شده تا از بین برود. دفن مردگان گناه نابخشودنی است.

عبادت در دین زرتشت بطور عمدہ تکرار یکتعداد دعاها مقرر است که تکرار آن روزانه و یا فصلوار صورت میگیرد.

در دین زرتشت ایمان آوردن با عبارات ذیل انجام میشود: «من اقرار میکنم که پرستنده مزدا، پیرو زرتشت و کسی هستم که از دیوها (ارواح شر) متنفر بوده و از قانون اهورا اطاعت میکنم».¹

بطور خلاصه طهارت و پاکی در این دین دارای اهمیت زیادی است. از نظر این دین انسان باید افکار، گفتار و اعمال نیک وجود خویش را پاکیزه نگهدارد.

6. اخلاقیات دین زرتشت:

از نظر زرتشتیان در دین زرتشت اخلاقیات مقام والا و مهمی دارد: کمک و دستگیری فقیران و نیازمندان مورد تاکید است. یکی از اصول اخلاقی این دین رفتار خوب در مقابل افراد خوب، و رفتار بد در مقابل افراد بد و شریر میباشد، یعنی اعمال خشونت در مقابل افراد شریر بوضاحت تجویز شده است.

زندگی و همسر داری مطابق عقل ضرورت دینی است نه اینکه زهد و ریاضت کشی صورت گیرد. کسی که به کشت و زراعت مصروف است در حقیقت به کاشتن راستی و درستی مشغول است و او دین مزدا را به حرکت در می آورد. کسی که چیزی نمیخورد نیروی کافی برای انجام کارهای سنگین و نیک را نیز ندارد، به پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک تاکید بیشتر صورت گرفته است. اهورامزدا در بین اعمال انسان قضاوت میکند، به نیکوکار پاداش و به بدکار جزا داده میشود. معاد عظیم جسمانی اموات وجود دارد. پل باریک چینوت یا چینوانت وجود دارد. دو فرشته حسنات و سیئات هر فرد را ثبت میکند. به جنت و دوزخ دائمی عقیده وجود دارد. پیش از پایان جهان درسه فاصله هزار ساله سه منجی بنام های آشودر،

1. هیوم، رابرт. ۱. همان اثر. ص: 286.

آشودرماه، وسوشیانت بظهور خواهند سیدکه مانند زرتشت از مادران باکره پانزده ساله متولد میشوند^۱.

7. دین مانی:

علاوه از دین زرتشت دین دیگری در ایران باستان وجود داشته که بنام « دین مانی » معروف است. مانی در سال 251 یا 216 میلادی در بابل متولد و در سال 272 یا 277 میلادی وفات کرده است.

میگویند او راه و طریقه زندقه را بوجود آورده که در زبان پهلوی زندقه به کسانی اطلاق میگردید که ضد کتاب « زند » که شرح « اوستا » ی زرتشت است قیام میکردند چنانچه اخیراً این اصطلاح به ملحدان دین اسلامی نیز اطلاق میشود^۲ پیروان این دین بنام « صدیقون » و « سماعون » یاد میگردند که گروه اولی امور مذهبی دین مانی را تنظیم نموده و گروه دوم پیروان محض میباشد

گروه اول که طبقه روحانیون دین مانی بشمار رفته از رژیم بسیار مغلق و طاقت فرسای حیاتی پیروی میکنند، آنها از ازدواج، نوشیدن مسکرات و خوردن گوشت محروم اند و باید از دروغ گویی، نادرستی، حرص، بت پرستی و جادوگری نیز اجتناب کنند و سماعون که پیروان محض اند نیز از برخی امور مانند زنا، ساحری، بخل، دروغ و بت پرستی خود داری میکنند

دین مانی که مجموعه بی از معتقدات کهن ایرانی، بودایی، هندی و مسیحی است بعد از آنکه از ایران بیرون شد در چین، الجزایر، سوریه، مصر، ترکمنستان و مغولستان به توسعه خود ادامه داده و در غرب رونق خوبی پیدا نموده و بعد از آن

1. شاله، فلیسین. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه. منوچهر خدایار محبی. تهران: ظهوری، 1355 ش. ص: 210-213.

2- احمد افشار شیرازی. مانی و دین او. تهران: چاپخانه مجلس 1335 هـ (ش) ص 496

در شمال افريقا قتل عام مانويان صورت گرفت و در قرن 13 ميلادي دين مانوي در غرب از بين رفته و اموال پيروان اين دين مصادره گردید.¹

شناختن چهره يكتن از پيروان دين ماني بيشتر از ديگران ضروري به نظر ميرسد که آن عبارت از «مزدك» (سال تولد 460 ميلادي) است، مزدك با تاثير گيري از مبارزه روشنی با تاریکي دريافت که منشا تمام زشتی ها و جنایات در روی زمين دو چيز است: علاقه آميزش با زن و تمایل به مال و ثروت ، پس چاره اين دو آفت صرف اينست که آن هر دو را اشتراكي اعلام نمایيم و مال و زن ملكيت هيج فردي مشخص نباشد.

8. دين الله آفتاب:

در ايران باستان يکي از اديانیکه به شهرت زياد رسیده عبارت از «دين الله آفتاب» است. در دين الله آفتاب که بنام «دين مهر» نيز ياد شده عباداتی شبیه عبادات هندوان دیده میشود مثلًا به قرباني و گاو ارزش زياد داده شده است. در نظر اين دين گاو توسط رب النوع مهر قرباني شده و از خون آن تمام موجودات زنده را خلق کرده است.

دين مهر بعد از دين زرتشت بميان آمده و در قرن اول ميلادي در امپراتوري روم منتشر شده است ولی در اثر موجوديت طبقه روحاني متучب مسيحي در قرن چهارم ميلادي تاب مقاومت در برابر دين مسيحي را از دست داده است.²

¹- اعتضاد السلطق ، مدعیان نبوت وحدویت (تهران : انتشارات آسیا، 1343 - هـ ، ق) ص: 26-33.

²- على اکبر ترابی . همان اثر . ص: 260-261 .

9. بررسی وضع دینی افغانستان قبل از اسلام:

قبل از اینکه مردم افغانستان قدیم به دین مقدس اسلام مشرف شوند و افتخار داشتن این آخرين و کاملترین دین سماوي را بدست اورند با تأسف اديان وضعی را که توسط افراد و اشخاص بشری ساخته و پرداخته شده بودند پیروی میکردن، اين اديان وضعی مردم افغانستان در چند قرن پیش از ظهور دین نجاتبخش اسلام عمدتاً عبارت بودند از دین زرتشت و دین بودایی. ما درین عنوان، وضع دینی مردم آن زمان کشور خود را به تصویر میکشیم. ابتداءً تصمیم براین بود تا موضوعات این عنوان در محلات آثار متعلق به این دین، چون هده جلال آباد، بامیان، بگرام وغیره محلات جستجو شود ولی نسبت برخی مشکلات موفق به این کار نشدیم و در عوض کوشش زیاد به خرچ دادیم تا موضوعات این مطالعه از طریق برخی آثار و منابع قابل دسترس پیگیری شود. چون راجع به بودا و چگونگی دین وی و همچنان زرتشت و چگونگی دین وی قبل معلومات داده شده لذا درینجا صرف چگونگی وضع و حضور این اديان را در افغانستان قدیم مختصراً مطالعه مینماییم:

10. چگونگی وضع دین زرتشت در افغانستان قبل از اسلام:

در افغانستان قبل از اسلام قسمتهای شرقی ایران از دریای سند تا آخر خراسان (دامغان) شرقاً و غرباً شامل است، و در طرف شمال هم وادیهای شمال آمو را تا سمرقند و دامنه های کوهستانی پامیر فرا میگیرد و در جنوب به بحیره عرب میرسد. علت اینکه ما افغانستان قبل از اسلام را شامل این همه مناطق میدانیم اینست که این همه مناطق از لحاظ دینی و فرهنگی و هم از لحاظ تاریخی با هم مشترک بوده و نظریات دینی بلخ قدیم در ساختار دینی این مناطق نفوذ خاصی داشته است.

مدنیت مردم آریایی افغانستان در بخدي (بلخ) و صفحات شمال هندوکش بود که در حدود 1200 سال قبل از میلاد آغاز شده و کتابی از آن دوره بنام اوستا باقی است. از کتاب اوستا بر می آید که مردم آریایی افغانستان از حیات کوچی و رمه داری به مدنیت رسیده و در شهرها ساکن شده اند، اولین پادشاه این سرزمین یما (جم) شهر بخدي بلخ را آباد کرد و دین معین که دارای هدایات و قوانین مدنی و روحی بود توسط این پادشاه در آن سرزمین شیوع یافت، این دین عبارت از مزدیسنا (ستایش خدا) که رهبر آن زرتشت است، میباشد.

فریدون که از اخلاف یما است صد اسپ، هزار گاو و ده هزار گوسفند را برای ربه النوع آب (اناھیتا) قربانی کرد.

در دین مزدیسنا چندین فرشته خیر و نیکی در برابر شیاطین شر و بدی قرار دارند ولی در رأس این همه اهورامزا (سرورданا) و خدای واحد مورد پرستش بلخیان میباشد. ارباب انواع آریایی (دیوان) که نزد هندوها هنوز هم دارای مقام خدایی بودند در دین مزدیسنا از اعتبار افتیند و کلمه دیو که قبل از زرتشت به معنی خدا بود غول و گمراه کننده تصور گردید و از آن زمان به بعد خدا پرست را (مزدیسنا) و مشرک را (دیویسنا) میگفتند.

دیو نزد تمام ملل آریایی به جز زرتشتیان معنی اصلی خود (خدا) را حفظ نمود، نزد هندیان دیوه هنوز هم به معنی خدا است، زیوس رب النوع یونانی، دیوس رب النوع لاتینی، دیو فرانسوی و دیوه در لسان پشتون که به معنی روشنی و چراغ است از همان ریشه (دیو) خدای اریائیان میباشد.

وضع دینی مردم افغانستان قبل از قرن 16 قبل از میلاد چندان روشن نیست ولی زمانیکه بتاریخ پنج هزار ساله این مرز و بوم مراجعه میکنیم به یقین گفته میتوانیم

1. حبیبی، عبد الحی. تاریخ مختصر افغانستان. طبع سوم. پشاور: دانش کتابخانه، 1377 ش. ص: 25.

که قبل از قرن 16 پیش از میلاد مردم افغانستان بسان سایر مناطق همچو را به نوعی از توتیزیم، فتیشیزم و آنی میزم سرو کار داشتند، نزد مردم ما برخی از حیوانات، درختان و سایر پدیده های طبیعی ارزش و قدس دینی داشته است ولی زمانیکه اقوام آریایی که خود را دهقان و نجیب میگفتند از جنوب روسیه و یا از سواحل جنوبی بالتیک بسوی مناطق افغانستان امروزی و سایر کشورهای منطقه سرازیر شدند، ارباب انواع مشترکی را پرستش میکردند، میترا رب النوع آفتاب مورد احترام و پرستش مشترک هندیان و افغانها بود چنانچه «اهورا»ی بلخیان همان و ارونا هندیها مورد احترام و پرستش مشترک قرار داشت، طبقه خاصی به امور روحانی اشتغال داشته چنانچه بر همنان در هند آنروز از امور دینی مراقبت مینمودند، وارونا به دیو شهوت و ایندرا رب النوع طبیعت باکمی تغییرنام (آندرای) به شیطان منحرف گنده شهرت یافته بود^۱.

بلخیها با ویداها سروکار داشته و قبایل زیادی از این مرز و بوم با ویداهاي خود رهسپار سرزمین هندوستان شدند.

بلخیها را میتوان از لحاظ دینی بدو دوره تقسیم کرد یکی دوره قبل از مهاجرت و هجوم به هندوستان و دوره دیگر بعد از مهاجرت و هجوم به هندوستان، ارباب انواعی که بلخیها در دوره اول به آن اعتقاد داشتند بیشتر از تشخص و ذاتیات عاری و مبرا بود و قدرتهای اجباری خود کامه بحساب میرفتد ولی در دوره دوم فکری و دینی بلخیها ارباب انواع بیشتر کسب ذاتیت و تشخص میکنند و صفات خاصی از قبیل داد و عدل، عفو و انتقام، عاطفه و غصب و غیره را بخود میگیرند و زمانی که این ارباب انواع به یونان منتقل میشود بیشتر کسب ذاتیت و تشخص نموده تا این

2. ترابی، علی اکبر. همان اثر. ص: 260-261.

سرحد که علاوه از صفات انسانی حتی صفات حیوانی را نیز بخود راه میدهند، بی اندازه مینوشند و مست میشوند.

در بین مردم افغانستان کتاب اوستا که تقریباً 15 قرن قبل از میلاد وجود داشته و بعد در قرن 6 قبل از میلاد حیثیت کتاب و متن دینی زرتشتی را بخود گرفت مورد احترام و تقدیس دینی قرار داشت، برخی از قسمتهای آن کتاب از بر حفظ میگردید. نزد بلخیها سیاره مشتری پدر سیارات بوده چنانچه خدای «اهورا مزدا» را فوق اهریمن و یزدان میدانستند¹. اهریمن نزد آنها رب النوع شر و متصدی امور رشت بوده در حالیکه یزدان رب النوع نیکی و روشنی است، وقتیکه اعتقاد دینی بلخیها انکشاف بیشتر میکند این هردو رب النوع را ترک نموده و خدای فوقتر از آن دو را مورد پرستش قرار میدهند، خداییکه بر هردو رب النوع اهریمن و یزدان تسلط دار دونامش «اهورامزدا» است.

میترا را هم به پهلوی اهورامزدا قرار میدادند و همراه با آن دو، مادر خدا بنام ناهید (اناھیتا) قرار داشت. ناهید دارای شهرت زیادی بوده و گاهی بنام اناھیتا نیز یاد میگردید که شبهات زیادی با رب النوع «ایشتار» بین النهرين داشته، رب النوع باروری و آب. به جرأت تمام میتوان گفت که اعتقاد مردم افغانستان و بلخیها قدیم در دوره دوم یعنی بعد از مهاجرت و هجوم برخی قبایل این سرزمین به هندوستان یک اعتقاد یست که نسبت به سایر معتقدات آن زمان به طرف توحیدنژدیکتر است آنهم در وجود خدای اهورامزدا یا هرمز و یا اورمز، مردم افغانستان و بلخیهای قدیم با این احساس دینی ایکه داشتند و اینکه از انکشاف معین و متوازن فکر دینی برخوردار بودند وظیفه خود میدانستند در این راه خلوص، راستی و صداقت را پیشه کنند، از طریق ازدواج، مومنان اهورامزدا را افزایش داده چنانچه از طریق تقویه جسم و

1. سلجوقی، صلاح الدین. تجلى خدا در آفاق و انفس. کابل: مطبعة عمومی، 1384 ق. ص: 24 - 25.

جان خود زمین اهورا را حاصلخیز نموده مواشی و حیوانات مفیده را پرورش دهد^۱.

11. چگونگی وضع دین بودایی در افغانستان قبل از اسلام:

افغانستان که در قلب آسیا موقعیت داشته همیشه نقطه وصل فرهنگها بین شرق و غرب بوده و زمانی دین بودایی را به خود جلب نموده است. این دین توسط پادشاهی بنام «آشوکا» در نیمة قرن سوم قبل از میلاد وارد سرزمین ما شده است. آشوکا پسر بندوسارا و نواسة چندرًا گوپتا موریا بوده، او در سال یازدهم پادشاهی خود (259 ق.م) در جنگ «کالانگه» به چنان خونریزی دست زد که جویهای خون جاری شد، بعد از این واقعه به اوندامت و پشیمانی سختی روی داد و به یکی از معابد بودایی رفته و از صومعه نشینان به پیشکاه خدا عذر خواست و یک انقلاب فکری به او دست داد و مانند بودا (گوتاما) و یا شهزاده بلخی ما ابراهیم ادhem تاج شاهی را به خرقه روحانی مبدل ساخت.

در شمال افغانستان در باختر سلسله یونان و باختری حکومت داشته و بین حاکم آن سلوکوس (نیکاتور) و پدر کلان آشوکا چند را گوپتا جنگ شدیدی رخ داد و در پایان مناطق جنوب غربی افغانستان به تصرف موریا های هندی افتید، آشوکا که بحیث یک حاکم روحانی در آمده و آبین بودایی در افکارش مؤثر واقع شده بود خواست تا این دین را در سرزمین های مفتوحه (افغانستان) نشر و پخش نماید و در اثر کار مبلغین این دین در مناطق مختلف افغانستان تا وادی ارغنداب منتشر گردیده و هنر معروف گریکو بودیزم شکل گرفت، در عصر شاهان کوشانی دین بودایی از افغانستان دوباره به طرف شرق و غرب در مناطق مفتوحة دیگری کوشانیها انتشار یافت. دوره آشوکا که یک دوره روحانی و اخلاقی نامیده شده سبب نفوذ دین بودایی

2. شاله، فلیسین. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه. منوچهر خدادیارمحبی. تهران: ظهوری، 1355 ش. ص: 212-211.

در افغانستان گردیده و این دین تا ده قرن بحیث دین مستقل در جنوب غرب و یک قسمت از مناطق مرکزی و شمالی افغانستان و آسیای میانه تا نشر و پخش دین مقدس اسلام تسلط داشت، و در مناطق غربی کشور ما دین زرتشتی نیز از حضور وسیعی برخوردار بود^۱.

آمیزش دو دین (اوستایی و بودایی) در آثار هنری مردم سرزمین آریانای کهن (افغانستان) منجر به آمیزش هنر یونان و باختری با کتب بودیزم گردید و صنعت هنری (گریکو بودیزم) را بوجود آورده که این صنعت حیثیت یک انقلاب هنری و فرهنگی را در آریانای قدیم داشته است.

در افغانستان مراکز معروف بودایی وجود داشته که به برخی از آنها بطور مختصر ذیلاً اشاره میکنیم:
هده جلال آباد:

یکی از معابد مهم و مشهور بودایی در هده جلال آباد موقعیت دارد، تاسیسات بودایی هده بعد از نفوذ دین مقدس اسلام به افغانستان تا سالهای اخیر زیر انبار های خاک پوشیده مانده ولی در این اواخر مورد توجه محققان خارجی و داخلی قرار گرفته است. از سال 1824-1879 در اثر حفریات، مسکوکات و کتیبه های زیادی بدست آمده و هم مجسمه های بودا در ستونه های (قبirstان، گنبد و یا تپه ایکه آثار بودایی در آن وجود داشته باشد ستونه گفته میشود) نمبر 12، 14، 19 هده پیدا شده است.

معابد بودایی شهر کابل:

شهر کابل بحیث یکی از شهر های قدیمی کشور، ستونه ها، کتیبه ها، مجسمه ها و مسکوکات دوره های مختلفی از تاریخ خود را نگهداری نموده است، مراکز و معابد

۱. غبار، غلام محمد. افغانستان بیک نظر. کابل: ... 1336 ش. ص: 36

بودایی هم یکی از داشته های باستانی این شهر بحساب میرود که در چکری کمری، شیوه کی، خواجه صفا، شهدای صالحین، تپه سلام، تپه خزانه، گردنه علی آباد، تپه مرنجان و مناطق دیگری شهر موقعیت داشته است.

معابد مهم دین بودایی در بامیان:

یکی از دلچسپی ها و خصائص مهم پیروان دین بودا این بود که همواره در کنار وادی ها و دره ها به عبادت و نیایش میپرداختند، چنانچه در بامیان و دره فولادی به صدها مغاره مانند خانه زنبور توسط راهبان بودایی بوجود آمده و هزاران چراخ در آنجا برای فروخته میشدند و دره بامیان سالهای متعددی بحیث راه عبور و مرور قافله های تجاری که شرق را با غرب وصل نمودند در آمده بود. زایر چینی «هیوان تیسنگ» نیز تحت تاثیر آوازه معابد بودایی بامیان آمده و آنجا سفر نموده و مطالب زیادی را از آنجا گذارش داده است، او میگوید: «..... در صفحه عمودی آن مجسمه بودا تراشیده شده که بلندی آن در حدود (140) تا (150) فوت است، اشعه زرین آفتاب از آن به هر طرف منعکس میشود و احجار قیمتی و زیور آلات آن چشم را خیره میکند و به طرف شرق معبد یک مجسمه ایستاده (ساکیاموئی بودا) به ارتفاع صدفت وجود دارد که از سنگ ساخته شده است.

به اساس تحقیق محققان از مهمترین آبدات تاریخی بامیان یکی این دو مجسمه است که در جدار سنگلاخ بامیان بنابر قولی به ارتفاع 53 متر (175 فوت) و 26 متر (120 فوت) حک و کندن کاری شده و به قرن سوم میلادی ارتباط میگیرند.

مراکز و معابد بودایی سایر مناطق کشور:

مراکز و معابد معروف دیگر بودایی در کاپیسا و بگرام وجود دارد، کاپیسا پایتخت تابستانی کوشانیها بوده که در حوالی جبل السراج امروزی در سلسله کوه های هندوکش واقع شده است.

معبد مشترکی که در منطقه بگرام موقعیت دارد یکی از معابد معروف بودایی گفته میشود.

قریه «پیتاوه» که در حدود 8-12 کیلو متر از بگرام فاصله دارد دارای یک تپه است که در بین کشت زارها موقعیت دارد که قبلاً باستان شناسان در آن حفریاتی نموده و هیکل‌هایی از آن بدست آمده است.

در سیاه گرد غوربند هم یک مرکز مهم بودایی موقعیت دارد که فندقستان نام دارد، این مرکز که در قسمت بالای دره چاردهی غوربند بالای یکی از تپه ها قرار دارد مورد تجسس محققان فرانسوی و افغانی قرار گرفته و به سطح آسیای مرکزی یک معبد مهم گفته شده است، این معبد مانند سایر معابد بودایی بشکل مخروطی اعمار شده و سابقه آن قبل از 590 میلادی حدس زده شده است.

هزارسم¹:

یک دره فرعی است که به قسمت های سفلی دره خلم مربوط و در مسیر راه کاروان رو قدیمی که بلخ را به بامیان و کابل وصل میکند قرار دارد و یکی از مراکز بودایی گفته میشود که از قرن اول الی هفتم میلادی دارای باشندگان میباشد. یکی دیگر از معابد یا ویهارا های بودایی شاه بهار غزنی است که در بالای تپه سنگی نزدیک مزار سلطان محمود غزنی به طرف شرق شهرهای کابل- قندهار موقعیت دارد.

نوبهار بلخ هم یکی از معابد دین بودایی است، این معبد دو قرن قبل از میلاد بحیث معبد بودایی شهرت کسب نموده است، گفته میشود که این معبد دارای مجسمه بودا، طشت جانشوابی بودا، دندان بودا و یک جاروب بودا که از گیاه (کاچه) ساخته شده بود، میباشد.

1. ابراهیمی، محمد اسحاق. مراکز مهم آیین بودائی در افغانستان. کابل: 1384 ش. ص: 134 - 140.

چم قلعه هم یکی از معابد بودایی است که در ده کیلو متری بغلان بالای نهر اجمیر
بشكل مربعی که هر ضلع آن به اندازه صد متر میباشد موقعیت دارد.

دین بودا از طریق افغانستان به منطقه کاشغر، ختن و چین انتشار یافته و نفوذ این
دین بالای هنر و فرهنگ مناطق فتح شده کاملاً واضح و روشن است. آلات، وسایل
و اشیای که از هده، بگرام، بامیان بدست آمده با آثار هنری مناطق مفتوحه دارای
شباخت تام بوده و مشترکات هنری و فرهنگی این مناطق را نشان میدهد.

اینکه چرا مردم افغانستان قدیم این ادیان را پیروی نموده شاید علت‌های متعدد
جغرافیایی، سیاسی، نظامی وغیره در آن دخالت داشته باشد ولی بطور عام گفته
میتوانیم که مردم افغانستان قدیم نیز جزئی از جامعه انسانی بوده و هیچ جامعه انسانی
چه درگذشته و چه در حال بدون یک نظام دینی بوده نمیتواند. اگر ما زندگی جوامع
انسانی را درگذشته و حال به دقت بررسی و تحقیق کنیم به بسیار آسانی معلوم میشود
که اعتقادات دینی از خصائص جوهری آنها بوده و قویاً بر روح و روان آنها تسلط
داشته است. پلوتارک مورخ معروف قرن اول میلادی یونان در این زمینه گفته
است: «زمانیکه شما به سفر و گردش در جهان مشغول هستید حتماً شهرها و دهات
زیادی را از نزدیک مشاهده میکنید شما شهرها و دهاتی را شاید ببینید که دیوارها
ندارد، شهرها و دهاتی را دیده باشید که رهبر و زعیم نداشته باشد و هم شهرها و
دهاتی را دیده اید که نه خزانه‌ها دارد و نه محلات تفریح، ولی به هیچ صورت شما
شهر و یا دهی را ندیده باشید که در آن معبدی برای عبادت وجود نداشته باشد».

گفته پلوتارک حقیقت دارد هیچ کشور، شهر، ده، نژاد و قبیله‌ای وجود ندارد که به
نحوی از انحصار دارای اعتقاد دینی نباشد. آنانیکه دارای زندگی بسیار ساده و بدوى
اند و فاقد امتیازات زیادی مادی و معنوی میباشند ولی نظریات و باور های دینی

بقوت در بین آنها وجود دارد و به عالم روحانی معتقد و به شکلی مصروف عبادت و پرسشش یک وجود متعالی اند و این حقیقت در طول تاریخ انسانها با آنها همراه بوده و آنها همیشه یا ادیان برحق سماوی را پیروی نموده و یا به غلط ادیان وضعی وبشری را تقلید کرده اند.

دین از خصوصیات انسان و جامعه انسانی است. علمای منطق به این عقیده اند که منطق و اندیشیدن یکی از خصوصیات انسان است که او را از سائر حیوانات ممتاز میسازد و از همین جهت است که انسان را به «حیوان ناطق و متفکر» تعریف نموده اند، این تعریف بسیار خوب، جامع و مانع انسان است اما شده میتواند که ما در عوض آن این تعریف را نیز بکار ببریم: «انسان حیوانی است دیندار» این تعریف هم انسان را از سائر حیوانات کاملاً جدا میسازد. حیوانات دیگری شاید در برخی صفات نسبت به انسانها قویتر باشند، مانند قوت در حس شامه، حس باصره، حس سامعه، قوت در بدن و بزرگی جسامت ولی تا جاییکه تحقیقات در مورد حیوانات صورت گرفته تا حال هیچ حیوانی علامه ای از یک زندگی دینی را از خود تبارز نداده است. در اینجا هدف از دیندار بودن طبعاً یک مفهوم عام آن است که لاقل افکاری در ارتباط به چگونگی خلقت جهان و انسان و داشتن یک زندگی مورد قبول خاطر وجود داشته چنانچه در یک تعریف دین میخوانیم: «دین عبارت است از جستجو جمعی برای یک زندگی کاملاً رضایتمدانه».

مردم افغانستان هم در طول تاریخ زندگی خود در راه جستجوی یک زندگی رضایتمدانه دینی بوده و بمنظور اشیاع احساس دینی خود ادیان گوناگونی را پیروی نموده و درین راه همواره در پی یافتن حقیقت گشته تا این حقیقت را بالآخره در تعالیم سماوی ونجاتبخش دین مقدس اسلام یافته اند، چنانچه بعد از ظهرور آن در فاصله کوتاه زمانی با جان ودل به آن پیوسته و تا حال از اصول وفروع آن صادقانه با مال وجانهای شیرین خود مردانه وار دفاع نموده اند.

فصل ششم

ادیان منسوخه سماوی

۱. ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام

با ظهور دین مقدس اسلام تمام ادیان سماوی قبلی منسوخ گردید و با بعثت حضرت محمد مصطفی ﷺ برای رسالت و نبوت نقطه پایان گذاشته شد. در این فصل طی چند درس مرور کوتاهی داریم بر رسالت و نبوت برخی رسول و انبیاء کرام الهی که قبل از بعثت پیامبر ﷺ تعداد رسول الهی در حدود سه صد و سیزده نفر و تعداد انبیاء کرام در حدود یکصد و بیست چهار هزار تن میباشد، این حدیث را امام احمد رحمة الله عليه از ابوذر غفاری روایت نموده است.

ما در این درس صرف برخی انبیاء و رسول کرام را مختصراً با ادیان مربوطه شان به معرفی میگیریم، آنانی که قبل از حضرت یعقوب ﷺ مبعوث گردیده اند:

حضرت آدم علیه السلام:

حضرت آدم ﷺ اولین انسان روی زمین، خلیفه و آقای آنست، خلقت او در سه مرحله صورت گرفته: ۱- مرحله خاکی ۲- مرحله ایکه هیکل وی درست شده ۳- مرحله ایکه بعد از نفح روح بعنوان انسان عرض وجود کرده است. او بعد از خلقت در جنت جابجا شده و برای انس و الفت، خانم وی حضرت حوا رضی الله عنها نیز خلق شده. آنها در جنت از خوردن درخت مخصوص منع گردیده

ولی به اساس وسوسه شیطان آنها از آن درخت تناول کردند و در اثر این کار از جنت خارج و به زمین هبوط نمودند، و بروی زمین به توالد و تناسل پرداخته و اولاد زیادی از آنها بدنیا آمدند، حضرت آدم اللهم دین الهی را که از ده صحیفه سماوی نشأت میکرد به اولاد خود تبلیغ مینمود و آنها را برای حق، عدالت و انصاف دعوت میکرد. حضرت آدم اللهم در حدود یکهزار سال زندگی نمود و بعد از فوت توسط فرشتگان با طریقه مطلوب الهی بخاک سپرده شد. قول راجح اینست که او هم رسول و هم نبی است.

حضرت ادريس عليه السلام:

نسب حضرت ادريس اللهم به حضرت شیث بن آدم اللهم میرسد، او از اولین فرزندان آدم اللهم است که بعد از شیث اللهم مبعوث گردیده و دارای دین سماوی میباشد، او در بابل متولد شده، آداب دینی و موعظه های مخصوص داشته و مردم را جانب دین الله، عبادت اللهم، عمل نیکو بمنظور نجات از عذاب دنیوی و اخروی دعوت میکرد، حضرت ادريس اللهم مردم را به زهد، گرفتن روزه و ادای نماز میخواند و از نوشیدن و خوردن مسکرات منع مینمود، در وقت وی مردم به 72 لسان صحبت میکردند که او همه این زبانها را میدانست و به هر کس به لسان خودش تبلیغ میکرد، او اولین کسی است که سیاحت مدن را تعلیم داد و برای قوم خود 188 شهر زیبا و مجهز به تمام سهولتهای آنعصر را آباد نمود و در فنایی دیگر مانند کتابت و خیاطت هم مهارت زیاد داشت.

حضرت نوح عليه السلام:

نسب نوح اللهم به حضرت ادريس اللهم میرسد، طبق حدیث امام بخاری که از حضرت ابن عباس روایت کرده میان حضرت آدم اللهم و حضرت نوح اللهم ده قرن فاصله زمانی وجود داشته، او 43 بار در قرآنکریم ذکر شده و 950 سال در بین قوم خود

درنگ نموده است. او هم رسول و هم نبی است و دارای دین سماوی میباشد، دین وی مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام الهی است. مدت زیادی به تبلیغ دین الهی در بین مردم مصروف بوده ولی تعداد اندکی پیروان وی گردیده که شاید از ده نفر یا چهل نفر و یا هم هشتاد نفر بیش نبوده اند. قوم او بت پرست بوده و پنج بت معروف ود، ساعت، یغوث، یعقو و نسر را پرستش میکردند. زمانیکه تبلیغ طولانی وی نتیجه ای چندان نداد به الله دعاء نمود تا هیچ کسی از آنان را باقی نگذارد، دعایش مستجاب شده و مامور به ساختن کشتی گردید، کشتی آماده شد و وقت وقوع طوفان عظیم فرا رسید، او با جمعی از مومنان و جفتهایی از حیوانات سوار کشتی شده و کشتی 150 روز بروی آب شناوری کرد تا اینکه تمام مشرکین هلاک شده و قضای الهی انجام یافت و به امر الهی آب دوباره جذب زمین و آسمان گردیده و کشتی بالای کوه «جودی» که در عراق موقعیت دارد حاملین خود را با سلامتی تحويل زمین ساخت، تکثیر نسل انسانی دوباره آغاز و دین حضرت نوح الله خاتمه یافت.

حضرت هود علیه السلام:

نسب حضرت هود الله به سام بن نوح الله میرسد، الله الله وی را به یکی از قبایل بزرگ عمالقه بنام (عاد) مبعوث نموده بود که در احقال که نزدیک یمن است زندگی داشته است، این قبیله با ناز و نعمت زندگی داشته و در نتیجه از دین حضرت هود الله سرباز زده و راه انحراف را پیش گرفتند، حضرت هود الله دین الهی را که دارای اصول و فروع منظم بود به آنها تبلیغ میکرد، ولی آنها در اثر داشتن اجساد قوی و نعم مادی فراوان از این نبی کریم پیروی نکردند تا اینکه به عذاب الهی که

تند باد شدید بود هلاک شدند، این طوفان هفت شب و هشت روز ادامه یافت.^۱

حضرت صالح عليه السلام:

نسب حضرت صالح الصلی اللہ علیہ وسلم هم به سام بن نوح میرسد و به قوم ثمود مبعوث گردیده است، قرآنکریم آنها را به اصحاب حجر نامگذاری کرده است، سرزمین حجر بین حجاز و شام موقعیت دارد و گفته میشود که ثمود از بقایای قوم عاد میباشد. حضرت صالح الصلی اللہ علیہ وسلم پیامبر الهی و دارای دین سماوی است، زمانیکه او معتقدات دین الهی را به قومش بیان میکند آنها از وی طالب معجزه میشوند، این نبی کریم به امر الله جعفر ناقه (شتر) را از سنگ خارا و سخت بیرون میکشد و به آنها هوشدار میدهد تا شتر را اذیت نکرده و نوبت آبش را مراعات کنند، اما آنها بعد از گذشت مدتی اندامهای شتر را قطع و آنرا به هلاکت میرسانند تا اینکه الله جعفر آنرا به سه عذاب گوناگون یعنی صاعقه (تندر) صیحه (آواز شدید) و رجفه (زمین لرزه) به هلاکت رسانید.

حضرت لوط عليه السلام:

حضرت لوط الصلی اللہ علیہ وسلم برادر زاده حضرت ابراهیم الصلی اللہ علیہ وسلم بوده که نبی الهی و دارای دین سماوی است و برای قوم منحرف آنوقت که در شهر سدوم واقع در شرق اردن زندگی داشته، مبعوث گردیده است. قوم حضرت لوط الصلی اللہ علیہ وسلم به انحراف جنسی (جنس گرایی) معتاد بوده و در کیل و وزن اموال و اجناس نیز خیانت میکردنده، این نبی کریم اوامر و نواهی دین خود را به آنان بوجه احسن تبلیغ میکرد ولی آنها از عادات شوم جنس گرایی و قطع طریق و سایر منکرات انصراف ننموده و سخنان بر حق این پیامبر را نمی شنیدند تا اینکه الله جعفر فرشته هایی را موظف ساخت تا قوم حضرت لوط الصلی اللہ علیہ وسلم را سرنگون سازند، فرشتگان قبلًا حضرت لوط الصلی اللہ علیہ وسلم را در جریان گذاشته و

^۱. صابونی، محمد علی. تاریخ نبوت و انبیاء. ترجمه محمد ابرار فتحی غزنوی. پشاور: قصه خوانی، ۱۳۸۲ ش. ص: 259-262.

قومش را در جریان شب با لرزه شدید زمین سرنگون ساختند.

حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم^{الله علیہ السلام} پسر آزر و پیامبر اولوا العزم الہی است، او در بابل تولد شده و با ساره ازدواج نموده و بعد به شام سفر کرده و به پیامبری مبعوث گردید و دارای دین الہی است، او برای نمرود بن کوش و قومش به تبلیغ اوامر و نواہی الہی پرداخته و حجتهای بسیار قوی را در برابر این قوم بت پرست اقامه داشته است، داستان شکستاندن بت ها توسط این پیامبر خیلی مشهور است، قرآن کریم در مورد او به تفصیل صحبت نموده و از چگونگی افول ستاره گان، مهتاب و آفتاب ذکر کرده و هم از محاجات نمرود با وی در مورد الله ﷺ یادآوری نموده است، او در این محاجات نمرود را به شدت مبهوت ساخته و به شکست رو برو کرده است، حضرت ابراهیم^{الله علیہ السلام} از کیفیت احیای موتی از الله ﷺ طالب معلومات شده که در داستان (4) پرندۀ برایش نشان داده شده است، او به مشورۀ ساره که نازا بود با هاجر نام ازدواج کرده و در نتیجه این ازدواج حضرت اسماعیل^{الله علیہ السلام} پدر انبیا کرام عرب بدنی آمده است، چنانچه بعدها از بطن حضرت ساره حضرت اسحاق پدر پیامبران بنی اسرائیل متولد شده است، حضرت ابراهیم به امر الله ﷺ حضرت هاجر و حضرت اسماعیل را در دشت‌های سوزان مکة مکرمه رها کرده و اسماعیل^{الله علیہ السلام} در بین قبیله جرهم بزرگ میشود، زبان فصیح عربی را از آنها یاد گرفته و بایکدختر آن قبیله ازدواج میکند، حضرت ابراهیم^{الله علیہ السلام} آزمون بزرگ قربانی حضرت اسماعیل^{الله علیہ السلام} را موفقانه سپری میکند و به اتفاق هم کعبه شریفه را اعمار میکنند. دین این نبی کریم هم مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواہی و احکام الہی است که

^۱. طباره، عفیف عبد الفتاح. داستان پیامبران در قرآن. ترجمه ابوبکر حسن زاده. احسان، ۱۳۸۴ ش. ص:

228-221

جهت اصلاح عقاید و امور عملی قوم بت پرست وی توسط او تبلیغ شده است.

حضرت اسحاق علیه السلام:

حضرت اسحاق الکَلِيلُ پسر حضرت ابراهیم الکَلِيلُ است، او پیامبر الهی و دارای دین سماوی میباشد، او به مشوره پدر خود با رفقه دختر پسر کاکای خود ازدواج میکند و از وی دو فرزند بنام های العیص (عیسو) و یعقوب (اسرائیل) بدنیا می آیند. حضرت اسحاق به سن 180 سالگی وفات نموده و در شهر الخلیل پهلوی پدرسش دفن میگردد. دین وی بسان دین پدرسش دارای اصول و فروع منظم است.

2. ادیان سماوی بعداز حضرت یعقوب علیه السلام:

در این درس برخی از آن انبیای الهی را مختصرًا با ادیان مربوطه شان معرفی میکنیم که بعد از حضرت یعقوب الکَلِيلُ در قوم بنی اسرائیل مبعوث شده اند:

حضرت یعقوب علیه السلام:

حضرت یعقوب الکَلِيلُ پسر حضرت اسحاق الکَلِيلُ پسر حضرت ابراهیم الکَلِيلُ است، حضرت یعقوب الکَلِيلُ پدر قبائل (اسپاط) دوازده گانه بنی اسرائیل میباشد، او به لقب اسرائیل معروف بوده و تمام شعب این قوم به او منسوب میباشند. حضرت یعقوب الکَلِيلُ در فلسطین محل بود و باش کنعانیان متولد گردیده و تحت تربیت پدرسش بزرگ شده و به اساس مشوره مادرش رفقه که میدانست العیص برادرش با یعقوب الکَلِيلُ میانه ای خوب ندارد روانة سرزمین بابل گردید جایی که ماما وی در آن اقامت داشت.

حضرت یعقوب الکَلِيلُ در طول راه شب هنگام خواب دید که او دارای منزلت بزرگی میشود و اولاد زیاد میداشته باشد و این سرزمین به او تعلق میگیرد، وقتی بیدار شد احساس خوشی نموده و بعنوان نذر تصمیم گرفت در آینده اینجا معبدی آباد کند و سنگی را با روغن چرب کرد تا نشانی باشد برای اعمار (بیت ایل) و بعد این خانه را آباد نمود که همین بیت المقدس فعلی میباشد. او به منزل ماما خود رسید و بعد

از مدتی دو دختر مامای خود را بنامهای «لیئه و راحیل» به ازدواج گرفت که البته در شریعت حضرت یعقوب‌العلیه‌الصلوٰت گرفتن دو خواهر در یک وقت جایز بود. مامای وی به هر دختر خود یک یک‌نیز را نیز بعنوان تحفه داد، از لیئه شش فرزند و از راحیل دو فرزند و از هر کنیز هم دو دو فرزند متولد گردیدند، در آینده دوازده پسر حضرت یعقوب دوازده قبیله بنی اسرائیل را تشکیل دادند. حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت ام و بنیامین از راحیل متولد شده و حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت در خواب دید که یازده ستاره، آفتاب و مهتاب برای وی سجده می‌کنند. برادران حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت بر او خیلی حسود بودند، حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت در اثر خیانت برادران به مصر منتقل شد و در آنجا صاحب قدرت و منزلت بزرگی گردید و بالاخره والدین و برادران به او محتاج شده و همه آنها به مصر نقل مکان کردند و روایی حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت جامه عمل پوشید. حضرت یعقوب‌العلیه‌الصلوٰت به سن ۱۴۷ سالگی فوت نموده و به اساس وصیت او از طرف حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت به شهر الخلیل انتقال و پهلوی پدر خود اسحاق‌العلیه‌الصلوٰت دفن گردید. حضرت یعقوب پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی می‌باشد. دین و شریعت وی هم مانند سایر ادیان و شرایع سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است.

حضرت یوسف علیه السلام:

حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت در نتیجه خیانت برادران به چاه انداخته شد و از طریق کاروانی که از آن مسیر می‌گذشت به مصر برده شده و در بازار مصر وی را در مقابل پول اندکی بالای عزیز مصر که «قطفیر» نام داشت بفروش رسانیدند. حضرت یوسف‌العلیه‌الصلوٰت در خانه عزیز مصر به سن جوانی رسید، چون چهره زیبا و دلکش داشت مورد سوء قصد خانم عزیز (زلیخا) قرار گرفت ولی او به توفیق الهی با ممتاز تمام این سوء قصد را ناکام ساخت، عزیز مصر برای اعاده آبروی خود حضرت را

روانه زندان نمود، او سالهای زیادی در زندان باقی ماند تا اینکه اتهام مرتبط به وی مورد تحقیق قرار گرفته و به همه بی گناهی اش ثابت گردید و بمنظور تلافی وی را مسئول امور مالی و زراعتی مصر مقرر نمودند، او مقام و منزلت بزرگی را کسب کرده و برادران جفاکارش محتاج وی گردیدند. داستان حضرت یوسف^{علیه السلام} به تفصیل در سوره مبارکة «یوسف» ذکر شده و به آن مراجعه صورت گیرد، حضرت

یوسف^{علیه السلام} پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی میباشد. او به سن 110 سالگی در حالیکه حکمران مصر بود وفات کرده و در آنجا دفن گردید و 64 سال بعد از وفات وی حضرت موسی^{علیه السلام} در مصر متولد شد^۱. دین او نیز دارای اصول و فروع منظم است که وی به تبلیغ آن مکلف شده است.

حضرت شعیب علیه السلام

نسب حضرت شعیب^{علیه السلام} به حضرت ابراهیم^{علیه السلام} میرسد، مادرش دختر حضرت لوط^{علیه السلام} میباشد، الله^{عزیز} وی را بطرف مردم مدین مبعوث ساخته که بنام «اصحاب ایکه» نیز یاد میشوند، ایکه بمعنى زمین همواره بوده که در آن زراعت و باudاری خوب صورت میگرفت، مدین در جنوب فلسطین موقعیت داشته و از مصر تا مدین هشت شبانه روز منزل وجود دارد، مدین نام جداولی مردم آن سرزمین میباشد.

مردم مدین ابتداء به دین حضرت ابراهیم^{علیه السلام} بودند، زمانیکه آنها این دین را ترک کرده انحراف را به پیش گرفتند الله^{عزیز} حضرت شعیب^{علیه السلام} را به جانب آنان مبعوث ساخت، مردم مدین در پیمانه و ترازو خیانت کرده و مرتكب منكرات زیادی میشندند، حضرت شعیب^{علیه السلام} آنها را به عقيدة راسخ توحیدی دعوت کرده، اوامر و نواهی الهی را برایشان توضیح مینمود، مردم مدین به حضرت و پیروانش اخطار کردند در صورتی که از دین خود بر نگردند آنرا از قریه و شهر بیرون خواهند

^۱. صابونی، محمد علی. تاریخ نبوت و انبیاء ترجمه محمد ابرار فتحی غزنوی. پشاور: قصه خوانی ۱۳۸۲ ش. ص: 305-288.

نمود، آنها گفتند که اگر حضرت شعیب ﷺ میتواند پس یک قسمتی از آسمان را برسر آنها ساقط سازد، الله ﷺ در اثر این تقاضای آنها عذاب «یوم الظله» را بر آنها نازل ساخت، هفت روز حرارت شدیدی آنها را فرا گرفت تاحدی که آبهایشان بجوش آمد و بعد یک قطعه ابر غلیظی ایجاد گردید و همه زیر سایه آن استاد شده و الله ﷺ بالای آنها آتش را مسلط و همه ایشان را هلاک ساخت، حضرت شعیب ﷺ پس از این مدتی حیات بسر برده و بعداً فوت نمود.

حضرت ایوب علیه السلام:

نسب حضرت ایوب به حضرت اسحاق رسیده و مادرش دختر حضرت لوط ﷺ میباشد، او دارای فرزندان زیاد، ثروت، زمینهای زراعتی و باغهای فراوان بود، الله ﷺ وی را در داشتن نعمت زیاد مورد ابتلاء و آزمایش قرار داده و او با داشتن این همه دارایی تمام اوامر الهی را بجای مینمود و در عبادت خدای واحد مشغول بود، بعد الله ﷺ خواست حضرت ایوب ﷺ را به بی اولادی، فقر، نداری و مرض نیز تحت آزمایش قرار دهد، مریضی سختی بر او عاید شده همه فرزندان و ثروت خود را از دست داد، خانم وی (رحمه) در هر دو دوره با وی همکار و همدمت بوده اما در اخیر مریضی حضرت ایوب ﷺ از سوی شیطان وسوسه ای به او ایجاد گردید و حضرت ایوب کمی از او ناراضی شد، به امر الله ﷺ صحت، فرزندان و دارایی دوباره به حضرت ایوب ﷺ داده شد، برخی تفاسیر در مورد حضرت ایوب ﷺ یک سلسله اسرائیلیات را نیز نقل نموده که در این زمینه گرفتن جانب احتیاط امر ضروری میباشد، بطور نمونه گفته شده که مریضی وی آنقدر وخیم شد که هر هم نشین از او نفرت کرده و دوری اختیار مینمود، جسدش متغیر گردید و کرمها از بدنش بیرون میآمدند، وابستگان وی او را به بیرون از شهر کشیده و در محل زباله انداختند. این چنین سخنان دور از وجود و شخصیت این نبی کریم بوده و او هیچگاه

مصاب به این چنین مرض نفرت آور نگردیده است، درست است که او به مرض طبیعی گرفتار شده بود و از الله ﷺ خواست تا وی را از ضرر و مرضی که عاید حالت گردیده نجات دهد و دعایش مستجاب شد و دوباره صاحب صحت، اهل و فرزندان گردید و این ابتلاء ذکر و پندی شد برای عبادت کنندگان. حضرت ایوب عليه السلام هم دارای دین و شریعت الهی است، دین و شریعت وی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است که این نبی صبور به تبلیغ آن موظف گردیده بود.

حضرت ذوالکفل علیه السلام:

حضرت ذوالکفل پسر حضرت ایوب عليه السلام است و بنام «بشر» یاد میشود، چون او عهده دار اجرای برخی عبادات و طاعات الهی بود و بخوبی آنرا انجام داد پس الله ﷺ وی را به ذوالکفل مسمی ساخت، محل بود و باش وی شام است و برخی او را نبی ندانسته و از جمله صالحین بنی اسرائیل میشمارند اما ابن کثیر نبوت وی را تایید کرده است. و این ذوالکفل غیر از آن ذالکفی است که در حدیث امام ترمذی و امام احمد علیهم الرحمۃ ذکر شده است^۱.

۳. دین یهودیت:

قبل از اینکه راجع به حضرت موسی علیه السلام و دین وی معلومات ارائه کنیم خوب خواهد بود تا در مورد یهودیت و خلفیه تاریخی آن سطوری چندی ذیلا تحریر شود:

در سر زمین فلسطین که همواره سر زمین جنگها و کشمکش‌ها نامیده شده است در روزگاری از روزگاران اقوام بومی زندگی میکردند آنها عقاید خاصی دینی

^۱. طباره، عفیف عبد الفتاح دانشنامه اسلام در قرآن ترجمه ابوبکر حسن زاده. احسان ۱۳۸۴ ش. ص: 305-327

داشته و ارباب قبایل خود را عبادت میکردند

در این زمان که قرن 14 پیش از میلاد تخمین شده است یهودیان در دشت های عربستان با پیشه رمه داری و شکار حیوانات بطور کوچی وار زندگی میکردند. یهودیان این زمان هم دارای عقاید دینی خاصی بوده که در بین آنها معتقدات دین نفسانی بیشتر بر جستگی داشته است آنها عقیده داشتند که کوهها (خصوصاً کوه های آتش فشان) برخی درختان و چشمه های آب دارای ارواح و نفوس میباشد.

از نظر آنها مردگان نباید فراموش شوند چه در صورت فراموشی ، آنها در صدد انتقام گیری از زندگان میشوند و باید به همراه ایشان الات جنگی ، نوشیدنیها و خوردنیها نیز مدفون گردد، چه آنها عقیده داشتند که مردگان پس از مرگ در جایی بنام (شه ئول) بسر میبرند و به سان زندگان دارای قدرت و دانایی میباشند و به الوهیم (نفس) مبدل میگردند.

علاوه از آن در بین آنها عبادت نیاکان و بزرگ مردان قوم شان نیز وجود داشته است. چنانچه برخی از معتقدات دین توتمیسم در بین آنها وجود داشته و نمونه های آن حتی بعد از ظهور حضرت موسی (ع) نیز دیده شده مثیلکه قرآن کریم از پرستش گوسله توسط آنها حکایت کرده است.

در بین یهودیان این زمان به زن و مادر اهمیت زیاد داده میشد و فرزندان نیز به مادران تعلق داشته و به آنها منسوب میشدند ، گذاشتن نامها که معمولاً از نامهای برخی حیوانات و پرندگان انتخاب میگردید نیز از حقوق مادران بحساب میرفت² سحر و کهانت نیز در اقوام ابتدایی یهود به کثرت و وفرت دیده میشود

1- سید الطنطاوی . بنواسرائیل فی القرآن وللبيق. الجزء الثاني (القاهرة : دار حرا ، 1969) ص: 137-139.

1- هاشم رضی . همان اثر. ص : 341-342.

اما زمانیکه در قرن 14 پیش از میلاد یهودیان بادیه نشین به سرزمین فلسطین رهسپار شده و در آنجا متوطن گشتند علاوه از معتقدات قبلی خود برخی از معتقدات اقوام بومی ساکن فلسطین را نیز در نظام دینی خود راه داده و برخی از آنرا مورد تردید قرار دادند.

در بین اقوام بومی به پدر و مادر احترامی وجود نداشته و اولین کودکان خانواده های خویش را هشت روز بعد از تولد بنام ارباب انواع و نفوس پاک قربانی میکردند که یهودیان بجای کودکان از حیوانات استفاده نمودند و همینطور در اساس گذاری تعمیرات جدید ، انسان را ذبح میکردند و مردگان خود را میسوزانیدند قبل از اینکه یهودیان کوچی به سر زمین فلسطین برسند احکام ده گانه خداوندی (تورات) بر حضرت موسی کلیم الله نازل و یهودیان توسط پیامبر الهی به دین برحق سماوی دعوت میشوند.

در این احکام الهی یهودیان به احتراز از قتل ، زنا ، سرقت ، شهادت زور ، طمع و حرص دعوت شده اند و همچنان در این احکام ده گانه مردم به عبادت (خدای واحد و لاشریک) دعوت و روز شنبه روز استراحت خوانده شده که نباید در آن کاری انجام شود چه الله جل جلاله در شش روز هفته کار افرینش جهان هستی را به پایان رسانیده و به روز شنبه از آن فراغت حاصل نموده است.

احکام ده گانه حضرت موسی (ع)(سال تخریبی تولد 1527 قبل از میلاد) با تغییرات و تحریفاتی که بر آن علاوه شده بنام پیمان قدیم یاد میشود و در جریان کشمکش های فراوانیکه زندگی یهود با آن رویرو بود تفسیر های محرفة متفاوتی از متون دینی یهودیان بمیان آمده که مجموعه آنرا بنام شریعت مکرر (میش نا) و بعداً بنام شریعت بدست آمده (گمارا) یاد کرده اند.

2- فلیسین شاله. همان اثر. ص: 289

این مجموعه تفاسیر دین یهودیان بعداً در سال 150 قبل از میلاد برای یهودیان مصری که با زبان عبرانی اشنایی نداشته ترجمه شده است در جریان قرن اول میلادی کتاب (پیمان قدیم) یهودیان مشتمل بر پنج قسمت میباشد که به اسفار خمسه شهرت داشته است.

سفر اول آن حاوی داستان افرینش تاجاگزین شدن یهودیان در مصر میباشد.

سفر دوم برآمدن یهودیان از مصر را دربرداشته است.

سفر سوم شامل اوامر و نواهي دینی است.

سفر چهارم از قدرت مادي یهودیان صحبت میکند.

و سفر پنجم شامل یك پایان نامه و بررسی عمومی مطالب اسفار چهارگانه است. و برخی از یهودیان کتاب حضرت موسی (ع) را دارای 39 سفر میدانند که به سه قسم تقسیم شده و تنها قسمت اول آن دارای پنج سفر فوق الذکر میباشد.

بر کتاب(پیمان قدیم) یهودیان کتب دیگری علاوه گردید و طی قرن اول تا پنجم میلادی این تعلیقات در اوریشلیم و بابل صورت گرفت و مجموعه ایکه در اوریشلیم از کتاب پیمان قدیم ساخته شد بنام تالمود اوریشلیمی و مجموعه ایکه در بابل از آن ساخته شده بنام تالمود بابلی مسمی گردید.^۱

و برخی جامعه شناسان را عقیده بر آنست که (پیمان جدید) بر (پیمان قدیم) یهودیان علاوه گردید و متن دینی مسیحیان را آماده ساخت به این معنی که دین حضرت مسیح علیه السلام در حقیقت مکمل دین حضرت موسی علیه السلام است.

یهودیان از ادوار قبل از بعثت حضرت موسی (ع) به خدای (یهوه) (ذاتیکه

-1- احمد سوسه. العرب واليهود في التاريخ دمشق : العربي للاعلام والنشر والطباعة. ص:173 . 174

موجود است) عقیده مند بوده اما این خدا در انحصار تنها قوم یهود قرار داشت ، آنها عقیده داشتند که خدای (یهوه) یگانه معبود یهودیان است و کس دیگری حق ندارد آنرا پرستش کند چنانکه فرد یهودی حق نداشته خدای دیگران را اطاعت و عبادت کند

ولی این انحصار توسط حضرت مسیح علیه السلام در هم شکست و خدای (یهوه) از انحصار یهودیان برآمده و آنرا الله، معبود و خالق همه کائنات دانست

یهودیان قبل از حضرت موسی (ع) راجع به روز رستاخیز عقاید مشخصی نداشته بلکه بوجود (شه نول) که شباهت زیادی با (آرالو)ی بابلیان داشته معتقد بوده و می گفتند که مردگان در آنجا بسر میبرند و ثواب و عقاب برای آنها در آنجا در نظر گرفته شده است و اگر ثوابی هم وجود داشته باشد محدود به قوم یهود خواهد بود.²

بعد از بعثت حضرت موسی (ع) که دین یهودیان را نظم خاصی بخشید این دین کماکان برخی از معتقدات نا مناسبی را بخود گرفته و یهودیان در دین حضرت موسی (ع) دست به تحریف و تغییر زدند.³

گرچه پیشوایان دیگری نیز بعد از حضرت موسی در دین یهودیان ظهور کردند و برنامه اعتقادی و عملی آنها را انتظام بخشیده که از جمله میتوان از عاموس (قرن 8 قبل از میلاد) نام برد ، او یهودیان را بوحدانیت، عدم انحصار(یهوه) در بین یهودیان ، نیکو کاری و عدالت پروری دعوت نمود و از بدی و بیداد گری بر حذر داشت.

1 - عباس محمود عقاد. خدا. ترجمه . محمد علی خلیلی . تهران : چاپ اقبل 1328 هـ ش ص: 335-332

2 - الطنطاوى . بنواسرائیل فی القرآن وللسق . الجزء الثانی . الفاہرۃ : دارحراء 1969 . ص: 234-235

3 - سید الطنطاوى . همان اثر . ص: 13 .

یهودیان در عصر روز جمعه به معابد میروند و تا رسیدن شب شنبه در آنجا مصروف خواندن اوراد و اذکار دینی میشوند و در روز شنبه به هیچ کاری دست نمی زند.

4. زندگی حضرت موسی علیه السلام:

حکایاتیکه از زندگی و نبوت حضرت موسی کلیم الله وجود دارد نشان میدهد که او دارای زندگی و سرگذشت جالبی است که ذیلاً به اختصار ذکر میگردد

برخی از بنی اسرایل در مصر زندگی داشته و در آنجا پادشاهی زمام حکومت داری را گرفت و ترسیکه از بنی اسرایل و غلبه شان داشت به قوم خود امر نمود تا اطفال نوزاد آنها را که پسر باشند به قتل برسانند و دختران را زنده بگذارند، این پادشاه (فرعون) معروف است که در قرآن کریم نیز ذکری از آن بعمل آمده است.

پدر و مادر لاوی (نام قبیله است) فرزندي را بدنیا آورده و بعد از چند روز نگهداری آنرا در تابوت نیها قرار داده و به دریای نیل انداخت و از آن مراقبت و تعقیب نمود تا اینکه تابوت فرزند بدست وابسته گان فرعون که مصروف غسل کردن در دریا بودند افتید و چون طفل را بسیار شاداب یافت آنرا به خانم فرعون برداشت او که با دیدن طفل خوش شده بود امر کرد تا دایه یی پیدا شود که به او شیر دهد، همان بود که مادر فرزند آمده این کار شد و طفل را در دربار فرعون پرورش داد و چون از دریا یافته بود نامش را (موسی) گذاشتند وقتیکه موسی جوان شد روزی یک قبطی (مصری) را که مصروف منازعه با یک بنی اسراییلی بود با یک سیلی زد و در اثر آن قبطی به قتل رسید ، فرعون چون امر قتل حضرت موسی علیه السلام را صادر کرد حضرت موسی علیه السلام از آنجا هجرت نمود و از دریای احمر بگذشت ووارد سرزمین (مدين) شده تا اینکه به خانه تیرون (شعیب (ع)) رسید و با دختر وی صفوره ازدواج کرد. موسی علیه السلام که به چوپانی حضرت شعیب

علیه السلام مشغول بود در کوه طور (جبل الله) به پیامبری مبعوث و کتاب منزل تورات بر او فرستاده شد که داستان آن در قرآن کریم نیز مذکور است

حضرت موسی علیه السلام به امر خداوند جل جلاله دوباره به مصر فرعون رفت تا پیام خداوندی را به قوم خود بنی اسرایل برساند و آنها را از آن سرزمین خارج ساخته و از شر فرعون نجات دهد. تورات به لوحه های سنگی منقوش گردیده بود و بعد ها آنرا تغییرداده و تورات فعلی را ساخته اند که شکل تحریف شده (تورات) کتاب منزل الهی است

حضرت موسی علیه السلام با فرعون گفتگو کرده و در مورد بیرون کشیدن بنی اسرایل از مصر فرعون نیز با او صحبت نموده ولی فرعون موافقت نمیکند تا اینکه حضرت موسی علیه السلام امر به مهاجرت بنی اسرایل نموده و قوم خود را از دریا عبور میدهد و فرعون با قومش که در تعقیب حضرت موسی علیه السلام برآمده است در دریا غرق میشود و تعدادی از بنی اسرایل به این فکر میشوند که خدای ما (یهوه) در آنسوی کوه طور جدا از ما مانده و ما از او فاصله گرفته ایم ولی این شببه توسط حضرت موسی علیه السلام که خداوند جل جلاله را حاضر و ناظر در همه جا میدانست حل و فصل گردید، بنی اسرایل معبد و خیمه یی برای عبادت اماده ساختند تا خدای خود را در آن عبادت کنند، در آن معبد لوحه های سنگی تورات نیز نگهداری میشدند. حضرت موسی علیه السلام با قومش به محل موعود (موآب) میرسد و بر سر کوه بالا رفته و به سرزمین های موعود مینگرد و خداوند جل جلاله به او می فرماید :

این است سر زمین های موعود که برای ابراهیم ، اسحاق و یعقوب علیهم السلام سوگند نمودم که قوم بنی اسرایل را در آن جابجا سازم.

حضرت موسی علیه السلام در دشت تیه وفات یافت و به خاک سپرده شد ولی مقبره

او به کسی معلوم نمیباشد صرف دریک حدیث شریف آمده است که حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم از محل ونشانی های مقبره حضرت موسی علیه السلام سخن گفته اند، و بنی اسرایل سی روز تمام برای او غمداری کردند^۱

5. دین حضرت موسی علیه السلام:

اگر میخواهیم راجع به دین و شریعت یک پیامبر الهی که دارای کتاب سماوی است معلومات حاصل کنیم یگانه مرجع مطمئن شناخت آن همان کتاب سماوی وی میباشد. کتاب تورات کتاب الهی است که بر حضرت موسی اللَّٰهُمَّ نازل شده و مامسلمانان مکلف به ایمان آوردن به آن میباشیم ولی باید متوجه بود که کتاب تورات بعذار رحلت حضرت موسی اللَّٰهُمَّ بدست کاهنان یهود افتاده و تحریفات و تغییرات زیادی از طرف آنها در آن وارد شده و کتابی که فعلاً بنام تورات (عهد عتیق) به اختیار ما قرار دارد کتاب اصلی تورات نمیباشد بلکه کتابی است محرف و مسخ شده توسط کاهنان یهودی. واز طرف دیگر با نزول قرآنکریم تمام کتب سماوی گذشته منسوخ گردیده و از اعتبار ساقط میباشد. بنابر آن برای شناخت دین و شریعت حضرت موسی اللَّٰهُمَّ مدارک دینی خود ما یک مرجع مطمئن میباشد، و دیگر اینکه یک دین الهی و سماوی باید دارای چه اصول و فروعی باشد، بطور خلاصه دین و شریعت حضرت موسی اللَّٰهُمَّ دارا و حاوی بخشهای ذیل بود:

اعتقاد بوجود الله اللَّٰهُمَّ واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سمیع، بصیر، لامکان، لازمان و مبرا از هر نوع صفات مخلوقات و حوادث.

اعتقاد بوجود و حقانیت پیامبران الهی و تأکید بر عصمت آنها.
اعتقاد بوجود فرشتگان، شیاطین و جن.

^۱ - محمد سید الطنطاوی. همان اثر. ص136-140.

اعتقاد به وجود صحائف و کتب سماوی.

اعتقاد به مخلوقیت و حدوث عالم.

اعتقاد به قضاء و قدر الهی و اندازه خیر و شر از جانب الله.

اعتقاد به روز قیامت.

اعتقاد به زنده شدن بعد از مرگ.

اعتقاد به وجود عدل الهی و محاکمه انسانها توأم با عدل و فضل الهی.

اعتقاد به وجود قلم و لوح.

اعتقاد به وجود عرش و کرسی. و اعتقاد داشتن به تمام آنچه که در دین مقدس اسلام از اصول دین بشمار رفته و یک مومن باید به آن معتقد باشد.

موجودیت یک سلسله عبادات.

موجودیت اصول احوال شخصیه.

موجودیت نظام خاص ذبائح و سایر نظمات شرعی.

6. برخی اعتقادیات یهودیت کنونی:

اگر بتاریخ یهودیان مراجعه صورت گیرد به وضاحت فهمیده میشود که این قوم سرکش همیشه بسوی شرک، تجسیم و نفع جویی تمایل داشته و روی این انحراف عقیده وی آنها است که الله پیامبران زیادی را به آنان مبعوث ساخته است. آنها بعد از بیرون شدن از مصر گوسلة سامری را پرستش کرده و هم مار بزرگی را مورد عبادت قرارداده اند. یهوه نام خدای آنان است ولی یهوه از نظر آنها همیشه خطا کار است، به دزدی امر میکند، متعصب و بی رحم است، یهوه از نظر آنها تنها خدای بنی اسرائیل است و با دیگران دشمنی دارد.

یهودیان حضرت اسحاق الله را ذبیح الله میگویند در حالیکه ذبیح الله اصلا حضرت اسماعیل الله میباشد.

یهودیان با فکر مادی ایکه دارند علاقه چندان به اعتقاد به روز قیامت، ثواب و عقاب اخروی ندارند و در دین یهودیت کنونی هم اشاره های سطحی به این موضوعات صورت گرفته است. از نظر انها ثواب و عقاب در این دنیا داده می شود. ثواب یعنی پیروزی در این دنیا، و عقاب یعنی ناکامی، بردگی و ذلت در این دنیا.

از نظر انها یهودیان مقدس اند و غیر یهودیان ناپاک اند و مانند حیوانات و از جمله سگها و خوک هایی اند که هر نوع خیانت در برابر ایشان سبب اجر و تقرب نزد خداوند می گردد.

از نظر یهودیان حضرت عیسی^ع بشکل نامشروع از مادرش به دنیا آمده است. از نظر انها دین یهودیت مخصوص تنها یهودیان است و کس دیگری به ان پیوسته نمی تواند.

روز سبت (شنبه) نزد یهودیان روز پاک است و کار کردن در ان روز جائز نمی باشد. زیارت بیت المقدس در سالی دو مرتبه بالای هر مرد بالغ یهودی حتمی و ضروری می باشد. نوشدن هر ماه توسط یهودیان با نواختن نی و برافروختن اتش تجلیل می گردد. یهودیان روز های خروج شان از مصر را جشن می گیرند و این جشن از شب چهارده اپریل شروع و تا شب بیست و یک اپریل ادامه می یابد و در این روزها صرف نان فطیر می خورند.

یهودیان کنونی هیچ رابطه نسبی با عبری های قدیم اسراییلی که از نسل حضرت ابراهیم^ع بودند ندارند بلکه از اقوام دیگری اند که به یهودیت روی اورده اند و عبری های اصیل بنی اسراییلی از یهودیان طبقه پائین اسرائیل کنونی محسوب می شوند^۱.

^۱. جهنى، مانع بن حماد. شناخت اديان و مذاهب جهان. ترجمه م. ط عطايي. پشاور: دانش، 1386 ش. ص:

. 558-551

7. معرفی تورات فعلی (عهد عتیق):

عهد عتیق بدو بخش تورات، و اسفرار انبیاء تقسیم شده، اسفرار انبیاء مربوط به انبیاء قدیم و متاخر بنی اسرائیل میباشد.

کتاب تورات فعلی چنانچه قبلًا یاد شدیم کتاب اصلی تورات نیست بلکه جزو های زیادی برآن علاوه شده و بخش های دیگری از آن کم گردیده است. این تورات دارای اسفرار پنجگانه ذیل بوده که توسط قرآن کریم منسوخ گردیده است:

سفر یا کتاب تکوین: در این سفر داستان خلقت جهان و حضرت آدم الله عليه السلام آورده شده، هبوط او به زمین و قصه هابیل و قابیل، داستان حضرت ابراهیم الله عليه السلام، حضرت اسحاق الله عليه السلام، حضرت یعقوب الله عليه السلام و به تفصیل داستان حضرت یوسف الله عليه السلام ذکر شده است، داستان رفتن فرزندان حضرت یعقوب الله عليه السلام به مصر و مکان آنان در آنجا تا وفات حضرت یوسف الله عليه السلام بیان گردیده است.

سفر یا کتاب خروج: در این سفر داستان زندگی بنی اسرائیل در مصر از زمان حضرت یوسف الله عليه السلام تا وقت خروج شان از مصر به تفصیل شرح شده و هم از حالت مذهبی و سیاسی فرعون، غلامی بنی اسرائیل و ظهور حضرت موسی الله عليه السلام ذکری بعمل آمده است.

سفر یا کتاب درویشان: در این سفر از قوانین، احکام و وصیتهای بنی اسرائیل یاد آوری شده و هم از کفارات گناهان، تفصیل چیزهای حرام، رسمهای غم و خوشی (مثل ازدواج) تفصیل نیکیها، پاکی ها و طهارات و از سائر رهنماهیهای دینی صحبت شده است.

سفر یا کتاب اعداد: در این سفر به تفصیل تعداد اسباط و قبائل بنی اسرائیل و تعداد نفر های هر قبیله ذکر شده، از عادات و نقالید بنی اسرائیل که در دشت سینا (تیه) از خود اظهار داشته و هم از رواجهاهای دینی آنها سخن بمیان آمده است.

سفر یا کتاب تثنیه: در این سفر مرور دوباره بر رهنمایی های بنی اسرائیل صورت گرفته و در مورد نوشیدنیها و خوردنیها بار ثانی ذکر بعمل آمده و هم از ده حکم و فرمان به یک اسلوب خاصی یاد آوری شده است.

تورات فعلی با اسفار پنجگانه آن از مأخذ ذیل متاثر میباشد:
داستانها و روایات نسلهای متعدد یهودی.
فیصله نامه ها و قطع نامه های مجالس مختلف یهودیان.
داستانها و روایات عربهای جزیره العرب.
افکار و عقاید مصریان قدیم.
افکار و عقاید بابلیان قدیم.
ضوابط و قوانین حمورابی.

یهودیان تنها به تورات (عهد قدیم) بعنوان کتاب سماوی معتقد اند، انجیل (عهد جدید) و قرآنکریم را بحیث کتب سماوی نمی دانند. مسیحیان تورات و انجیل هردو را بحیث کتب سماوی میشناسند ولی قرآنکریم را بحیث کتاب سماوی نمی شناسند.

8. زندگی حضرت عیسیٰ علیه السلام:

معرفی زندگی حضرت عیسیٰ علیه السلام ارتباط نزدیک با معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام دارد، ما ناگزیریم زندگی حضرت عیسیٰ علیه السلام را در ضمن معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام به معرفی بگیریم:

^۱ شاهد، ایس. ایم. دنیوں مذہبیوں نے او دادیانو پر تله ژباره جمال الدین عرفان بھروس: دانش خپرونو یونه، ۱۳۸۶ ش. ص: 325-323

حضرت مریم علیها السلام دختر عمران یکی از روحانیون دینی بنی اسرائیل میباشد، مادر مریم نذر کرده بود که اگر در خانه وی بچه متولد شود او را به خدمت معبد میگمارد، زمانیکه طلف تولد شد دختر بود و نامش را مریم گذاشتند، هنوز مریم طلف خورد سالی بود که پدرش عمران وفات کرد، مادرش طبق وعده مریم را به معبد برده و تسلیم کاهنان آن نمود، خادمان معبد میدانستند مریم دختر یکی از روحانیون متنفذ است که دیگر در بین شان نیست پس هر کس کوشش نمود تا سر پرستی او را به عهده گیرد، حضرت زکریا العلیہ السلام که هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود نیز خواهان سرپرستی وی شد، زیرا او شوهر خالة مریم و یا هم بقولی شوهر خواهر مریم میباشد، در نتیجه به قرعه کشی موافقه صورت گرفته و قرعه حضرت زکریا العلیہ السلام را مستحق سرپرستی وی دانست، زکریا العلیہ السلام در یک قسمتی از معبد جای مناسبی را برای مریم درست نموده و از او پیوسته مراقبت میکرد، زکریا العلیہ السلام واقعات جالبی را نزد مریم مشاهده مینمود، بطور مثال نزد وی میوه هایی را میدید که در بازار پیدا نمیشد یعنی میوه های موسمی و فصلی نبود.

حضرت مریم علیها السلام همیشه مصروف عبادت اللهم بک بوده و در یک محیط پاک و بی خطر زندگی خود را به پیش میرد، فرشته ها نزد او آمده و او را مطلع میساختند که او یک انسان برگزیده است و از او طفیل تولد خواهد شد که دارای مقام بلند و رفیع میباشد و در طفولیت با مردم سخن خواهد گفت. و قتی حضرت مریم به سن 13 سالگی رسید در یکی از روزها از معبد بیرون رفته و حضرت جبرائیل العلیہ السلام به نزدیکش ظاهر شد و به گربیان وی نفح روح نمود، حضرت مریم علیها السلام حامله شد و نظر به اختلاف اقوال مدت حملش 9 ساعت، یا هجده ماه، و یا مدت معمولی و طبیعی مثل مدت حمل سایر زنان بود، زمانی که آثار درد وضع حمل بر وجودش آشکار گردید او در بیت اللحم به نزدیک یک درخت خرمای خشکیده پناه برده و حضرت عیسی العلیہ السلام از یک دختر باکره متولد شد، درخت خرمای خشکیده

ثمر به بار آورد و با تکان دادن تنہ درخت خرمای تازه از آن ریخت و از آن تناول کرد و از آبی که در آنجا جاری شد، نوشید، او طفل خود را برداشت و بسوی قوم خود در حرکت شد، ملاقات وی با زنان و مردان قومش صحنه جالبی است در زندگی این زن عفیفه و نیکوکار.

به حضرت مریم علیها السلام الهام شد که روزه سکوت بدhen داشته باشد و معتبرضین را به طفل خود رهنمایی کند تا به او سخن گویند، طفل به سخن آمد و گفت: من بندۀ اللّه ﷺ ام، مرا اللّه ﷺ کتاب و برکت داده هر جایی که باشم، و حکم فرموده است مرا به نماز و زکات مدامی که زنده باشیم.

حضرت عیسیٰصلی الله علیه و آله و سلم در آغوش مادرش در یک محل بلند دور از بیت اللحم پرورش و تربیت یافت. در این زمان هیرودوس حاکم فلسطین است که از امپراتوری روم غربی اداره میشود، برخی کاهنان به هیرودوس خبر دادند که طفلي به دنیا آمده که در آینده بر همه یهودیان حکومت خواهد نمود و بنابر صراحت انجیل متی و برنا با هیرودوس دستور داد تا تمام اطفالی که در بیت اللحم بدنیا می‌آیند به قتل برسانند، حضرت مریم علیها السلام طفل را با خود به مصر منتقل ساخت و تا زمان فوت هیرودوس آنها در مصر باقی مانده و بعد از آن دوباره به وطن اصلی خود بازگشت نمودند، حضرت عیسیٰصلی الله علیه و آله و سلم در این وقت هفت ساله بود و در ناحیة الخلیل در محلی بنام «ناصره» مسکن گزین شدند، زمانیکه به سن دوازده سالگی رسید در طول راه بیت المقدس از نزد مادرش ناپدید شد، مادرش بسوی ناصره برگشت ولی او را در آنجا نیافت بعد دوباره به بیت المقدس آمد و سه روز گذشته بود که وی را درین مجموعه ای از علماء دید که با ایشان راجع به شریعت بحث میکند..

¹. صابونی، محمد علی. تاریخ نبوت و انبیاء ترجمه محمد ابرار فتحی غزنوی. پیشاور: قصه خوانی 1382 ش. ص: 215-228.

حضرت عیسیٰ بر خلاف سایر پیامبران به سن 30 سالگی به پیامبری مبعوث شد، او به تبلیغ دین خود در بین یهودیانی که انحرافات زیادی سراسر زندگی ایشان را فرا گرفته بود، پرداخت، یهودیان برای مدت مدیدی از دعوت و ارسال پیامبران محروم مانده بودند و دین حضرت موسیٰ را نیز فراموش کرده و عادات و رواج‌های خرافی را دنبال مینمودند، حضرت عیسیٰ از طرف الله مامور شد تا تحریفهایی که یهودیان در دین حضرت موسیٰ بوجود آورده اصلاح کند و دین و شریعت جدید خود را به آنان ابلاغ نماید ولی این نبی کریم از سوی یهودیان با خشونت تمام مورد تردید و اذیت قرار گرفت تا این حد که همه علماء و کاهنان یهودیت با هم جمع شده تا از تبلیغ وی جلوگیری کنند و زمینه‌های قتل او را مساعد سازند. آنها به حاکم رومی که در فلسطین حکومت میکرد و نامش «بیلاطس التبّطی» بود شکایت کردند، و ظاهراً چنین عنوان نمودند که گویا حضرت عیسیٰ میخواهد حکومت را سرنگون و بر یهودیان حکومت کند. حاکم رومی تصمیم گرفت تا وی را دستگیر و به دار آویزان کند. حضرت عیسیٰ از این تصمیم حاکم مطلع گردید و خود را پنهان کرد، حضرت عیسیٰ با حواریون خود که 12 نفر بودند جلسه دایر نمود بعد از جلسه یکی از حواریون بنام «یهودا الا سخر یوطی» که شخص خاین و منافق بود محل پنهانی حضرت عیسیٰ را به عمال حاکم رومی نشان داد، پولیس حکومت به آن محل آمده و در آنجا به امر الله پاک چهره یهودا به چهره حضرت عیسیٰ مبدل گشت و آنها یهودا را بنام حضرت عیسیٰ با خود برندند، هر قدر یهودا فریاد کرد که من عیسیٰ نبوده بلکه یهودا میباشم کسی سخن او را نشنید یهودا را صلیب کرده و الله حضرت عیسیٰ را نزد خود رفع نمود، قرآن کریم در این مورد چنین صراحةً دارد : « وَبِكُفْرِهِمْ

وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرِيمَ بُهْتَنًا عَظِيْمًا ﴿١٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمُسِيْحَ عِيسَى ابْنَ

مَرِيمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَاتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ آخْتَلُفُوا

فِيهِ لِفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا هُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا أَتِبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَاتَلُوهُ يَقِيْنًا ﴿١٧﴾

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٨﴾ «(١: النساء، 156-158)»

یعنی و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم بهتان بزرگ و به سبب گفتن ایشان هر آئینه ما کشتم مسیح ابن مریم را که فی الواقع پیامبر الله بود و نه کشته اند او را و بر دار نکرده اند او را ولکن مشتبه شد برایشان، و هر آئینه کسانیکه اختلاف کردند در باب عیسی درشك اند از حال و نیست ایشان را یقینی لکن پیروی ظن میکنند و به یقین نکشته اند اورا، بلکه برداشت او را اللہ عزوجل بسوی خود و هست اللہ عزوجل غالب استوار کار.

9. دین حضرت عیسیٰ علیہ السلام:

چنانچه در درس گذشته تذکر بعمل آمد که یگانه مرجع مطمئن هر دین کتاب مربوطه آن میباشد که ما میتوانیم راجع به آن دین از طریق آن معلومات حاصل کنیم اما اینکه کتاب الهی مربوط به دین و شریعت حضرت عیسیٰ علیہ السلام که محفوظ از تحریف و تغییر باشد نزد ما وجود ندارد پس انجیل فعلی مسیحیت مدار اعتبار نبوده و ما از طریق آن نمیتوانیم چگونگی دین و شریعت حضرت عیسیٰ علیہ السلام را بدانیم پس یگانه مرجع مطمئن در این زمینه همان مأخذ اسلامی خود ما میباشد.

دین حضرت عیسیٰ^{اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ} هم مانند دین مقدس اسلام به وجود الله واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سميع، بصیر و مبری از تمام صفات مخلوقات و حوادث معتقد میباشد. و همچنان به وجود ملائکه، کتب و صحائف سماوی، پیامبران الهی، روز آخرت، اندازه خیر و شر (که از سوی الله^{اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ} میباشد)، قضاء و قدر اعتقاد دارد، در این دین هم به سایر اصول دین سماوی عقیده وجود دارد، مانند اعتقاد به وجود شیاطین، جنها، قلم، روح، عرش، کرسی، و غیره اصول دین.

دین و شریعت حضرت عیسیٰ^{اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ} دارای بخش‌های مختلف عبادات، معاملات، احوال شخصیه، نظام میراث، نظام ذبائح، حلال و حرام، نظام عقوبات و سایر نظامهای شرعی میباشد ولی باید تذکر داد که دین حضرت عیسیٰ^{اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ} در اصول و ارکان با دین مقدس اسلام هیچ تفاوت نداشته بلکه کاملاً نظام اعتقادی واحدی با اسلام دارد صرف در فروع دین و احکام مختلف عملی با دین مقدس اسلام در برخی موارد متفاوت میباشد و این تفاوت در هر دین سماوی بچشم میخورد و علت آنهم همانا تفاوت در خواستها و اقتضایات زمانی و مکانی است که از هر دین سماوی با دین دیگر سماوی فرق میکند^۱.

10. پیشینه تاریخی و وضع کنونی دین مسیحیت:

وضع فعلی دین مسیحیت حاصل تعليماتی است که از انجیل محرفة فعلی صورت میگیرد.

کلمه انجیل کلمه عبری است که بمعنای «بشارت» میباشد:

در بین انجیل محرفة فعلی اختلاف زیادی وجود دارد و این خود دلیل بر آنست که آنها هیچکدام انجیل نمیباشد البته انجیل اصلی که بر حضرت عیسیٰ^{اللّٰہُ عَلَيْهِ السَّلَامُ} نازل شده

1. سعید، الخن و محی الدین دیب مستو. العقيدة الاسلامية - اركانها - حقائقها - مفسداتها. دمشق. حلیونی، 2006. ص: 252.

است. در جهان مسیحیت فعلاً چهار انجیل که بنامهای مؤلفین آنها موسوم اند وجود دارند: انجیل پوحا، انجیل لوقا، انجیل متی، انجیل مرقس. یک انجیل دیگری نیز وجود دارد بنام «انجیل برنابا» که هنوز کلیسای مسیحی آنرا به رسمیت نمی‌شناشد.

در اوایل ظهر مسیحیت کلیسا (مجمع دینی) در چهار چوب یک جلسه غیر روحانی بوجود آمده، این جلسه متشکل از یک تعداد بنی اسرائیل بوده که در انتظار عودت دوباره حضرت عیسی‌الله^ع به سر میبردند.¹

از لحاظ تاریخی انچه که محققان مسیحیت عنوان میکنند دین مسیحیت به اساس دین یهودیت و فلسفه یونانی انکشاف نموده و در قرن چهارم (312م) کستانتنیں اول به دین مسیحیت ایمان می‌آورد چون او امپراتور روم است ایمان آوردن وی باعث میشود که این دین در اروپا گسترش زیادی پیدا کند..

برای بار نخست در قرن 11 میلادی این دین بدو شعبة کاتولیک غربی و ارتودوکس شرقی جدا میشود که شعبة اولی در امپراتوری غربی (ایتالیا) و شعبة دوم در امپراتوری شرقی (ترکیه) نفوذ میکند. علت انشعاب در این بود که مسیحیان ارتدکس روح القدس (جبرائیل) را منشعب از «اب» (الله) میدانستند و هم حامله شدن بی شایبه مریم، وجود برزخ، پاک بودن رهبران کلیسا از اشتباہ و خطرا کاملاً رد مینمودند، در حالیکه مسیحیان کاتولیک ایتالیا روح القدس را منشعب از آب و یا ابن (حضرت عیسی‌الله^ع) دانسته و بر سه موضوع دیگر مذکور نیز بر عکس مسیحیان ارتدکس معتقد بودند.

کلیسا و پاپ مسیحی در قرون وسطی (از قرن 5 الی قرن 15 میلادی) قدرت

1. میلر، و.م. تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران. ترجمه علی نحسین. 1931. ص: 36

2. شاله، فلیسین. همان اثر. ص: 435

بیشتری را کسب نمود و به تمام ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنوقت اروپا سایه افگنده بود، این وضع غیر قابل تحمل از یکطرف، پیشرفت علوم و فنون جدید را متوقف ساخته و از طرف دیگر باده ها عامل دیگر سبب شد تا علیه کلیسا و پاپ اعتراضات قوی وارد شود و زمینه پیدایش فرقه های مختلف پروتستان مساعد گردد^۱.

برخی مسیحیان کاتولیک این اعتراضات را تحمل کرده نتوانسته و تصمیم گرفتند اروپا را به عزم امریکا ترک کنند و برخی از آنها از سوی معترضین به قتل رسیدند. معترضین میخواستند تا از قدرت غیر محدود رهبران کلیسا کاسته شود، کشف حقایق علمی از طریق تجربة آزادانه و تحقیق خالی از هر نوع تعصب مذهبی صورت گیرد، متون دینی مسیحیت مورد تحقیق آزادانه قرار گیرد و از تاویلهای شخصی و غرض آمیز رهبران کلیسا رهایی یابند.

در قرنهای اخیر دین مسیحی به فرقه های زیادی انشعاب یافت، مانند فرقه متdestها، فرقه مورمانها، فرقه انسان دوستان، فرقه طرفداران دانش مسیحی و غیره.

11. اعتقادات فعلی دین مسیحیت:

اعتقاد به اقانیم سه گانه (اب، ابن و ورح القدس) از نظر مسیحیان اللہ به اب (پدر) تعبیر میشود، حضرت عیسیٰ ﷺ به ابن (پسر) و روح القدس (جبرائیل) منشعب از اب و یا ابن میباشد.

اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبه الهی به حضرت عیسیٰ ﷺ سپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازه بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد این محاسبه را انجام دهد.

3. رضی، هاشم. تاریخ ادیان بزرگ. انتشارات آسیا، 1344 ش. ص: 270-271.

اعتقاد به اینکه حضرت عیسی اللهم بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم اللهم و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله الله پسر یگانه خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت، او دفن شد و بعد از سه روز برخاسته و بسوی آسمان رفت.

اعتقاد به ادای نماز در شکل تسبيح و شعر که عدد آن معلوم نبوده و به نماز صبح و شام تاكيد بيشتر ميشود.

اعتقاد گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت ميگيرد.

اعتقاد به تقدس صلیب که علامه مسیحی بودن شخص میباشد.

اعتقاد به غسل تعمید بعنوان وسیلة طهارت از گناهان.

اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.

اعتقاد به حرام بودن ختنه اطفال ذکور.

اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.

اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.

اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتكب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیباشد. اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد.

اعتقاد به منع ارتداد^۱.

اعتقاد به فروش کارتاهای مغفرت از سوی کلیسا.

اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.

1. جهنی، مانع بن حماد. همان اثر. ص: 489-492

استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب و غذای که در روز 14 اپریل (روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده شود البته به خون و گوشت حضرت عیسیٰالصلی اللہ علیہ و سلم به این معنی که تعلیمات او را بخود گرفته است.

فصل هفتم

دین مقدس اسلام

۱. معتقدات دینی عربهای جاهلیت:

قبل از اینکه دین مقدس اسلام ظهر کند عربهای سامی جزیره العرب دارای برخی معتقدات دینی بوده که غالباً متأثر از عقاید شرکی جاهلیت و ادیان تحریف شده قبلی مثل یهودیت، مسیحیت و غیره میباشد.

مذاهب اعراب قبل از اسلام به همان نهجیکه در دین یهودیت مطرح میشود صورت متحولی از عقاید سامیون، اولین صحرانشینان بوده است.

در اطراف کشور پهناور عربستان این تحول در هر جا به جهتی مخصوص گراییده مثلاً در عربستان جنوبی یک دیانتی از ستاره پرستی بنام دین «صابیان» بوجود آمد که در حول ماه پرستی یا عبادت قمر دور میزد و نفوذ اصول اعتقادی بابلی و زرتشتی در آن آشکار بود. در جاهای دیگر هرجا که یهود و نصاری پا نهاده بودند که از آن جمله مراکز تجاری عربستان است برخی عربهای بومی به ادیان آنان گرویده و مبادی ساده اولیه را ترک کرده و بسوی ادیان آنها متمایل شده بودند ولی اکثر اقوام عرب چه در بلاد و چه در بادیه ها همه الهه محلی از جنس مونث و مذکور برای خود در نظر گرفته و عبادت کرده اند که هر یکی از این معبدان مخصوص قبیله واحد بوده است و همچنان پرستش بعضی از اجرام سماوی معمول بود که هریک بنام خاص نامیده شده و از اسامی آن معلوم میشود که ریشه خارجی داشته و از ممالک همسایه به خصوص از شهر بابل به آنجا نفوذ کرده بودند^۱. در شهر مکه بخصوص سه خدای مونث محل عبادت بوده است: نخست اللات الهه

¹ - هاشم رضی. همان اثر. ص: 478-479.

ماده (ظاهر ارب النوع آفتاب)، دوم منات رب النوع سرنوشت و زمان، سوم العزى کوکبی که صورت ضعیفی از عقیده به وینوس (ناهید) میباشد، اصنام ثلاثة را دختران خدا یا بنات الله مینامیده اند و همچنان عربها نسبت به خدا ایمان مبهمنی داشته اند و او را خدای بزرگ و خالق کل میدانسته و خاصتاً قریش یعنی قبیله حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم بوجود الله جل جلاله بی عقیده نبودند. علاوه از این آلهه بزرگ که آنها را موجودات عالی مقامی میدانسته اند بعضی ارواح و اشباح نامرئی نیز نزد آنها موجود و مورد اعتقاد و احترام قرار داشته که از آن جمله است: فرشته ها، پریان و جنها.

مسئله اختلاف حالات و صفات بین این موجودات روحانی قابل توجه است: مثلاً برای فرشته ها طبیعت پاک و معصوم قایل شده و آنها را ذاتاً مفید و نیکو کار میدانند، پریها در لطف و صفا مانند فرشته ها موجودات اخلاقی، نافع و خدمتگذاری بوده اند و بیرون از عوالم بشریت مانند اطفال خرد سال در جهان مخصوص خود بخوشی و نیکی میگذرانیده اند برخلاف جنها که در بیابان منزل داشته یک نوع موجودات موذیه شبیه شیاطین اند که در قلوب اعراب ایجاد رعب و وحشت فراوان نموده و عامل شر بوده اند ولی تسخیر و اداره آنها برای بعضی میسر میشد و انسان میتوانست آنها را خادم خود قرار دهد و از آنها استفاده کند مثلاً مکان گنجهای نهفته را نشان دهد و جوانان آدمی زاد را بربال خود سوار کرده به بلاد دور دست ببرد و آنها را صاحب دولت و سعادت سازند.

همچنین از ارواح خبیثه نزد آنها یکی «غول» است در بیابانها که در کمین آدمیان نشسته تا آنها را هلاک سازد و از خون آنها بیاشامد و از گوشت آنها بخورد^۱ در نزد عربها خصوصاً بدويان و بادیه نشین های آنها ایمان ساده و بسيطی از

^۱- احمد سوسه. العرب و اليهود في التاريخ دمشق: العربي للإعلان و النشو الطباعة . ص:67.

نوع اعتقاد به ارواح خبیثه (آنی میسم) وجود داشته است، به توده های سنگ بصورت ستون های برجسته و صخره های برافراشته و غارهای ژرف و چشم سارهای زلال و چاه های خوشگوار حرمت دینی می نهادند، در بعضی جاها درختان و اشجار مخصوصاً نخلها را تقدیس کرده و هدایایی چند از قبیل البسه، اقمشه و اسلحه به آنها می اویخته اند، مظاهر و مبادی «توتمیسم» دیرین در احترام غزالهای صحراء نورد و عقابهای آسمان پیما و گرگهای دشت و شتران بادیه در نزد ایشان کما بیش نمودار بوده است.

اما شهر مکه از لحاظ معتقدات دینی تفاوت‌های چشمگیری با سایر شهر ها داشته است، در شهر مکه عزت خاص و حرمتی نزدیک به پرستش برای سنگ سیاه (حجر الاسود) قایل بوده و آنرا در گوشہ کعبه یعنی خانه خدا جل جلاله که عبادتگاه آنها بوده قرارداده بودند.

2. ظهور حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم:

عبدالله بن عبدالمطلب که 24 سال از عمرش گذشته بود با آمنه بنت وہب بن عبدالمناف ازدواج نمود، عبدالله بعد از مدت کم فوت کرد و حضرت محمد مصطفیٰ (صلی اللہ علیہ وسلم) از بطن آمنه در سال 570 میلادی بدنیا آمد^۱.

او طبق عادت قریش توسط حلیمه بنت ابی ذویب که از قبیله بادیه نشین بنی سعد بود به دشت برده میشود و در دشت پیش از 3 سالگی حادثه شق الصدر او رخ میدهد به این ترتیب که دو مرد سفید پوش که در حقیقت فرشتگان الهی بودند سینه او را شق نموده حظ و نصیبه شیطان را از آن بیرون میکنند^۲.

حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم تا سن 5 سالگی نزد حلیمه در

^۱- نصری سلهب. فى خطی محمد. بیروت : دارالكتاب اللبناني، 1971 . ص:42.

^۲- محمد حسین هیکل. حیة محمد. مصر : دارالقلم، 1960 . ص: 110.

دشت باقی می‌ماند و بعد از آن به جدش عبدالطلب تسلیم داده می‌شود، آمنه مادرش در 6 سالگی او، و عبدالطلب جد او، در 8 سالگی او، داعی اجل را لبیک می‌گویند و حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم یتیم به کاکایش ابو طالب سپرده می‌شود و با او در سن 12 سالگی جهت تجارت به شام رفته و در طول راه با راهب نصرانی (بحیرا) ملاقات مینماید، بعد او به چوپانی پرداخته و در جریان چوپانی با تفکرات عمیقی همراه می‌باشد.

او در راس کاروان خدیجه زن مالدار عرب به شام می‌رود و در وقت بازگشت به سن 25 سالگی با او ازدواج می‌کند، او همه ساله در ماه رمضان به «غار حرا» که در شمال مکه موقعیت دارد رفته و در آنجا به تأمل، تفکر و عبادت می‌پرداخت.

در سن چهل سالگی در روزی از روزها فرشته الهی (جبریل علیه السلام) نزد او به غار حرا آمده و به او گفت:

ای محمد بخوان! محمد صلی الله علیه وسلم گفت: چی چیز را بخوان؟
فرشته این گفته خود را سه بار تکرار کرد و از محمد صلی الله علیه وسلم جواب مشابه شنید¹ تا اینکه فرشته به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم گفت:
 «**اَفْرُأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ** (1) **خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلْقٍ** (2) **اَفْرُأُ وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ**
 (3) **الَّذِي عَلِمَ بِالْقَلْمَ** (4) **عَلَمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** (5).²

و این اولین آیات الهی است که بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل می‌گردد و او را پیامبر مبعوث الهی می‌گرداند.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم من بعد بحیث نبی و رسول از طرف خداوند

- حسن ابراهیم حسن. تاریخ الاسلام الجزء الاول. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، 1964. ص: 78.
 - سوره علق. آیه 1-5.

جل جلاله مکلفیت دارد تا آنچه که به او نازل میشود به عشیره و قوم خود و از طریق آنها به همه مردم برساند، او کار خود را آغاز میکند و در راه نشر دین خود که تحت عنوان « دین مقدس اسلام » معرفی شده مشکلات و پر ابلمهای زیادی را متحمل میشود، چه او در جامعه کاملاً جاهل عرب مبعوث میگردد.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در اثر برخی عوامل اذیت کننده از طرف مشرکین مکه و امر الهی به هجرت و ترک مکه وطن دوست داشتنی و مسقط الراس پدران و نیاکانش مامور شده و در سال 13 بعثت خود با حضرت ابی بکر رضی الله تعالیٰ عنہ دوست نزدیک خود به یثرب که فعلاً به اسم « مدینه منوره » یاد میشود هجرت میکند و از طرف شهر وندان آنجا مورد استقبال گرم قرار گرفته و به نشر دین خود در آنجا ادامه میدهد.^۱

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در سال 11 هجری قمری روز دوشنبه در ماه ربیع الاول مطابق 8 یونیه سال 632 میلادی به سن 63 سالگی بعد از اینکه رسالت خود را به وجه احسن به پایان رسانیده و امانت الهی را به وجه اکمل آن اداء نموده است به حق میپیوند.^۲

3. قرآن کریم:

کتاب منزل دین مقدس اسلام عبارت از قرآن کریم است که به آسمان اول بطور مجموعی نازل شده و بعد از آن به وقfe های متعدد نجماً نجماً و نظر به ضرورت و حالات مختلف بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر برگزیده دین مقدس اسلام طی 23 سال (610-633) میلادی نازل گردیده است.

2-علی حسینی الخربوطی. الرسول (ص) فی لمدینة. مصر: المجلس الاعلى للشؤون الاسلامية، 1973. ص: 31-33.

3- حسن ابراهیم حسن. تاریخ الاسلام الجزء الاول. القاهرة : مكتبة النهضة المصرية، 1963. ص: 149.

این کتاب بزبان عربی در 114 سوره جاگذاشده و در برگیرنده آیات مختلف مربوط به عقاید، احکام، عبادات، اخلاق، قصه‌ها و امثال میباشد.

نزلو قرآن کریم در عصری صورت پیگیرد که فصاحت و بلاغت، ادبیات و شاعری در بین عرب‌ها به اوج و شگوفایی خود رسیده بود، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم امی محض بوده و توانایی خواندن و نوشتن را نداشته است و بنا بر این ملاحظات است که قرآن کریم بحیث بزرگترین معجزه عقلی پیامبر اسلام محسوب میگردد^۱. فصحاء و بلغاء عرب نتوانسته آیاتی از آن را بیاورند چنانچه آیه مبارکه 88 سوره الاسراء این مطلب را چنین تأیید نموده است:

«قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَ الْأَنْسَسُ وَ الْجَنُّ عَلَىٰ أَنْ يَاتُوا بِمَثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمَثْلِهِ وَ لَوْكَانٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا».

ترجمه: یعنی بگو ای پیامبر اگر جمع شوند انسانها و جن‌ها به این امر که مانند این قرآن را بیاورند، هرگز مثل آنرا نمیتوانند بیاورند گرچه بعضی آنها به بعض دیگرانها همکار باشند.

قادر نبودن به مثل آن، قاطیعت و صراحة، رسا بودن عبارات، فواصل موزون و همگون، تشبيهات، استعارات، اخبار از غیب، مصوونیت از تغییر و تحریف و کشف اسرار و رموز علمی کاینات جهان هستی همه و همه اعجاز این کتاب مقدس آسمانی را به اثبات میرساند^۲.

از آنجاییکه قرآن کریم معجزه‌ای است که بابکار بردن قوت عقلانی و تفکر منطقی انسان قابل درک و فهم میگردد لهذا این کتاب بحیث اولین مرجع معتقدات

1- على الطنطاوى .تعريف عام بدين الإسلام .الجزء الأول . بيروت : لشركة المحتلة للتوزيع، 1970 ص 215 .

2- احمد حسين . نبی الانسانی . الجمهورية العربية المتحدة : لجنة التعريف بالاسلام، 1970) ص 68 .

اسلامی مورد عقیده و ایمان جازم مسلمانان بوده و شریعتی که از آن استنباط گردیده ابدی و جاودانی میباشد. تا عقل و تفکر انسانی وجود دارد این کتاب هم بحیث یک معجزه قابل درک، وجود خواهد داشت، ولی معجزات انبیای پیشین علیهم السلام همه و همه حسی بوده و از همین جهت است که محدود به عصر ظهور خود مانده و تا زمانیکه شخص بالذات آنرا احساس نمیکرد به آوردن ایمان به آن معجزه و شریعت مدعی نبوت مکلف ساخته نمیشد^۱.

کلمه قرآن از لحاظ معنی مورد اختلاف ادبیان قرار گرفته است، در هر صورت فرقان کریم به معنی مجموعه‌ی قرائت شده است که آیات متعددی در یک عنوان بنام «سوره» در آن جمع میشود و مجموعه این سوره‌ها قرآن کریم را تشکیل میدهد^۲.

جمع و ترتیب فعلی قرآن کریم در عهد خلیفه سوم مسلمین حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه صورت گرفته است، طوریکه سوره‌های طویلتر در اول و سوره‌های کوتاه‌تر در اخیر آن جایجا شده و صرف سوره الفاتحه از این روش مستثنی بوده است، و همچنان دلایل موثق وجود دارد که قرآن کریم در وقت حیات پیامبر اکرم نیز جمع آوری گردیده است. هر وقتیکه آیاتی از قرآن کریم با نظر داشت مناسبت خاصی نازل میگردید و توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم تلاوت میشد، کاتبان وحی که بنابر روایتی تعداد شان به ۱۸ نفر بالغ میگردید فوراً آنرا مینوشتند: حضرات عبدالله بن مسعود، علی بن ابی طالب، معاذ بن جبل و زید بن ثابت از جمله کاتبان معروف وحی میباشند. کاتبان، وحی منزل را برپوست شتر، برگ خرما، سنگ و بعض اروی استخوان کتف شتر و چیز‌های مناسب دیگر تحریر

۱. امامی و آشتیانی. طرح نو در تدریس عقاید اسلامی. جلد اول (ایران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷ هـ ق) ص 24.

۲. رسول جعفریان. افسانه تحریف قرآن. ترجمه محمود شریفی (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ هـ ق) ص ۱۹۴-۱۹۵.

مینمودند، همزمان تعدادی از حفاظ وجود داشته که آنرا فوراً به حافظه می‌سپردند. عربها در ابتداء این کتاب الهی را نپذیرفته و آنرا سخن سحر آمیز تلقی کردند ولی حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم آنان را به آوردن همچو سخنان دعوت کردند و آنها از آوردن آن عاجز ماندند، آنها قبل از دقت در این کتاب به گروه‌های متعددی تقسیم شده بودند، تعدادی چنانچه تذکر یافت آنرا سحر خوانده ولی تعداد دیگر آنرا داستانهای پیشینان خوانده که کسی صبح و شام به او املاء می‌کند، گفتند این خیالات پریشان است، اصلاً آنرا ساخته است، و این مناقشات تا جایی رسید که برخی دیگر از تفوق جویان عرب تصمیم گرفتند تا چنین دعوای نبوت کند و گفته‌های چندی به عنوان وحی پیشکش نموده و دیگران را به اطاعت دعوت کردند، لکن در این کار خود ساخته خود موفق نشدند و درنتیجه همه شان مورد تمسخر قرار گرفته و داستان ایشان خاتمه یافت، معروفترین آنها مسیلمه کذاب، طلیحه بن خویلد، ابو الحسن بن یحیی مشهور به ابن راوندی و ابو طیب میباشدند ولی بر عکس کارکتاب راستین (قرآنکریم) به سرمنزل رسید.

4. رویکردهای اعتقادی دین مقدس اسلام:

ممیزه ایکه ادیان الهی را از ادیان موضوعه بشری جدا میسازد اتفاق نظر ادیان الهی در اعتقاد به ارکان ایمان و رویکردهای اساسی اعتقادی است، این ارکان ایمان عبارت اند از اعتقاد به وجود الله واحد، اعتقاد به زنده شدن بعد از مرگ و اعتقاد به وجود پیامبران الهی، کتب منزله، فرشته گان، تقدیر خیر و شر از جانب الله جل جلاله، قیام قیامت و سایر معتقدات الهی. هر دینی از ادیان سماوی خود را مکلف میداند تا به قبول این ارکان و اصول اساسی دین، مردم را دعوت نماید در حالیکه در ادیان موضوعه بشری این اتفاق نظر وجود ندارد. و علت اتفاق ادیان آسمانی در این ارکان و اصول اعتقادی اینست که در حقیقت این ارکان ایمان جوابهای است که به

اساسی ترین سوالات هر انسان اندیشمند ارائه میشود. و اینکه ادیان الهی همیشه مورد پذیرش بیشتر قرار گرفته علت آن در این امر است که این ادیان بر بنیاد وحی منزل الهی استوار بوده و یگانه مرجع مطمئن موثق و قابل اعتماد میباشد.¹

این مسایل و رویکردهای اساسی که اجمالاً ذکری از آن بعمل آمد دارای برخی ملحقات، توابع و استنباطاتی است که مجموعه آن شکل و هیات کلی نظام اعتقادی ادیان آسمانی را تشکیل میدهد.

دین مقدس اسلام نیز در برگیرنده این همه رویکردهای اساسی اعتقادی و ارکان ایمان است ولی در ساحه برخی احکام، عبادات، احوال شخصیه و غیره فروع دین ممکن در بعضی موارد با سایر ادیان سماوی نظر به تفاوت اجابات زمانی و مکانی اختلاف داشته باشد.

بیان مختصر ارکان ایمان:

1 - اعتقاد به وجود الله (ج) که دارای ذات، صفات و افعال بی مانند است و هیچ چیزی به او تشبیه شده نمیتواند، حی است، قادر است، عالم است، متکلم است، با اراده است، شنوا است، بینا است، آفریننده همه موجودات است، ازلی و ابدی است، لم یلد و لم یولد است، به جز او معبد دیگری نیست و خالی از هر نوع نقیصه است.

2 - اعتقاد بر اینکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر الله (ج) است، او بشر است، برای تصدیق نبوت خود دارای معجزات عقلی و حسی است، معصوم است، صادق است، مبلغ وحی است، ذکی و فطین است، هیچ عیب ظاهری و باطنی ندارد و خاتم پیامبران الهی است.

¹. علی الطنطاوی. همان اثر. ص 61.

3 - اعتقاد به وجود ملائکه (فرشته گان) و اینکه آنها پیش از آفرینش بشر خلق شده اند، هدف از خلقت آنها طاعت خالص خداوند است، منزلگاه آنان آسمان است و گاهی به امر خداوند به زمین فرود میایند، دارای اصناف، درجه ها و وظایف متفاوت اند، برخی از آنها به نزول وحی موظف اند مانند جبریل علیه السلام و برخی به قبض روح گماشته شده مانند عزرائیل علیه السلام و برخی به نفح صور آماده خدمت اند مانند اسرافیل علیه السلام و برخی بر امور جنت و دوزخ مراقبت میکنند و وظایف دیگر. آنها اجسام لطیفی اند که به اشکال مختلف مشکل میشوند و گاهی به انسانی مجسم میگردند، مانند مهمان حضرت ابراهیم علیه السلام که فرشته گان بودند^۱.

4 - اعتقاد به وجود وحقانیت کتب و صحائف آسمانی مانند قران کریم، انجیل، تورات، زبور، صحائف حضرت آدم علیه السلام، صحائف حضرت شیعه علیه السلام ، صحائف حضرت ادریس علیه السلام و صحائف حضرت ابراهیم علیه السلام.

5 - اعتقاد به پیامبری پیامبران مبعوث الهی که به ده ها هزار تن میرسند و وظیفه شان سمع وحی و تبلیغ اوامر و نواهی خداوند جل جلاله است.

6 - اعتقاد به روز آخرت که این جهان به پایان میرسد و انسانها جهت محاسبه خداوند جل جلاله دوباره زنده شده و حسنات و سیئات ایشان درمیزان اوتعالی ارزیابی میگردد.

7 - اعتقاد به وجود جنت (بهشت) برای نیکوکاران و جهنم (دوزخ) برای عاصیان و بدکاران و اعتقاد به اینکه تقدیر و قضای خیر و شر از جانب الله جل جلاله میباشد.

¹. علی الطنطاوی. همان اثر. ص: 171-173

8 - اعتقاد به وجود عذاب قبر و طرح سوالات از طریق فرشته گان موظف و اعتقاد به وجود برزخ (فاصله زمانی ایکه بین مرگ و قیامت وجود دارد).

9 - اعتقاد به موجودیت روح که برخی دانشمندان آنرا چنین تعریف نموده اند: روح عبارت است از عنصر بی رنگ و بو و بی حجم وغیر قابل لمس که با ورودش به جسم، ماده را به حرکت آورده و سبب زندگی میشود و چون از تن خارج شد جسم تباہی یافته در حالیکه روح به زندگی خود همچنان ادامه میدهد. و در قرآن کریم در مورد روح چنین میخوانیم :

«وَيَسْأَلُونَكُمْ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الْرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيٍّ» یعنی ترا از حقیقت روح می پرسند جواب ده که روح به فرمان پروردگار من است.

10 - اعتقاد به وجود پل صراط.

11 - اعتقاد به شفاعت انبیاء و دیگر مقربین.

12 - اعتقاد به رویت الله جل جلاله در آخرت.

13 - اعتقاد به وجود جن ها و شیاطین.

14 - و بالاخره اعتقاد به حقانیت تمام آنچه که شریعت و دین اسلامی آنرا با خود آورده است².

5. شباهات درمورد پیدایش عقیده بوجود خداوند (ج) :

در این شکی نیست که با پیداش انسان اولی (حضرت آدم علیه السلام) مساله عقیده بوجود خداوند جل جلاله نیز همگام باوی وجود داشته است، چه از یک طرف حضرت آدم (ع) پیامبر مبعوث خداوندی بوده و همه چیز را به علم و مشاهده نظری

¹. هاشم رضی. همان اثر. ص: 603.

². علی الطنطاوی. همان اثر. ص: 175-177.

و حق الیقین میدانسته است و از طرف دیگر در طبیعت انسان نیاز شدیدی نسبت به عقیده به وجود خداوند (ج) هست. انسان همانطوریکه نیازمند آب و طعام است همانطور روح و روان انسان نیازمند ما یحتاج خود بوده و پیوسته در جستجوی آن میباشد، یک حقیقت مسلم است که حس اعتقاد بوجود خداوند جل جلاله (حس دینی) در طبیعت و فطرت انسان خیلی قوی و استوار است و یک امر ضروری است که انسان باید به وجود ذات عالم، قادر و مدبیر ایمان داشته و در گیراین عوالم نمیتواند بدون داشتن ایمان راسخ به این چنین ذات روح‌آرام و مطمئن باشد.

در ادیان الهی و از جمله دین مقدس اسلام مساله عقیده بوجود الله جل جلاله علاوه از اینکه یک اصل اصیل و رکن اعتقادی است با دلائل و براهین قوی آفایی، انفسی، عقلی و تصوفی مورد بحث همه جانبه قرار گرفته و ثابت شده است، منشاء و اساس عقیده بوجود خداوند جل جلاله از نظر دین مقدس اسلام در وحی منزل الهی نهفته است و براهین و دلایل مذکوره نیز از وحی الهی سرچشمه گرفته است^۱، ولی برخی محققان دین شناس آزاد در مورد علت و منشاء پیدایش عقیده بوجود الله جل جلاله سخنان خود ساخته و پرداخته دیگری دارند که در عقاید اسلامی از آن به عنوان «شبهات» ذکر بعمل می‌آید، اینک ذیلا به این شبهات در تماس میشویم:

برخی محققان دین شناس آزاد برآن شدند که منشاء عقیده بوجود خداوند (ج) را سلسله افسانه های اقوام نخستین و ملل بدیعی تشکیل میدهد، چه عقاید انسانهای ابتدایی در لباس افسانه پدید آمده و رشد نموده است.

عده ای از آنها معتقد اند که منشاء عقیده بوجود خداوند (ج) را اصل زنده

1. محمد تقی مصباح یزدی. آموزش عقاید. جلد ۱- ۲ (تهران : سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۰ ه-ش) ص: 69-66.

پنداشتن مظاهر طبیعی و حوادث هستی تشکیل میدهد و انسانهای اولی را به یک کودک تشبیه میکنند، زمانیکه انسان و یا حیوان اورا میزند، کودک بالمقابل آنها را میزند و یا اگر از سر بلندی به زمین می‌افتد آن بلندی را نیز مورد لت و کوب قرار میدهد، پس در نظر انسانهای اولی همه ستاره گان خدایان زنده ای بودند که حس میکردند و می‌شنیدند و مانند یک فرزند خوراک و وسایل میخواستند، بادها، ابرها، چشم‌های سارها و سایر مظاهر گوناگون طبیعت نیز چنین بوده، پس انسانهای نخستین ناچار نسبت به این عوامل و قوای جاندار که در ماحولش قرار داشتند بیم و ترس نمایند و برای جلب خوشنودی آنها احتیاج داشته که دست به دعا، نماز و عبادت زده و همانا رفتاری را که با زورمندان قوم و قبیله میکرند با آنها نیز انجام دهند.

عقیده برخی دیگر براینست که جادو و سحر منشاء و علت عقیده بوجود خداوند (ج) را تشکیل داده است.^۱

و تعداد دیگری برآنند که منشاء عقیده بوجود خداوند (ج) همانا ضعف انسان درمیان عالم وجود و دشمنانیکه در بین قوای طبیعت و یا موجودات زنده دارد، بوده است بنا بر آن ناچار است پناه و تکیه گاهی داشته باشد.

ما اینک در مورد ضعف این نظریات و رفع شباهات آنها ذیلا به اختصار مینویسیم:

اول نظر کسانیکه منشاء و علت عقیده بوجود خداوند (ج) را سلسه افسانه های ملل بدوى دانسته اند کافی به نظر نمیرسد، درست است که علاقه و رابطه یی میان عقیده و افسانه وجود دارد ولی با آن هم مطابق بودن آنها از هر حیث قابل قبول نمیباشد زیرا ممکن است که عقیده شامل افسانه و قصه واقعی باشد ولی افسانه بی اساس را نمیتوان اساس عقیده دانست، برای اینکه عنصر عقیده مشتمل بر زوایدی

۱. علی اکبر ترابی . همان اثر. ص: 43-46

است که عنصر افسانه مشتمل بر آنها نیست و این زواید عبارت از اینست که عقیده بوجود خداوند (ج)، اخلاق و شعور ادبی را ملزم به اطاعت و پیروی خود می‌سازد و موجب امید، کمک و رحمت از جانب پروردگار معبد می‌شود ولی افسانه چنین نیست، و قابل انکار نیست که انسان به افسانه گوش بدهد ولی بعضاً به آن معتقد نگردد.

دوم کسانیکه منشاء و علت عقیده بوجود خداوند (ج) را اصل زنده پنداشتن مظاهر طبیعی و حوداث جهان هستی دانسته و انسان اولی را تشبیه به یک کودک می‌کنند نیز به خطا و اشتباه رفته اند، مثلاً اگر قایل شویم که انسان اولی مانند کودک است و به تمام اشیاء به نظر موجودات زنده و با اراده مینگرد لازم است که بپرسیم: پس چرا آن انسان همه آن اشیاء را نپرستیده است پس لابد قبل از پی بردن به لزوم پرستش اوصافی برای خدایی قایل شده که بوسیله آن قسمتی از اشیاء و کائنات را به قسمت دیگر ترجیح دهد^۱.

سوم کسانیکه منشاء و علت عقیده بوجود خداوند (ج) را سحر و جادو دانسته نیز تیری به هدف نه زده اند چه بین پرستش و جادو تفاوتی زیادی وجود دارد، به این معنی که جادو همیشه مربوط به امور رشت بوده در صورتیکه پرستش هیچ وقت خالی از جنبه توسل به نیکی و امید نبوده است پس مثل اینست که مردم وقتیکه میان خدای مورد ترس و رشتی و خدای مورد امید و نیکی فرق گذاشته بین پرستش و جادو نیز فرق قایل شده اند و پس از آن پرستش را مخصوص خدای مورد نیکی و امید ساخته و خشم و رشتی را برای خدای جادو و سحر گذاشته اند، لذا به هیچ وجه نمیتوانیم مدعی شویم که مردم اول جادوگری کرده و بعد به پرستش جادو پرداخته اند بلکه عکس آن بوده است زیرا تا ایمان به معبدی که جادوگران متصدی خدمت

¹. علی الطنطاوی. همان اثر. ص: 72.

آنها هستند و مردم را از او میترسانند بوجود نیاید و قبل از جادو عبادتی نباشد قطعاً جادوگری و ایجاد جادو مفهومی را افاده نمیکند.

چهارم کسانیکه منشاء و علت عقیده بوجود خداوند (ج) را ضعف انسان در میان عالم وجود و دشمنان در قوای قهری طبیعت میدانند نیز میتوان با ارائه جملات موجز ذیل آنها را مقاعد ساخت:

اگر ضعف انسان را علت بطلان عقیده بوجود خداوند (ج) بدانیم که غیر مستقیم از نظر این گوینده گان معلوم میگردد باید بطور کلی و برای همیشه و هر وقت قابل به بطلان آن شویم خواه وجود خداوند (ج) با حس و برهان ثابت شود و یا نشود زیرا انسان در هر حال نسبت به ذات قادر و پروردگار توانگر ناتوان میباشد.

خلاصه مطلب اینکه نظریات ذکر شده اساس علمی نداشته و در چارچوب نظام اعتقادی اسلام نمیگنجد، از مدارک اسلامی به صراحة معلوم میشود که عقیده بوجود الله جل جلاله همزمان با پیدایش انسان اولی که خود پیامبر الهی است بمیان میاید و توسط دلایل و براهین مختلف نقلی و عقلی ثابت و تقویه میگردد که البته در نهاد و فطرت انسان میل شدیدی به چنین عقیده وجود داشته و انسان را همواره به آن جلب میکند و شاید علل ذکر شده که از طرف برخی محققان آزاد ارائه میشود در جریان زنده گی عینی انسان بشکلی از اشکال تجلی نماید و بحیث علت عقیده بوجود خداوند (ج) نزد برخی تصور شود، چه عقیده بوجود الله جل جلاله معتبر رابطه بین عالم وجود و انسان است و یا بنا بر تفسیر زنون الیائی و برخی متصوفه اسلام عقیده مظہر رابطه بین عالم کبیر و عالم صغیر است، چه ناچار بین هر موجود و عالم هستی ایکه مملو از هزاران تعجب و حیرت است رابطه ای باشد و اگر موجودی دارای شعور و حس خفی باشد ناچار این رابطه با شعور و حس خفی او ممزوج شود بنابراین بشر اولی علاوه از منابع الهی که در دسترس داشت علاقه خود را با جهان

عینی خارج از خود که نزد او از شش جهت گستردہ است و او را احاطه کرده نیز برقرار میسازد و از این رابطه و تفکر و تدبیر در امور جهان طبیعی و نظم عالم وجود به موجودیت الله واحد، خالق، عالم و مدبر پی میر.^۱

6. ذاتیت و وحدانیت الله جل جلاله:

درباره اینکه الله جل جلاله دارای «ذات» است در معتقدات اسلامی هیچگونه اختلاف وجود ندارد، ولی در برخی مکاتب فلسفی قدیم و جدید و عقاید برخی محققان دین شناس تعبیر هایی از قبیل روح مطلق، روح جهانی و عقل اعلی از خداوند صورت گرفته که البته در نظام اعتقادی اسلام از این همه تعبیرها به کلمه «ذات» تاکید صورت گرفته است. چه در معتقدات اسلامی الله جل جلاله دارای صفات ثبوته ذاتی و فعلی میباشد و برای نسبت دادن صفات ناگزیر باید به مرکزیت ذات قایل شویم. در برخی ادیان از جمله دین مسیحیت کلمه «شخص» برای خداوند استعمال شده که این استعمال خالی از شکل نمیباشد از جمله اینکه «شخص» فردی از یک کلی که عبارت از «نوع» است میباشد که از افراد دیگر نوعی خود به اثر داشتن خصوصیات معین، ممتاز گشته و باید در مقابل نوع و کلی استعمال گردد ولی ذات بیشتر استقلال و عمومیت دارد و در مقابل صفات استعمال میگردد.

در مکتب پانتئزم (وحدت الوجود) فلوطین (204 – 270 م) خداوند سراسر عالم وجود است و عالم وجود سراسر خداوند، یعنی در این نظر خدا و عالم وجود را باهم متحد دانسته و حتی خدا را بالاتر از وجود تصور کرده و میگوید خدا وجود نیست بلکه بالاتر از وجود است ولی این تعبیر هم چیزی را حل نمیکند و یک شی را با عین شی تفسیر کرده و از نظر ما مردود میباشد.^۲

1. عباس محمود عقاد. الله. ترجمه. (تهران: 1328 هـ) ص: 27.
2. مرتضی مطهری. آشنایی با علوم اسلامی. ج 2. تهران: انتشارات صدرا، 1367 هـ. ص: 90.

همچنان عقل ما حکم میکند که الله جل جلاله باید دارای « ذات » باشد و « ذات الله جل جلاله باید وجود کامل از هر عیب و نقص باشد یعنی صفت « کمال » داشته باشد و اگر الله جل جلاله معنی بدون ذات وادراک باشد در این صورت نداشتن ذات منافی « صفت کمال » الله جل جلاله خواهد بود و الله جل جلاله نباید ناقص و ناکامل باشد. پس بهترین تعبیری که از الله جل جلاله باید صورت گیرد توسط کلمه « ذات » باید باشد.

در قسمت توحید که یکی از مسایل مهم اعتقادی دین مقدس اسلام است بحث خود را به تقسیم بنده علامه صلاح الدین سلجوی فیلسوف شهیر کشور ما در مورد فکره خدایی آغاز میکنیم:

فکره خدایی از نظر او به عقیده بوجود خدا و عدم عقیده بوجود خدا تقسیم میگردد که قسم اول را به مراحل شرک، ترجیح و توحید تقسیم بنده نموده و بعد از آن شرک را سه قسم نوعی، تناوبی و اقنوی خوانده است و هکذا توحید را به کتابی و غیر کتابی تقسیم کرده که بالاخره توحید کتابی را به کلامی و تصوفی و توحید غیر کتابی را به منطقی و فلسفی تقسیمات نموده و عقیده دارد که فکره خدایی و خدا جویی در نهاد انسان یک امر فطری است خواه به شکل شرک، ترجیح و یا به شکل توحید ظهور کرده باشد، انسان ابتدائی در ساحه ادیان وضعی هم خدا را می شناخت ولی نه آن چنانچه انسان عصر فعلی می شناسد، انسانها در ساحه ادیان وضعی ابتدا به شرک نوعی که شکل بسیار ضعیف و ناقص خدا طلبی است معتقد بودند و برای هر چیز رب النوع خاصی داشتند و برخی انسانها به شرک تناوبی یا انتخابی متمایل بودند یعنی از دو امری که با هم جمع نمی شدند یکی را انتخاب میکردند و بنام خدا می شناختند که آنرا ثنوی نیزمیگویند، چنانچه ثنویت را در ادیان چینیان و دین زرتشت مطالعه نموده و به کیفیت آن پی بردیم مانند انتخاب کردن خدای خیر از خدای شر که

این نوعی از شرک نسبتاً خفیف تراست. و شکل دیگر شرک همانا شرک اقنومنی است چنانچه در دین مسیحیت آنرا به مطالعه و بررسی گرفتیم.

عقیده به شرک و ارباب انواع در ادیان وضعی ابتدایی ناشی از عدم پی بردن انسان به ارتباطات ذات البینی بین اشیاء و مظاهر عالم هستی است، چون هیچگونه وحدت و ارتباط را در بین اجزاء و پدیده های طبیعت قابل نبودند و در نتیجه این امر به هر مظهره طبیعی بصورت مستقل علاقه پیدا نموده و اینکه اورا قوى و خود را ضعیف میپنداشت راه طبیعی خود را اینطور میافت که به آن خضوع و خشوع کند و به عنوان خدا آنرا پرستش نماید تا اینکه آهسته آهسته عالیق و ارتباطات ذات البینی بین اجزای طبیعت به او منکشف گردید، و چون قبلًا تمامی ارباب انواع را متخصص بین خود فکر میکرد ولی بعد از کشف روابط میان آنها به نوعی از خویشاوندی بین آنها قابل شد چنانچه در نتیجه معتقد گردید که ابر دختر دریا است و باران گریه و برق خنده آن است، صاعقه و الماسک کین و خشم، و باد شوهر آن میباشد، پی بردن به این علاقات بین مظاهر طبیعی سبب شد تا نسب های خاندانی ارباب انواع نیز ثابت شود و وقت آنست که این خاندان رئیس و پدری داشته باشد، و این یک گام بزرگی به سوی توحید بوده که بشریت برداشته است و این مرحله را بنام ترجیح یاد میکند، مثلاً در بلخ قدیم «مشتری» پدر باقی هیاکل سماوی بود تا اینکه بلخیها «اهو را مزدا» را فوق یزدان و اهریمن قبول کردند.

موضوع توحید الله جل جلاله در تمام ادیان سماوی یکی از اركان و اصول دین دانسته شده، انسانهای اولی و ابتدایی که پیرو ادیان سماوی بودند در ارتباط به توحید در عقاید ایشان هیچگونه مشکلی و جود نداشته و در دین مقدس اسلام عقیده توحیدی اساس این دین سماوی را تشکیل میدهد و قرآنکریم در آیات متعدد به وجود الله واحد

^۱. صلاح الدین سلجوقی همان اثر. ص: 24-26.

حکم نموده که علمای عقاید اسلامی بعد از شرح و تحلیل آن، برهان «تمانع» را نیز در زمینه ذکر مینمایند به این تفصیل که: در عالم وجود اگر دو واجب الوجود را دارای علم و اراده و قدرت یکسان فرض کنیم، هرگاه یکی از این دو واجب الوجود اراده کند که به قدرت کامله خویش در جهان خلقت به چیزی هستی بخشد و آن دیگری ضد آنرا اراده نماید مثلاً یکی حرکت آفتاب و دیگری ثبوت آنرا، یکی خلقت تنها زمین و دیگری خلقت این همه نظام های شمسی و کهکشانها را، درین صورت از سه حالت خالی بوده نمیتوانند: یا اراده یکی از آن دو عملی شود، یا اراده هردوی آنها جامه عمل بپوشد و یا هم اینکه اراده هیچ یک عملی نگردد، در صورت اول آنکه اراده اش جامه عمل پوشید خدا و واجب الوجود است و دیگری از جمله ممکنات میباشد، صورت دوم چون مستلزم اجتماع نقیضین، ضدین، بی نظمی و فساد جهان است بداهتا و عقلاً محال است، و اگر صورت سومی عملی گردد در آن صورت هر دو عاجزند و هیچکدام شایسته مقام خدایی نمیباشد.

اگر کسی بگوید که اراده هر دو خدا اگر همیشه یکی باشد هیچ اشکالی بوجود نمی آید در جواب عرض میداریم اینکه اختلاف بین دو اراده در وقت استدلال از جمله ممکنات است اگر چنین صورت بوقوع هم نپیوسته باشد بودن این امکان با صفت قدرت و بی نیازی واجب الوجود سازگار نیست، و دیگر اینکه اگر دو واجب الوجود از لحاظ اراده باهم متند باشند پس ذات شان هم یکی است و در آن صورت دو واجب الوجود نه بلکه یک واجب الوجود خواهد بود.

و همچنان استدلال میگردد اگر آفریننده جهان متعدد باشد از دو صورت بیرون نیست یا هریک از آنها قادر بر جلوگیری از اراده دیگری هست و یا نیست اگر هر یک دارای چنین قدرتی باشد پس هر دو عاجز، ناقص و حادث خواهند بود و اگر هیچ یک دارای چنین قدرتی نباشد عجز و ناتوانی هر دو آشکار تر است و عجز و ناتوانی

خود نشانه بارز حدوث و امکان میباشد. و این برهان علمای عقاید اسلامی از آیه کریمه سوره الانبیاء:

«**لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا** ...» گرفته شده است.^۱

در نظام اعتقادی اسلام الله جل جلاله دارای ذات یگانه است و مسلم است که این ذات یگانه زمانی کامل بوده میتواند که دارای صفات کمال باشد:

صفاتیکه در عقاید اسلامی به الله جل جلاله نسبت داده میشود به دسته های متعدد ذیل تقسیم میگردد:

.1 **صفت نفسی الله جل جلاله :** این صفت عبارت از ثابت نمودن ذات و وجود برای الله جل جلاله بوده و بر مسبوقیت علت نیازمند نمیباشد، این صفت دلالت بر نفس میکند، اینکه میگوییم الله جل جلاله وجود دارد با این تعبیر، صفت نفسی او تعالی را که عبارت از « وجود» است به او نسبت میدهیم.

.2 **صفات ذاتی:** اینگونه صفات الله جل جلاله به ذات او بستگی دارند و ذات او بدون این صفات تصور شده نمیتواند و عبارت از هفت صفت معانی ذیل است: حیات، قدرت، علم، اراده، تکلم، سمع و بصر.

.3 **صفات فعلی:** صفات فعلی الله جل جلاله عبارت از آن صفاتی است که او تعالی به ضد آن موصوف شده میتواند، مانند اعزاز و اذلال، احیا و اماتت وغیره.

.4 **پنج صفت دیگری الله جل جلاله:** آن صفاتی است که توسط آن عیوب و نواقص و تشابهات از اوتعالی سلب و در پنج صفت خلاصه میگردد گرچه اینگونه صفات بی شمار و بدون احصائیه است ولی بنابر تصنیف بندی مورد نیاز ما در پنج

^۱. محمد تقی مصالح بزدی. آموزش عقاید. جلد 1 و 2 (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۰ ه. ش) ص: ۱۵۷ – ۱۵۹.

صفت تمرکز یافته است، این پنج صفت عبارت اند از: صفت وحدانیت، صفت قدم، صفت بقاء، صفت مخالفت با حوادث و صفت قیام به ذات و نفس.

و برخی از علمای عقاید اسلامی حی بودن، قادر بودن، عالم بودن، متکلم بودن، مرید بودن، سمیع بودن و بصیر بودن الله جل جلاله را بنام «صفات معنوی» که در آنها ذات مع الوصف مطرح بوده توضیح نموده اند.

7. نبوت:

نبوت یکی از موضوعات اساسی اعتقادی دین مقدس اسلام بوده و بحیث یک مومن به معتبر در نظام اعتقادی این دین مطالعه میشود، چه بشر و جوامع بشری از بدو پیدایش خویش نیازمند به رهنمایی و هدایت بوده و به اساس حکمت بالغه خداوندی بواسطه بعثت پیامبران علیهم السلام رهنمایی گردیده است، حواس و عقل که هر چند در زمینه های مختلف و راه های زنده گی دنیوی به انسان کمک میکند ولی برخی مطالبی وجود دارد که حواس و قوای عقلانی انسان توان درک درست و معقول آنرا نداشته و نیازی به رهنمایی دارد و اینک موضوع بعثت انبیاء علیهم السلام مطرح شده و در نظام اعتقادی اسلام بحیث یک اصل اصیل و رکن رکین مورد بحث قرار میگیرد زیرا پیامبران علیهم السلام که بین الله جل جلاله و انسان وساطت دارند میتوانند انسان و جامعه انسانی را در عرصه شناخت راه کمال و سعادت حقیقی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی هدایت نمایند.

اگر انسانها توسط پیامبران مبوعث علیهم السلام رهنمایی سالم نشوند و راه سعادت دنیوی و اخروی را نشناشند در آن صورت تعذیب اخروی آنها خلاف عدل الهی بوده و در روز محاسبه خداوندی این چنین احتجاج خواهند نمود که الله جل جلاله از آن چنین تعبیر میفرماید:

« وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَّبَّعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَّنَ وَنَخْرُى »^۱.

یعنی اگر به عذابی پیش از این (بعثت پیامبر) آنها را هلاک میکردیم حتماً می‌گفتند ای پروردگار ما چرا برای ما پیامبر نفرستادی تا کتاب ترا پیروی میکردیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم.

و یا این آیه کریمه:

«... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»^۲.

یعنی ما عذاب دهنده نیستیم تا آنکه پیامبری را بفرستیم.

و یا این آیه کریمه:

« رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِّرِينَ لَنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حَجَةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ... »^۳

یعنی فرستادیم پیامبران مژده دهنده و ترساننده برای اینکه بعد از ارسال رسول مردم دلیلی برای رفع التزام خود در برابر الله جل جلاله نداشته باشند و اتمام حجت ننمایند.

بعثت پیامبران علیه السلام به صورت وسیعی در قرآن کریم مورد بحث قرار گرفته و آنها را نشان دهنده گان راه حق و مبلغان راستین وحی الهی معرفی نموده است. در موضوع نبوت اگر دقت بیشتر صورت گیرد به ساده گی واضح میگردد که انبیاء علیهم السلام علاوه از هدایت و تبلیغ راه حق تاثیرات مهم دیگری نیز در راه ترقی انسانها داشته اند بطور مثال بسیاری از موضوعاتی هست که عقل انسان توانایی درک و فهم درست آنها را دارد ولی یا نیاز به گذشت زمان و تجارب فراوان

^۱. سوره طه: آیه ۱۳۴.

^۲. سوره الاسراء: آیه ۱۵.

^۳. سوره النساء: آیه ۱۶۵.

دارد و یا در اثر اهتمام افراد به امور مادی و غلبه گرایش‌های حیوانی برایشان مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد و یا در اثر تبلیغات سوء برآورده های مردم پوشیده می‌ماند، در این گونه حالات وظایف پیامبران علیهم السلام بدرستی فهمیده می‌شود، و دیگر اینکه انبیاء علیهم السلام بحیث نمونه و تمثال سلوک عالی انسانی عرض اندام نموده و به تربیت و تادیب انسان و جامعه انسانی پرداخته و همه از این نمونه و تمثال پیروی می‌کنند که این خود از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. و دیگر اینکه انبیاء علیهم السلام در صورت موجودیت ظروف مناسب میتوانند جامعه بشری را از لحاظ اجتماعی، سیاسی و قضایی رهبری نمایند و زمینه ظلم و ستم حکام مستبد برچیده شود، و روی این دلایل است که موضوع نبوت دارای اهمیت بیشتر قرار گرفته و در نظام اعتقادی اسلام به آن تاکیدات مزیدی صورت گرفته است.

در قرآن کریم درباره نبوت، مقاصد نبوت و وظایف پیامبر آیاتی متعددی وارد است که در ذیل برخی از آن آیات متبرکه را ذکر نموده تا از روی آن به هدف و چگونگی رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم خوب پی ببریم:

«وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».²

ترجمه: و ما پیامبران را جز بر آنکه مژده دهنده و بتراشانند نفرستادیم سپس هرکه ایمان آورد و کار شایسته کرد هرگز بر او بیمی نیست.

و: «مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ...»³.

ترجمه: محمد نیست مگر پیامبری از طرف الله که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و از این جهان در گذشتند.

¹. محمد تقی مصباح یزدی. آموزش عقاید. جلد 1 و 2 (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی 1370 هـ-ش) ص: 216 – 217

². سوره الانعام: آیه 48.

³. سوره آل عمران: آیه 144.

و: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَائِنِينَ حَصِيمًا»^۱.

ترجمه: اى پیامبر! ما بسوی تو قرآن را بحق فرستادیم تا به آنچه الله به وحی خود بر تو پدید آرد میان مردم حکم کنی و نباید بر نفع خیانت کاران «با مومنان به خصومت برخیزی.

و: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ...»^۲.

ترجمه: اى رسول! بگو به امت که من مانند شما بشری هستم که به من وحی میرسد که الله شما الله یکتا است.

و: «فِيمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَطَّا غَلِظَ الْقُبْرِ لَأْنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاغْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاعِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَّمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^۳.

ترجمه: مرحمت الله تو را با خلق مهربان و خوشبوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق میشدند پس چون امت به نادانی درباره تو بد کنند از آنان درگذر و از الله بر آنان طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنها در کار جنگ مشورت نما لکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به الله انجام ده به تحقیق الله توکل کنندگان را دوست دارد.

8. قضاء و قدر و رابطه آن با جبر و اختیار:

^۱. سوره النساء : آیه 105.

^۲. سوره الكهف : آیه 110 .

^۳. سوره آل عمران : آیه 159.

چنانچه همه میدانیم قضاء و قدر و رابطه آن با جبر و یا اختیار در مورد اعمال انسان یکی از اساسی ترین معتقدات دین مقدس اسلام به شمار رفته و بحیث یک مسئله در نظام اعتقادی اسلام مطرح گردیده است.

«قدر» در عقیده اسلامی به معنی اندازه، تعیین و تصمیم است و «قضاء» در این مورد خاص به معنی حکم و تنفيذ آن است، چنانچه مهندس نقشه عمارت را رسم میکند، تناسب اندازه و مقدار مواد تعمیراتی را معین کرده و خصوصیات ساختمانی عمارت را مشخص میسازد این مثال قدر است، مقاول و صاحب عمارت آنچه را که مهندس تعیین و اندازه کرده به معرض اجراء میگذارد و این مثال قضاء است¹.

مسئله قدر و قضاء که یکی از مومن به های مهم دین مقدس اسلام است در این دین اینطور شرح میشود: از نظر برخی علماء اولین چیزی که الله جل جلاله به خلق آن مبادرت ورزید «قلم» بود و بعد از خلقت به او امر کرده بنویس! قلم گفت: چه چیز را بنویس! الله جل جلاله فرمود: بنوس تمام آنچه که حادث میشود و قلم طبق این ماموریت تمام آنچه که تا روز قیامت واقع و حادث میگردد به لوح محفوظ تحریر نمود و هیچ امری حتی افتدن برگی از درخت بدون تقدیر و قضای آن باقی نماند.

در میان مذاهب کلام اسلامی «قضاء و قدر» به گونه های متفاوتی تحلیل و تفسیر شده است، عده ای در خصوص این مسئله چنان راه افراط را برگزیده اند که در اثر آن انسان را یک موجود کاملاً دست بسته و مجبور محض بحساب آورده و به او حق هیچگونه اراده و اختیار در گزینش اعمال خود داده نشده است، این طرز دید افراطی در خصوص مسئله قدر و قضاء مشکل بس بزرگی را در عقاید اسلامی

¹. على الطنطاوى . همان اثر . ص : 148

بوجود می آورد و آن اینکه الله جل جلاله تمام آنچه که درجهان کائنات و عالم هستی و از جمله زنده گی انسان حادث شده و یا حادث میگردد در ازل قبل از آنکه جهان هستی و انسان هست شود و اعمال خوب و رشت، مفید و مضر او صدور یابد، تعیین و تقدیر نموده است و گویا برای انسان مجالی برای انتخاب خیر از شر، مفید از مضر داده نشده و همه فیصله ها قبل صورت گرفته و در چنین یک حالت انسانی که مرتکب معصیت و منکر میشود باید جزای دنیوی و اخروی آنرا ببیند در حالیکه او در این ارتکاب مجبور محض بود و اختیاری برای عدم ارتکاب آنرا نداشته است. بالمقابل عده یی در خصوص مسئله قضا و قدر راهی بس تفریط را برگزیده اند و انسان را در قبال اعمالش کاملاً آزاد و مختار محض دانسته و هرآنچه که انجام میدهد خود انجام میدهد و خود میتواند خیر را انتخاب کند و یا شر را، اسلام را و یا هم کفر را ، خود ظلم و ستم را بر بیچاره گان روا میدارد و یا اینکه خود وسایل و اسباب ظلم و ستم دیگران را بر خود آماده میسازد و هیچگونه تقدیر و قضای الهی در کار او دخالت ندارد.

این طرز دید تفریطی هم بیشتر از طرز دید افراطی مشکلاتی را در بر دارد چه در اثر این طرز دید، انسان، مختار محض است و هر آنچه که خواسته باشد بدون حصر و قید میتواند انجام دهد و اینگونه انسان آزاد بی قید، نوع خود را تلف و تباہ میکند زیرا انسانیکه اختیار نا محدود داشته باشد جز شهوت رانی، ستمگری و سخت دلی کار دیگری نمیکند.

از این طرز دید و نقش مستقیم و مستقل انسان در اعمالش چنین استنباط میگردد که انسان خالق و آفریننده اعمال خود باشد و این خود یک مسئله و خلاف عقاید حقه اسلامی است زیرا خالق یک عمل باید با تفصیلات از جزئیات عمل خود آگاه باشد در حالیکه این امر در مورد اعمال انسان اینطور نیست بلکه انسان از یک حرکت

عادی خود از یک جای به جای دیگر اطلاع کافی ندارد و در این جریان از حرکات نبض، تپش قلب، جهاز دوران خون، جهاز هضمی و عصبی و حتی از تعداد قدمهای خود اطلاع کافی ندارد و یا برخی اوقات آنچه اراده میکند انجام داده نمیتواند و هم از اعمال فردای خویش نمیداند.

جبر مطلق و اختیار مطلق اراده انسان که در خصوص مسئله قضاء و قدر عرض اندام میکند بمثابه دو مشکل بزرگ در عقیده اسلامی البته در اثر تعابیر و تفاسیر افراطی یا تفريطی برخی فرقه های کلامی ظهر یافته است اما این دو طرز دید قبل از اینکه در عقیده اسلامی راه یابند بمثابه دو طرح فلسفی از بدوان پیدایش انسان با وی همراه بوده است ولی با نظر داشت شرایط زنده گی، ظروف زمانی و مکانی و چگونگی برداشت انسان از محیط پیرامون یکی بر دیگری غلبه داشته است.

الف. چگونگی پیدایش عقیده جبری و عقیده اختیاری:

قبل از اعتقاد به آزادی و اختیار، عقیده جبری در انسان وجود داشته و چون لازمه اعتقاد به جبر، ترس، تنبلی و تسلیم به هر پیش آمدی است، متاسفانه آغاز زندگانی بشر هم به همین منوال بوده است. فرزند انسان هزاران سال به آن عقیده و پندار غلط به سربرده و تا گرسنه نمیشد دنبال خوراکی نمیرفته و تا حس سردی و گرمی نمیکرد برای خود پناه گاهی جستجو نمیکرد و برای رفع نیازمندیهای خود به کمترین و نزدیکترین حد اکتفا کرده و قناعت نموده است. عقیده به دریا ها، تاثیرات ستاره گان، ماه و آفتاب در مقدرات بشر از قدیم الایام در چین و هند رایج بوده و در بابل، مصر، یونان، روم، ایران و افغانستان قدیم نیز عقاید و تصورات مانند عقاید هندیها و چینیها وجود اشته است. کاهنان آنان پیشواییها میکردند و مردم به ستاره گان و اجسام زمینی در جشنها و ناخوشی ها و هنگام پیدایش بلاهایی مانند سیل، قحطی و صاعقه توسل می جسته و از انسانها و حیوانات قربانیها میکردند و برای

محفوظ بودن از آسیب دیوان و شیاطین به بتها و مظاهر بزرگ جهان هستی پناه
میردند.^۱

زمانیکه انسانها آتش و آهن را کشف نموده، غذا پختن و خانه ساختن و جامه
دوختن را یاد گرفت و جنگ و جدال با سلاح های سنگین چوبی و آهنی رواج یافت،
در این وقت فکر انسان وسعت یافت و آهسته آهسته هر آزمایش برای انسان درس
سودمند بود و سر انجام خود فهمیدند که انسانها در کارهای خود آزادی و اختیار
دارند و میتوانند به کمک یکدیگر زمین را نرم کنند و تخم بکارند و بالاخره حاصل
را درو کنند و امثال آن، عقیده جبری مطلق در نتیجه این تلاشها، جنبشها و پیروزی
ها از بین رفت و از سوی دیگر موجودیت پیامبران الهی و پیشوایان خوش فکر و
صاحبان اندیشه های سالم فلسفی همواره سبب میشود که مردم از پرستش اجسام
آسمانی و زمینی خود داری کنند. در اثر اکشاف قوای عقلانی انسان، خدایان پرستی
و شرک به تدریج کهنه و بی اثر شد و در زمینه کار پیامبران الهی علیهم السلام از
اهمیتی بس بلند برخوردار میباشد، یکی از این پیامبران صاحب صحایف سماوی
حضرت ابراهیم خلیل الله بود که حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح در بابل
چشم به جهان گشود و بر ضد بت پرستی و شرک مبارزه نمود. حضرت پیامبر اسلام
صلی الله علیه وسلم هم صدها بت دوران جاهلیت را از بین برده توحید را جاگزین
شرک و بت پرستی ساخت.

از نظر جامعه شناسان عقیده جبر مطلق و اختیار مطلق بعد از ظهر دین
قدس اسلام به سرعت قابل ملاحظه ای در عقیده اسلامی نفوذ کرد و مسلمانان
اندیشمند را بخود جلب نمود و با نظر داشت مفاهیم و مضامین نصوص آیات متبرکه
قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم تعابیر و تفاسیر متعدد و مقاوته از آنها

^۱. صلاح الدین سلجوقی. همان اثر. ص: 25.

صورت گرفت و عمدتاً یا قسماً سبب شد تا در اثر همین تعابیر و تفاسیر متعدد و متفاوتی که از مسئله جبر و اختیار انسان صورت گرفت مذاهب و فرق متعددی از قبیل جبریه، قدریه، معتزله، شیعه، اشاعره، ماتریدیه، اهل سنت و جماعت وغیره در ملت واحد اسلام به میان آیند.

ب. دلایل عقلی و نقلی جبریها :

الله جل جلاله به همه جزئیات امور آگاه است و احاطه دارد و جهل براو رشت و ناپسند است، بنابراین آنچه الله جل جلاله میداند که واقع میشود یعنی میخواهد که واقع شود حتماً واقع شدنی است، آنچه میداند که واقع نمیشود یعنی نمیخواهد واقع شود حتماً واقع ناشدنی است پس وقوع هر چیزیکه خواسته الله جل جلاله است حتمی و واجب بوده و وقوع آنچه را که الله جل جلاله نخواسته محال و ممتنع است و هر یک از وجوب و امتناع از قدرت بشر خارج است پس مرجع و منشاء تمام افعال و اعمال بشر ، الله جل جلاله است .

همچنان الله جل جلاله بر فعل بندگان قادر است پس اگر فعل بندگان مستقل و به اختیار آنان باشد در این صورت جمع شدن دو موثر بر اثر واحد که محال است لازم میگردد، جبریها در این مورد به ذکر آیات قرآنی نیز استشهاد کرده اند از جمله این آیه کریمه:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ..»^۱ یعنی آن خداییکه آسمانها و زمین را بحق آفریده و روزیکه اراده او تعلق گیرد که امری واقع شود فوراً واقع میشود.

هکذا این آیه کریمه!

^۱. سوره الانعام. آیه 73

« وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ »¹

يعنى اگر الله جل جلاله میخواست کفار شرك به او نمی آوردند و ما ترا اى پیامبر نگهبان آنان قرار نداده ايم و وکيل آنان نیستى.

همچنان اين آيه كريمه:

« فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمِيتُ إِذْ رَمِيتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى... »² يعني شما مشرکان و کافران را نکشتيid بلکه الله جل جلاله آنها را کشت و تير يکه بسوی آنان انداختى اى پیامبر در واقع تو نیانداختى بلکه تير را الله جل جلاله انداخت.

و اين آيه كريمه:

« وَإِنْ يَمْسِكَ اللَّهُ بِبَصَرٍ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ »³ يعني اگر الله جل جلاله ضرری را به تو برساند پس هیچ دورکننده برای آن نیست مگر او تعالی.

و اين آيه كريمه:

« وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ... »⁴ يعني و رب تو پيدا میکند هر چه را که خواهد و میگزیند هر که را خواهد نیست بدست ایشان پسند کردن (اختیار).

و همچنان اين آيه كريمه:

« أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (63) أَلَّا تَرَمَّلُوا إِذْ نَحْنُ نَحْنُ الْرَّازِّعُونَ (64) لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَاماً... »⁵ يعني پس خوب بنگرید (آیا دیدید) آنچه را که میکاريد آیا

¹. سوره الانعام. آيه 107.

². سوره الارقال. آيه 17.

³. سوره الانعام. آيه 17.

⁴. سوره القصص. آيه 107.

⁵. سوره الواقعة. آيه 63-65.

میرویانید آنرا یا ماییم رویاننده، اگر خواهیم (هر آینه) بگردانیم آنرا گیاهی در هم شکسته پایمال شده (کاه بی دانه).

ج. دلایل عقلی و نقلی اختیاریها :

اگر انسان قادر به انجام کار و ترک آن نباشد مانند جماد است و در آن صورت برای جماد تکلیف را نمیتوان معین کرد و امر و نهی به جماد خلاف حکم عقل است و همچنان تعیین تکلیف برای کسیکه اراده و اختیار ندارد نزد عقل زشت و ناپسند است، آنچه با بداهت دیده میشود اینست که انسان در انجام کار و ترک خیلی کارها آزاد و مختار است مانند رفت و آمد، نشست و برخاست، خورد و خواب، و این امور کاملاً حسی، کلی و عمومی است. و هم در زندگی روزمره، اختیار ما در انجام و ترک کارها برای ما کاملاً محسوس است که عقل از آن انکار کرده نمیتواند. دیگر اینکه اگر افعال بندگان الله جل جلاله هم مکسوب الله جل جلاله باشد پس باید آنان از انجام هر کاری ناتوان باشند زیرا کاریکه مکسوب الله جل جلاله است برای مخلوق تحصیل حاصل است و ایجاد کار کسب ناشده الله جل جلاله هم برای بندگان غیر ممکن است پس نتیجه این میشود که بشر به کوچکترین کاری قادر نیست و این امر خلاف واقعیت و حقیقت زندگی ما میباشد.

همچنان اگر بنا باشد انسانی در کارهای خود مختار نباشد مجازات بدی و مكافات خوبی مورد ندارد، چون انجام کار به اختیار او نبوده است.

اختیاریها برای به کرسی نشاندن نظر خود از آیات متبرکه قرآنی که به سعی و اراده انسان و مسئولیت و آزادی او در انجام کارها یا ترک آن ارتباط میگیرد نیز تمسک کرده و از جمله آیات کریمه ذیل را ذکر نموده اند.

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...»^۱
یعنی روزی خواهد آمد که هر کس هر کار خوب یا بدی را که در دنیا کرده حاضر
و عیان می بیند.

و: «... مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَءِهِ...»^۲ یعنی هر کسی کار بد بکند جزای آنرا خواهد
دید.

و همچنان این آیه کریمه:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا...»^۳ یعنی هر کس کارنیکی انجام
دهد به سود خود او است و هر کس کار بدی بجا آورد به زیان خود او است.

د. راه وسط:

چنانچه قبل اشاره شد این موضوع که آیا بشر میتواند هر کاری را تنها و تنها
به میل و اراده خود انجام دهد و براساس فکر و دانش یا هوا و هوس خویش به هر
منظور و مقصودی برسد بی آنکه تقدیر و قسمت ازلی در آن دخالت یا تاثیری داشته
باشد از قدیم الایام مورد بحث و اختلاف فیلسوفان و علمای ادیان و ملت‌های مختلف
بوده است، از نظر جامعه شناسان هرچه روز به روز بر اکتشافات و اختراعات
انسان افزوده شده و توسعه می‌یابد عقیده به قدرت انسان در سایه دانش و بینش بیشتر
می‌گردد بی آنکه در عقیده ملت‌های الله پرست نسبت به وجود الله یگانه خالی روی دهد
بلکه هر قدر بیشتر به قوای طبیعت چیره شوند کشفیات و اختراقات بیشتر گردد
بزرگی و شگفتی آثار طبیعی آفرینش و قدرت آفریننده این جهان در نظر آنان بیشتر
می‌شود و شاید سر انجام اراده الهی و فیض ازلی، خود انسان را به مقام بالاتر
انسانیت برساند.

1. سوره آل عمران. آیه 30.

2. سوره النساء. آیه 123.

2. سوره فصلات. آیه 46.

از این همه آنچه که گفته شد باید به این نتیجه رسید که از این طرز دید افراطی و تفریطی (جبر مطلق و یا اختیار مطلق) هیچکدام آنها قابل پذیرش برای عقل سالم نبوده بلکه برای مؤمن الله پرست و پاک طینت لازم است راهی سومی را اختیار نموده و ضرورت های منطقی و بداهتها عقلی آندو طرز دید را در آن جمع نماید. راهیکه هم آزادی و اختیار محدود انسان مدنظر باشد و هم به مسئله قدر و قضاe که یکی از معتقدات اساسی و مومن به های متى شریعت اسلام است لطمه زده نشود^۱

در این راه سومی مومن پاک دل جبر و اختیار هردو محدود است. اختیار و آزادی انسانها حدودی دارد که تجاوز از آن ممکن نیست زیرا از یکطرف هیچکس خارج از توپایی عقلی، روحی، جسمی و فکری خود نمیتواند هرچه بخواهد و هوش کند انجام دهد، از طرف دیگر هیچ کس دست بسته و بی اختیار نیست که آنچه عقل او و فکر او و دانش او به او حکم میکند نتواند آنرا انجام دهد و خارج از اراده او باشد. طرز استدلال این مومن پاکدل اینطور است: واینکه بشر بصورت ظاهری در کارهای خویشتن آزاد و مختار است شکی نیست چون خواستن توانستن است لکن باید دید آیا این اختیار و آزادی بی حد و حساب است؟ و آیا بشر میتواند آزادی نا محدود داشته باشد؟ هرگزنه، بنابراین حکمت بالغه الله جل جلاله اقتضاء دارد که بشر در حین اختیار و آزادی عمل، محدود و مقید باشد تا نظام عالم مختل نشود و فرزند انسان در سایه عمل نیک بسوی کمال و سعادت گرایش نماید و ستم و بیداد گری از جهان رخت بر بندد. در قرآن مجید نیز آیات بسیاری اند که اعتدال و میانه روی و جلوگیری از افراط و تفریط را به انسان دستور میدهد و همه را در لباس امر به معروف و نهی از منکر و به پیروی از عدالت بیان میکند و در چند مورد ملت اسلام را «امت وسط و مقتصد» که مقصود آن همان اعتدال و میانه روی است،

^۱. علی الطنطاوی. همان اثر. ص: 158.

میخواند که میانه روی در موضوع جبر و اختیار نیز از این میانه روی بیرون نیست. الله جل جلاله در سوره رعد میرماید:

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ ...»^۱ یعنی الله جل جلاله خود روش هیچ قوم و مردمی را تغییر نمی دهد مگر وقتیکه خود آن قوم تغییر عادت و رویه دهد.

این خود دلیل بر اختیار محدود و آزادی مشروط فرزند انسان در کارها است زیرا شقاوت و سعادت انسان هر چند در لوح محفوظ ثبت شده است خوشبخت شدن و بدبخت شدن او بدست خود او است نهایت آنکه در لوح محفوظ ازل ثبت شده که این انسان بر اثر عمل و کار خود سعید و یاشقی خواهد شد یعنی صرف از سعادت و شقاوت او اخبار میکند یعنی در لوح محفوظ همه چیز به وصف است، نه به حکم. همچنان این آیه کریمه:

«... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ...»^۲ در عین محدودیت اختیار و آزادی، عمل دارد.

در حدیث شریف آمده است:

«اذا اراد الله امراه يا اسبابه» یعنی هر وقت الله جل جلاله اراده امری فرموده اسباب آن امر را فراهم مینماید.

از واقعیت و عینیت زندگی ما در جهان بر می آید که دنیا دار اسباب است، هیچ امری در آن بدون تهیه اسباب برای آن، بوقوع نمی پیوندد، وقتی پذیرفتیم که این جهان دار اسباب است و قبول کردیم که هیچ کاری بی سبب و آلت صورت نمیگیرد و گواهی دادیم که الله جل جلاله سبب ساز و وسیله ساز است آیا در این صورت

^۱. سوره ال وعد. آیه ۱۱.

^۲. سوره هود. آیه ۱۱۴.

شک خواهیم نمود که در تمام امور زندگی جنبش و حرکت از شیء، و سبب و برکت از الله جل جلاله است، اسلام انسان را به کار و عمل نیک امر میکند و تپنگی و جنبش را از مسلمانان میخواهد، چنانچه او تعالی میفرماید:

« هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا...»^۱.

پس انسان نه آزادی مطلق دارد و نه مجبور محض است و در عین حال وقوع و حدوث همه امور در دنیا پیش از آنکه واقع شود یا حادث گردد در لوح محفوظ ثبت شده و الله جل جلاله میداند که آن امر کی و چگونه واقع و یا حادث میگردد.

از نظر عقیده اهل سنت و جماعت انسان در اعمال خود دارای اختیار و آزادی بوده تا با اختیار نمودن امور نیک هم به نفس خود مفید شده و هم مصدر خدمتی برای همنوعان خود گردد و رضای پروردگار خود را نیز کسب نماید و یا با اختیار نمودن امور زشت و ناپسند، خود را در انتظار مردم زشت و ناپسند ساخته و هم قهر و غصب پروردگار خود را بر می انگیزد، این هر دو طریق خیر و شر در برابر او گسترده است و برایش به تفصیل با نتایج حاصله آن معرفی شده است: « وَهَدِيَّنَاهُ الْجَدِيْنِ »^۲ یعنی ما به او هر دو راه خیر و شر را نشان داده ایم.

« إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا »^۳ یعنی ما راه را به او نشان دادیم که یا شکر کند و یا کفران نعمت نماید.

الله جل جلاله خالق اعمال ولی انسان بحیث فاعل مختار کاسب آن میباشد.

^۱. سوره الملک. آیه ۱۵.

^۲. سوره الہلک. آیه ۱۰.

^۳. سوره الانسان. آیه ۳..

9. معاد و رستاخیز:

یکی از اصول معتبر نظام اعتقادی اسلام عقیده به معاد و رستاخیز است که در قرآن کریم از آن بروز قیامت، یوم الآخرة، القارعة وسایر نامها یاد شده است، هر فرد مسلمان باید اعتقاد به زندگی پس از مرگ داشته و قایل به روز جزا و محاسبه خداوندی باشد که انسان هر آنچه که در این دنیا انجام میدهد خداوند جل جلاله با محاسبه دقیق خود ثواب و عقاب او را میدهد و حق هیچ کسی را ضایع نمی سازد. الله جل جلاله میفرماید:

« وَأَنْ لَيْسَ لِإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى (39) وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (40) ثُمَّ يُجْزَاهُ
الْجَزَاءُ الْأَوْفَى (41) وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى (42) »¹ یعنی برای انسان به جز سعی و تلاش چیز دیگری نیست، کوشش او برایش زود است نشان داده شود و بعد از آن ثواب مناسب کوشش او داده خواهد شد و هر آینه بازگشت نهایی بسوی پروردگارت میباشد.

و: « فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8) »² یعنی پس هر کس به اندازه ذره یی عمل نیک انجام دهد ثوابش را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره یی عمل زشت را انجام دهد عقابش را خواهد دید.

و همین آیات متبرکه قرآنی است که انسان اندیشمند و متعهد را به انجام اعمال نیکو تحضیض نموده و از اعمال زشت و ناپسند باز میدارد.

در قوم یهود با اینکه پیامبران الهی مبعوث شده ولی با آنهم در بین این قوم سرکش تا قرن چهارم و سوم پیش از میلاد عقیده راسخی نسبت به رستاخیز وجود

¹. سوره النجم. آیه 39-42.

². آخر سوره الزلزله.

نداشته و به این فکر بودند که انسانها جزای اعمال خود را در همین دنیا می‌بینند و ثواب و عقاب اخروی وجود ندارد، ولی زمانیکه با ملتهای بابلی، یونانی و فارسی روابط و علایقی پیدا کرده عقیده به معاد و رستاخیز در بین آنان راه خود را باز نموده است.

و همچنان عقیده به معاد در ادیان بزرگ هند (ودایی، برهمایی، هندویی معاصر، دین بودا و جین) به این شکلی که در ادیان الهی و دین مقدس اسلام مطرح می‌شود وجود نداشته و در عوض به اصل «تناسخ ارواح» معتقد بوده که پی در پی میان موجودات زنده از جمله انسان جریان دارد و انسان از این طریق ثواب می‌بیند و یا عقاب می‌شود صرف اینکه در دین بودا و جین انکشافی در این عقیده بمیان می‌آید و پیروان آن ادیان اصل دیگری بنام «نیروانا» را به آن علاوه می‌کنند به اینطور که ارواح انسانها بعد از رهایی یافتن از تناسخهای پی در پی بالاخره به «نیروانا» پیوست خواهد شد و زندگانی جاویدان خود را آغاز خواهد نمود که تفصیل اصل «نیروانا» در دین بودا و جین در مباحث مربوطه قبل^۱ ارائه شده است.

معد و رستاخیر مقارن ظهور اسلام منکرانی در جزیره العرب داشته است و برخی مشرکان به قیامت، معاد جسمانی و محاسبه خداوندی اعتقاد نداشته و زمانیکه آیاتی در این مجال از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تلاوت می‌گردید آنها از قبول آن در شک و تردید افتیده و غالباً آنرا نمی‌پذیرفتند تا اینکه آیاتی مربوط به داستان حضرت عزیر علیه السلام و اطمینان قلبی حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام را شنیده و برخی آنها به آن اعتقاد پیدا نموده و آهسته آهسته عقیده به رستاخیز

^۱. غوستاف لوپون . همان اثر. ص : 621-623.

در بین اقوام و قبایل عرب با پخش دین مقدس اسلام گسترش بیشتری یافت و بر نظام های اعتقادی ادیان هندی، بودایی، جینی و زرتشتی تأثیر وارد نمود.

بعد از محاسبه خداوندی نیکو کاران به بهشت رفته و زشت کاران راهی دوزخ و آتش می شوند، قرآن کریم از نعمت های بهشت و از عذاب الیم دوزخ بعباراتی تعبیر میکند که انسان در دنیا با آن آشنایی و انس دارد.

قرآن کریم در مورد نعمت های بهشت میفرماید:

«**مَثُلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا...**»^۱
یعنی جنتیکه پرهیزگاران را وعده داده شده جویها در زیر آن جاری است، خوردنیها و سایه های آن دائمی میباشد. و همچنان میفرماید :

«**وَلِمَنْ حَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶) فَبِأَيِّ الَّاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)** ذَوَاتًا أَفَنَانٍ
(۴۸) فَبِأَيِّ الَّاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹) فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰) فَبِأَيِّ الَّاءِ رَبُّكُمَا
تُكَذِّبَانِ (۵۱) فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ رُّوْجَانٍ (۵۲) فَبِأَيِّ الَّاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳) مُتَّكِئِينَ
عَلَى فُرْشٍ بَطَانِهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّاتِيْنِ دَانٍ (۵۴) فَبِأَيِّ الَّاءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)»^۲ یعنی برای کسیکه (در وقت گناه) از پیشگاه پروردگار خود میترسد
دو جنت وجود دارد پس کدام یک از نعمت های پروردگار تان را تکذیب میکنید
و منکر آن میشوید (ای انسانها و جنها! که مسلمًا از آن منکر نمی شوید)، چنان
جنتهاییکه درخت های آن دارای شاخه های بسیار اند پس کدام یک از نعمت های
پروردگار تان را تکذیب میکنید و منکر آن میشوید (ای انسانها و جنها! که مسلمًا از
آن منکر نمی شوید)، درین دو جنت از هر نوع میوه ها دو دو جفت میباشد پس کدام
... در این دو جنت دو چشمی همیشه روان است پس کدام ... جنتی ها بر چنان

^۱. سوره الوعد. آیه ۳۵..

^۲. سوره الرحمن. آیه ۴۶-۵۵.

فرشـهـای زـنـدـگـی مـیـکـنـد کـه اـسـتـرـهـای آـن اـز اـبـرـیـشـم بـودـه و مـیـوـهـهـای اـین دـو جـنـت
برـای آـنـها بـسـیـار نـزـدـیـک مـیـبـاشـد پـس کـدام ...
و در مورد عذاب الـیـم دـوـزـخ مـیـفـرـمـاـید:

«كَلَّا لَيَنْبَدَنَ فِي الْحُطَمَةِ (4) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةِ (5) نَارُ اللَّهِ الْمُوْقَدَةُ (6)
الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْنَادِ (7) »^۱ یعنـی نـیـسـت چـنـین بلـکـه قـسـم است کـه حـتـمـاً در آـتشـ سـوـزـانـ اـنـدـاـخـتـه مـیـشـونـد و چـه چـیـزـ تـرا فـهـمـانـد کـه حـطـمـه چـیـست؟ آـتشـ در گـرفـتـه اللهـ است چـنانـ آـتشـی کـه برـدـلـهـا اـثـرـ دـارـد.

قبل اـز قـیـام رـسـتـاـخـیـز دـو «صـور» توـسـط فـرـشـتـه موـظـف اـسـرـافـیـل (ع) دـمـیدـه مـیـشـوـد در صـور اـول اـعـلـان مـرـدـن تمام زـنـدـه جـانـهـا و مـعـدـوـمـیـت جـهـانـ مـادـی است وـ با دـمـیدـن صـور دـوـم زـنـدـه جـانـهـا یـیـکـه مرـدـه اـنـد دـوـبـارـه زـنـدـه گـرـدـیدـه وـ بـسـوـی مـیدـان حـشـر در حـرـکـت مـیـشـونـد. هـنـگـام مـحـاسـبـه خـداـونـدی (ج) مرـدـم بـه سـه گـروـه تقـسـیـم مـیـگـرـدـند: گـروـهـی نـیـکـوـکـارـانـ است کـه بـه بـهـشـت مـیـرـونـد، گـروـهـی زـشتـ کـارـانـ اـنـد کـه رـاهـی عـذـاب درـدـنـاـک دـوـزـخ مـیـشـونـد وـ گـروـه بـینـ الـبـین کـه جـایـی بـینـ بـهـشـت وـ دـوـزـخ بـرـای آـنـها درـ نـظـر گـرفـتـه شـدـه است کـه شـایـد اـطـفـال مـشـرـکـیـن وـ بـرـخـی گـروـهـهـای دـیـگـرـدرـآن جـابـجا مـیـشـونـد.

به اـین مـحـاسـبـه خـداـونـدی (ج) نـه تـنـه اـنـسانـهـا کـشـانـیـدـه مـیـشـونـد بلـکـه سـایـر زـنـدـه جـانـهـا نـیـز حـضـور بـهـم رـسـانـیـدـه ثـوـاب وـیـا عـقـاب مـیـشـونـد.

یـا جـوـج وـماـجـوـج کـه ظـهـور شـان در پـایـان زـنـدـگـی دـنـیـوـی یـکـی اـز عـلـایـم وـنـشـانـهـای قـیـامـت گـفـتـه مـیـشـوـد نـیـز بـه مـحـاسـبـه خـداـونـدی (ج) کـشـانـیـدـه مـیـشـونـد، جـنـهـا نـیـز جـزـ جـزاـشـونـدـگـانـ اـنـد.

^۱ سورـه الـهـمـزـة آـيـه 4 - 7.

جنت و دوزخ با الهامیگری از نصوص قرآن کریم همین اکنون وجود دارند و دومخلوق الله جل جلاله است که همواره وجود خواهند داشت و مومنان نیکو کار و مشرکان در آنها ثواب و عقاب همیشگی را خواهند دید. در قرآن کریم به خلوت کافران در دوزخ صراحت هایی وجود دارد ولی این موضوع معلوم نیست که آیا دوزخ جاودانه خواهد ماند و یا اینکه در اثر فضل و کرم الله جل جلاله از بین خواهد رفت که سخن جدأگانه است ولی قدر مسلم اینست که تا زمانیکه دوزخ وجود دارد کافران در آن جاویدانه تعذیب خواهند شد^۱.

قرآن کریم در مورد بهشت و دوزخ بیان مفصلی دارد و شاید در هیچ موضوع اینقدر تفصیل وجود نداشته باشد، در قسمت بهشت از همه آن نعمتها توصیفی بعمل آمده که انسان در زندگی مادی دنیوی خود آنرا شناخته است چنانچه در قسمت دوزخ از عذابهای دردناکی صحبت به میان می آید که انسان در تصور خود دارد.

10. عقیده به مغیبات:

در دین مقدس اسلام عقیده داشتن به وجود مغیبات یک امر حتمی میباشد که در این مبحث چند موضوع مهم آنرا مورد بحث و تحقیق قرار میدهیم:
یکی از موضوعات مهمی که در فلمرو میتافزیک مورد بحث قرار میگیرد عبارت از «روح» می باشد، در قرآن کریم با اینکه در مورد «روح» تذکر تفصیلی بعمل نیامده است ولی چون از طریق اعتقاد به موجودیت روح مساله معاد و رستاخیز مطرح بحث میگردد بنا بر آن ما ناگزیریم راجع به روح در صدر مسایل میتافزیک اسلامی بررسی هایی اجمالی داشته باشیم:

^۱. محمود شلتوت. الاسلام عقيدة و شريعة. (القاهرة : الازهر، 1959) ص 39.

در قرآن کریم در برخی موارد تماسی با مسئله روح صورت گرفته است. الله جل جلاله میفرماید:

« فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ »^۱ یعنی زمانبکه او (Adam) علیه السلام را ساختیم و از روح خود در او دمیدیم پس فرشتگان به او سجده کرند. و همچنان:

« فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (83) وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ (84) »^۲

که حکایه از رسیدن روح به حلقوم در آن صورت گرفته است.

برخی از اندیشمندان اسلامی روح را چنین تعریف نموده اند: « روح عبارت است از عنصر بی رنگ، بی بو و بی حجم که لمس نمیشود و وقتیکه وارد جسم مادی گردد آنرا حرکت می آورد و سبب زندگی آن جسم میشود و هر گاه از آن جسم خارج شود آن جسم به فساد میگراید ولی روح کماکان به مو جو دیت خود ادامه میدهد ».

قرآن کریم حقیقت و ماهیت روح را بیان نکرده است که شاید علت این امر این باشد که عربها و انسانهای آن زمان توانایی درک مفهوم روح را نداشته اند، چه روح یک پدیده مغلق ونا شناخته است که تا هنوز تعریف مناسب و قریب به واقع برای آن صورت نگرفته است^۳، ولی عدم بیان حقیقت و ماهیت روح توسط قرآن کریم چنین معنی را نمیدهد که راجع به آن تحقیق صورت نگیرد و به بیان علمی آن پرداخته نشود، چه هر مجھول این چنین وصفی دارد که بعد از تحقیق آن یا به حقیقت آن متوصل میشویم و یا اینکه به حقیقت آن پی نمیریم.

^۱. سوره الحجر. آیه 29.

^۲. سوره الواقعه. آیه 83-84.

^۳. شلوت. همان اثر. ص: 28.

چنانچه از آیه ذیل بوضاحت فهمیده میشود که روح از عالم مادی نبوده و عقل انسانی و تفکر بشری توان درک حقیقت و ماهیت آنرا ندارد:

« وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أُوتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَبِيلًا»^۱
یعنی ای پیامبر ترا از حقیقت و ماهیت روح میپرسند بگو از امر پروردگار من میباشد و برای شما جز نصیبه‌ی کمی از دانش داده نشده است.

و آنچه نصوص قرآنی و ارشادات نبوی صلی الله علیه وسلم برآن دلالت دارد اینست که روح بعد از مرگ همچنان باقی می‌ماند در حالیکه در آرامش و یا عذاب بسر میبرد^۲.

« وَلَا تَحْسِنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءً عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
(۱۶۹) فَرِحِينٌ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... »^۳ یعنی گمان نبرید آنایرا که در راه الله جل جلاله کشته شده اند، کشته شده گان بلکه آنها زنده اند که نزد پروردگار شان میخورند، و از آنچه که الله به فضل خود به آنها داده است خوشنود میباشند.

یکی از موضوعات مورد بحث مغایبات اسلامی موضوع موجودیت فرشتگان وجودها است. فرشتگان موجودات لطیفی اند که میتوانند به اشکال گوناگون خود را متشكل گردانند. هشت فرشته حامل عرش برین الله جل جلاله است، چهار تن فرشتگان مقرب، وظایف بس خطیری را انجام میدهند چنانچه حضرت جبریل علیه السلام رسانیدن وحی الهی، حضرت میکائیل علیه السلام رسانیدن روزی برای زندگان، حضرت عزرائیل علیه السلام وظیفه قبض روح و حضرت اسرافیل علیه السلام دمیدن « صور» را بعهده دارند. دوازده فرشته موظف نگهبانان دوزخ اند

^۱. سوره الاسراء. آیه ۸۵.

^۲. محمود شلتوت. همان اثر. ص: ۲۸.

^۳. سوره ال عمران. آیه ۱۷۰-۱۶۹.

وده ها فرشته دیگر برای ده ها کار دیگر موظف شده اند. فرشتگان موجودات مطیع و فرمانبردار الله جل جلاله اند که همیشه مصروف تسبیح و تهلیل الله جل جلاله بوده و مبری از صفات انوثت و ذکورت میباشند.

جنها نیز از موجودات و مخلوقات الله جل جلاله بوده که برای عبادت پروردگار خلق شده و از اعمال نیک وزشت خود مسؤول میباشند، جنها قبل از موجودیت انسان در جاهای معموره مناسب زندگی داشته و بعداً به کوه ها رانده شدند و اکثراً در مخربه ها زندگی میکنند، آنها خوب و بد، مضر و مفید داشته که آیه 120 سوره هود و آیه 11 سوره جن نیز از آنها حکایه دارد.

شیطان یا ابلیس با اینکه از نوع فرشتگان نبوده وابتدا در جمله فرشتگان مقرب الله جل جلاله زندگی داشته و بعد از خلقت حضرت آدم عليه السلام به سبب استکبار وaba ورزیدن از سجده به آدم عليه السلام، ملعون الله جل جلاله گردیده و به اغوایگری انسان پرداخته است. در دین زرتشت از شیطان بنام «اهریمن» یاد شده و در برخی ادیان دیگر بنام ارواح شریره و خبیثه از آن ذکری بعمل آمده است.

ذکر شیطان در قرآن کریم برخی کوتا فکران را برآن وا داشته است که به دین اسلام از لحاظ اعتقادی صبغه ثنوی دهنده و آنرا با ادیان زرتشتی، مانی و ادیان چین مقارنه نمایند در حالیکه این چنین پندار اساس علمی نداشته و دور از انصاف خواهد بود که الله جل جلاله و شیطان عليه اللعنه در دین مقدس اسلام بازیزان و اهریمن زرتشتی یا با روشنی وتاریکی دین مانی و یا هم با خداوند مذکر و مونث دین لائوتسه چین مقایسه و مقارنه شوند. الله جل جلاله در اسلام ذات ازلی و ابدی است، خالق همه چیزها است در حالیکه شیطان در دین اسلام مخلوق و محکوم به فنا است.

در میتا فزیک اسلامی زمین و آسمان در شش روز خلق شده است و این مدت دلالت بر ضعف الله جل جلاله ننموده بلکه به اساس عمد نظری و حکمت بالغه وی

صورت گرفته و او از خلقت آنها خسته و مانده نشده است، چنانچه آیه 38 سوره قجنین صراحت دارد:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ»
يعنی وما زمین، آسمان و آنچه بین آنها است همه را در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید.

میزان، یکی از مغایبات معتقدات نظام اعتقادی اسلام است، میزان یک مخلوق خداوند است و شباہتی با میزان معمولی دنیا ندارد، میزان وسیله تعیین و اندازه گیری اعمال خیر و شر انسانها بوده تا انسانها عمل پیمانه حسنات و سیئات خود را ببینند و از عدل الهی راضی شوند. الله جل جلاله از میزان در آیه 8 سوره الاعراف چنین نام برده و میفرماید:

«وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ...»
یعنی سنجیدن اعمال نیک و رشت در این روز حق است.

صراط، نیز یکی از مغایبات اسلامی بوده که بعد از محاسبه خداوندی اشخاص نیکوکار و رشت کار به مرتع و مسکن دائمی خویش از راه باریک و تاریکی که بنام پل صراط یاد شده عبور مینمایند، کافران و گناهکاران از آن عبور کرده نتوانسته و در بین جهنم سقوط میکنند، رستگاران و مومن ها موفقانه از آن میگذرند و داخل جنت میشوند. در حدیث پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«وَيُضَرَّبُ الصِّرَاطُ عَلَى ظَهَرِ جَهَنَّمِ فَإِنَّمَا وَأَمْتَى أَوَّلَ مَنْ يَمْرُ».
یعنی پل صراط بر پشت دوزخ ساخته میشود پس من و امتم اولین کسانی هستیم که از آن موفقانه میگذریم.

قلم و لوح، دو مخلوق نورانی الله جل جلاله بوده که جهت تحریر و ثبت تمام آنچه که از ازل تا روز قیامت حادث و کائن میگردد خلق شده اند، حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه وسلم است که در مورد قلم میفرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلْمَ فَقَالَ لَهُ أَكْتُبْ قَالَ رَبِّ وَمَاذَا أَكْتُبْ قَالَ أَكْتُبْ مَقَادِيرَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ» یعنی اولین چیزیکه الله جل جلاله آفرید عبارت از قلم بود پس برایش گفت: بنویس! گفت: پروردگارا! چه چیز را بنویسم؟ گفت: بنویس اندازه های همه چیز را تا وقتیکه قیامت قایم میشود.

لوح یک مخلوق الهی است که قلم برآن می نویسد و قرآن کریم از آن چنین ذکری بعمل می آورد:

«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (21) فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (22)»^۱ یعنی بلکه آن قرآن مجید است که نوشته شده در لوح محفوظ.

قلم ولوح نمونه و تمثالی از علم، قدرت، قدر و قضای الهی میباشد.

عرش و کرسی که مخلوقات نورانی الله جل جلاله بوده و در میتافزیک اسلامی بحیث یکی از مومن به های مهم مورد مطالعه قرار میگیرند. عرض عرش این مخلوق بزرگ بر تمام عالم هستی احاطه دارد و افضلتر از تمام جهان موجودات است، چهار فرشته آنرا حمل کرده و در روز رستاخیر هشت فرشته آنرا خواهند گرفت، موجودی است که ما از حقیقت و ماهیت آن اطلاع کافی نداریم و بر هر مومن واجب است تا به موجودیت عرش ایمان داشته باشد، چنانچه الله جل جلاله میفرماید :

۱ . سوره البروج، آیه 21-22.

«وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ...»^۱ یعنی و می بینید فرشته گان را گردانند گان به حول و دور عرش که به ستایش الله جل جلاله تسبیح میگویند. و در مورد کرسی چنین میخوانیم :

«...وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...»^۲ یعنی کرسی او فراگرفته است آسمانها و زمین را.

عرش و کرسی از جلال و کبریایی ذات الله جل جلاله نمایندگی میکنند.

حوض، نیز یکی از معیبات نظام اعتقادی اسلام است به اینطور که هر یک از پیامران علیهم السلام در روز قیامت دارای حوضهای مخصوص بخود اند، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نیز دارای حوض بزرگی است که آبش سفید تر از شیر و بویش مطبوعتر از مشک است، تشنگی را برای همیشه رفع میکند، صراحی های آن مانند ستارگان آسمان میدرخند، صرف مومنان میتوانند از این حوض بنوشنند نه کافران، چون آب حوض بیشتر و صفات خوب آن زیادتر است لذا بنام حوض کوثر نیز یاد میگردد.

^۱. سوره الزمر، آیه 75.
^۲. سوره النور، آیه 245

فصل هشتم

چگونگی مقارنه ادیان

۱. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با ادیان وضعی:

اگر چه اکثریت نویسندهای کتب مقارنه ادیان ، دین مقدس اسلام را با ادیان وضعی مقارنه و مقایسه نموده و هم برخی ادیان وضعی را بین خود نیز مقارنه کرده اند اما به نظر اینجانب این مقارنه لزوم چندانی ندارد، چه مقارنه ادیان وضعی بین خود که همه باطل اند برای ما فاقد اهمیت است و هم مقارنه دین مقدس اسلام که یک دین سماوی و الهی است با ادیان وضعی که بدستان افراد و اشخاص انسانی وضع و تاسیس شده اند لزوم مقارنه در بین آنها دیده نمیشود، ما چه چیز و کدام وجه مشترک بین دین مقدس اسلام و ادیان وضعی را مقارنه و مقایسه بگیریم؟
ما درینجا عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام را با برخی ادیان وضعی بطور نمونه پیگیری مینماییم.

الف. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین هندویی:

چون دین مقدس اسلام یک دین سماوی بوده و دین هندویی یک دین وضعی است پس بعد از توجه و دقت در هر دو دین بوضاحت فهمیده میشود که در بین این دو دین اصلاً هیچ وجه مشترکی وجود ندارد. نظر دین اسلام در مورد انبیاء الله علیهم السلام اینست که الله علیهم السلام برای هر قوم به زبان خود شان پیامبری ارسال میکند و این سلسله از حضرت آدم الله علیهم السلام شروع شده و به حضرت محمد الله علیهم السلام خاتم انبیاء پایان یافته است در حالیکه در دین هندویی اصلاً پیامبری وجود ندارد و حتی مؤسس آن نیز معلوم نمیباشد و به اساس روایات کتب ویدایی و سایر متون بشری استوار میباشد.

در دین اسلام عرب بر عجم، سفید بر سیاه، غنی بر فقیر امتیاز ندارد، معیار کرامت و فضیلت تقوی یک شخص میباشد در حالیکه در دین هندویی تناقضات طبقاتی به اوج خود رسیده است.

در دین اسلام به وجود خدای واحد عقیده وجود دارد در حالیکه در دین هندویی شرک و چندگانه پرستی مطلق وجود دارد.

در دین اسلام نظام اعتقادی خاصی وجود دارد که بدون ابهام بیان شده در حالیکه در دین هندویی تضاد صریحی در بین عقاید موجود میباشد، در دین مقدس اسلام نفرت کردن یک قوم از قوم دیگر به صراحة رد شده و گفته میشود که شاید قوم مورد نفرت از قوم نفرت کننده خوبتر باشد در حالیکه در دین هندویی تنفر یک قوم نسبت به قوم دیگر وجود دارد.

در دین مقدس اسلام برای عبادت الله ﷺ به کدام واسطه و قوة دیگری ضرورت دیده نمیشود در حالیکه در دین هندویی بتها بین خدا و انسان و ساطت کرده و یک دین شرکی میباشد.

در دین مقدس اسلام قربانی انسان وجود ندارد در حالیکه در دین هندویی همواره از قربانی انسانی سخن بمیان می آید.

دین مقدس اسلام در بخش‌های اخلاقی، سیاسی، خانوادگی، اقتصادی و غیره دارای نظامهای خاصی میباشد در حالیکه در دین هندویی نظامهای خاصی در این موارد دیده نمیشود و بر بنیاد رسوم و تقالید بی اساس استوار است.

در دین مقدس اسلام دختر سهم معینی در میراث دارد در حالیکه در دین هندویی این سهم برای دختر وجود ندارد.

دین مقدس اسلام یک دین جهانی است و روز بروز در جهان گسترش میابد در

حالیکه دین هندویی منحصر در سرزمین هندوستان میباشد. در دین اسلام عقیده به تناسخ ارواح و حلول وجود نداشته در حالیکه در دین هندویی این دو عقیده از عقاید مرکزی و اساسی به شمار میروند. در دین اسلام گاو و یا کدام حیوان دیگر مورد احترام و عبادت واقع نشده در حالیکه در دین هندویی گاو یک حیوان مقدس بوده و کشتن آن ناجایز میباشد. و تفاوت‌های دیگر از این قبیل.

ب. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین بودایی:
دین مقدس اسلام یک دین سماوی است در حالیکه دین بودایی یک دین وضعی میباشد.

دین مقدس اسلام بر بنیاد تعالیم یک پیامبر الهی استوار است در حالیکه دین بودایی بر بنیاد تعالیم شخص بودا استوار میباشد که پیامبر الهی نیست.
دین مقدس اسلام مخالف سر سخت گوشه نشینی و رهبانیت است در حالیکه دین بودایی رهبانیت را رهبری میکند.

در نظام دینی اسلام مرد متکلف نفقة خانم و اولاد صغیر خود بوده در حالیکه بودا در سن 29 سالگی خانم و یگانه فرزنش را رها کرده و خود راهی دشت و صحراء شده است.

در دین اسلام کاسب دوست الله است و خیرات خواستن رشت و ناپسند میباشد در حالیکه در دین بودایی برای افراد و اشخاص اجازه داده شده تا خیرات را جمع آوری کرده و شکم خود را سیر نمایند.

در دین اسلام عقیده تناسخ ارواح مردود دانسته شده در حالیکه در دین بودایی عقیده تناسخ ارواح تبلیغ میگردد.

از همه مهمتر اینکه در دین مقدس اسلام به الله واحد عبادت صورت میگیرد در حالیکه در زمان بودا دین او فاقد ارزش متعالی و وجود خدا بوده و بعد از وی پیروان متعصب، او را بحیث معبد پذیرفته اند

در دین مقدس اسلام برای قربانی حیوانات ارزش خاصی وجود دارد در حالیکه در دین بودایی به قربانی حیوانات پشت پازده شده است. و از این قبیل تفاوت‌های دیگر.

ج. عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین زرتشت:

دین مقدس اسلام به اساس وحی الهی و تعالیم حضرت محمد ﷺ که هویت او بعنوان پیامبر الهی معلوم است استوار میباشد در حالیکه دین زرتشت بر بنیاد تعالیم یک شخص مبهم بنام زرتشت بناء یافته که نزد یکتعداد او یک شخص افسانوی بوده وجود واقعی نداشته است.

کتاب مقدس دین اسلام قرآنکریم کلام الهی است که از هر گونه تحریف و تغییر مصtein و محفوظ مانده است در حالیکه کتاب اوستا کلام انسانی است و با شروح آن چنان خلط شده که تفکیک آنها از هم نا ممکن شده است.

در دین مقدس اسلام به الله واحد عبادت صورت میگیرد در حالیکه در دین زرتشت به دو خدا (یزدان و اهریمن) اعتقاد وجود دارد و عبادت صورت میگیرد.

دین مقدس اسلام در تمام ساحات دارای نظامهای خاصی است در حالیکه دین زرتشت فاقد چنین نظامها بوده و بیشتر به رسوم و عادات استوار میباشد.

دین مقدس اسلام یک دین سماوی و جهانی است که در جهان رو به گسترش بوده در حالیکه دین زرتشت یک دین وضعی و محدود قومی است که آهسته آهسته رو به انحطاط میرود. و تفاوت‌های دیگر.

و همچنان این عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با هر دین وضعی دیگر یک امر مسلم است و ضرورت وجود ندارد که این دین کامل سماوی را که دارای

خصوصیت و شمولیت در همه جاها، همه زمانه‌ها و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان است با ادیان کوچک دیگر که کدام مشکل فردی و اجتماعی انسان را نه در دنیا و نه در آخرت حل کرده نمیتواند، مقارنه و مقایسه کنیم، و در فوق ما این حقیقت را صرف در سه دین وضعی با ذکر برخی مثالها یادآوری نمودیم تا مشت نمونه خروار باشد.

2. مقارنه عدین مقدس اسلام با ادیان سماوی دیگر:

چنانچه بارها گفته شده تمام ادیان سماوی از دین حضرت آدم^{علیه السلام} گرفته تا دین خاتم النبین^{علیه السلام} در اصول اعتقادی، اصول عبادات و اصول معاملات، باهم یکی بوده و کدام تفاوت در بین شان دیده نمیشود ولی در امور عملی و احکام فرعی، چگونگی اجرای عبادات و معاملات نظر به مقتضای عصر و زمان و امکانات عملی آن با هم تفاوت داشته است.

بطور مثال در دین حضرت آدم^{علیه السلام} چون ضرورت شدید به نسل انسانی وجود داشته و هم حضرت آدم و حوا علیهما السلام اولین والدین انسانی در روی زمین بوده اند، نکاح برادر با خواهر خود جواز داشته مشروط بر اینکه هردو دوگانگی یک بطن و حمل نبوده باشند، چه حضرت حوا علیها السلام بیست بار حمل گرفت و در هر بار یک بچه و یک دختر بدنیا آورد، حضرت آدم^{علیه السلام} دختر بطن و حمل بعدی را به بچه بطن و حمل قبلی به ازدواج میداد، در حالیکه در شرایع سماوی بعدی ازدواج برادر با خواهر جوار نداشته است.

در شریعت حضرت یعقوب^{علیه السلام} به نکاح گرفتن دو خواهر در یک وقت جواز داشت چنانچه او دو دختر مامای خود را در حالیکه هر دو حیات بودند به ازدواج گرفته بود، نام یکی از آنها لیئه و از دیگر آنها راحل بود. و در زمان همین پیامبر جلیل

القدر جزاء و حد شرعی عمل دزدی این بود که دزد باید بحیث غلام در ملکیت صاحب مال دزدی شده قرار میگرفت. و بهمین منوال است تفاوت در چگونگی عبادات، معاملات، عقوبات وسایر امور عملی و احکام فرعی.

اما در اصول دین هیچ تفاوتی بین ادیان سماوی وجود نداشته، مانند اعتقاد به وجود الله واحد، وجود انبیاء الهی ، وجود کتابهای سماوی، وجود فرشتگان، وجود قضاوی قدر، وجود پل صراط، جنت، دوزخ، جن و شیطان. این اصول مشترکی است بین دین حضرت آدم، حضرت شیعیت، حضرت ادريس، حضرت نوح ، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت زکریا، حضرت یحیی، حضرت عیسی و حضرت محمد مصطفی سلام الله علیهم اجمعین که بطور نمونه نامهای چند تن معروف ایشان به ترتیب زمانی ذکر گردیدند.

الف. مقارنة دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنونی:

اگر به دین یهودیت از لحاظ تاریخی دقت صورت گیرد این دین دارای سابقه تاریخی و مقدس و سماوی بوده که به اساس تعالیم انبیاء کرام بنی اسرائیل استوار میباشد ولی وقتی که حالت کنونی این دین در نظر گرفته شود تفاوتها ذیل در آن دو وجود دارند:

دین مقدس اسلام دارای کتاب سماوی (قرآنکریم) بوده که مسئون از هر گونه تحریف و دستبرد انسانی میباشد ولی کتاب تورات یهودیت بدست مفسران آن چنان تحریف و مورد دستبرد قرار گرفته که اصلاً نمیشود به کتاب کنونی این دین کتاب سماوی گفت.

دین اسلام یک دین جهانی است در حالیکه دین یهودیت کنونی یک دین مربوط به قوم یهود میباشد.

دین اسلام به تمام انبیاء کرام الهی اعتقاد داشته در حالیکه دین یهودیت کنونی صرف به حضرت موسی و حضرت هارون علیهم السلام اعتقاد و باور داشته و سایر انبیاء الهی را نه تنها بحیث انبیاء الهی نمی شناسد بلکه در مورد آنان سخنان ناشایسته را نیز ابراز میدارد.

دین اسلام دین صلح، سلام و امن میباشد در حالیکه دین یهودیت کنونی دین ظلم، بی ثباتی و بی امنی است^۱.

و اینک یکبار دیگر برخی اعتقادات دیگر یهودیت کنونی را ذیلا از ذهن میگذرانیم که یقینا هیچکدام از اعتقادات آن قابل مقائمه با اصول اعتقادی شریعت اسلامی نمیباشد:

اگر بتاریخ یهودیان مراجعه صورت گیرد به وضاحت فهمیده میشود که این قوم سرکش همیشه بسوی شرک، تجسیم و نفع جویی تمایل داشته و روی این انحراف عقیده وی آنها است که اللہ ﷺ پیامبران زیادی را به آنان مبعوث ساخته است. آنها بعد از بیرون شدن از مصر گوسلة سامری را پرستش کرده و هم مار بزرگی را مورد عبادت قرار داده اند. یهوه نام خدای آنان است ولی یهوه از نظر آنها همیشه خطای کار است، به دزدی امر میکند، متعصب و بی رحم است، یهوه از نظر آنها تنها خدای بنی اسراییل است و با دیگران دشمنی دارد.

یهودیان حضرت اسحاق ﷺ را ذبح الله میگویند در حالیکه ذبح الله اصلا حضرت اسماعیل ﷺ میباشد.

یهودیان با فکر مادی ایکه دارند علاقه چندان به اعتقاد به روز قیامت، ثواب و عقاب اخروی ندارند و در دین یهودیت کنونی هم اشاره های سطحی به این موضوعات

۱. شاهد، ایس. ایم. دنیوی او مذهبونو پیشنه او د ادیانو پرتله ژباره جمال الدین عرفان پهلوی: دانش خپرونو یولنه، ۱۳۸۶ ش. ص: ۶۶۷-

صورت گرفته است. از نظر انها ثواب و عقاب در این دنیا داده می شود. ثواب یعنی پیروزی در این دنیا، و عقاب یعنی ناکامی، بردگی و ذلت در این دنیا.

از نظر انها یهودیان مقدس اند و غیر یهودیان ناپاک اند و مانند حیوانات و از جمله سگها و خوک هایی اند که هر نوع خیانت در برابر ایشان سبب اجر و تقرب نزد خداوند می گردد.

از نظر یهودیان حضرت عیسیٰاعلیٰ بشکل نامشروع از مادرش به دنیا امده است.

از نظر انها دین یهودیت مخصوص تنها یهودیان است و کس دیگری به ان پیوسته نمی تواند.

ب. مقارنه دین مقدس اسلام با دین مسیحیت کنونی:

در ذیل به ذکر برخی معتقدات دین مسیحیت کنونی پرداخته میشود که تفاوت هر کدام آنها با معتقدات اسلامی به آسانی قابل فهم میباشد، ما در اینجا نامی از معتقدات اسلامی را در این موارد خاص نمیگیریم و این مقارنه را به خود محصلان و اگذار میشویم.

ج. نظام اعتقادی مسیحیت کنونی:

در این شکی نیست که حضرت مسیح عیسیٰ ابن مریم علیهم السلام بند و رسول الله بوده و دارای دین سماوی میباشد ولی بعد از رفع وی این دین مورد تحریف وسیعی قرار گرفت که اینک ما نظام اعتقادی مسیحیت کنونی را **ذیلاً معرفی میکنیم**:
اعتقاد به تثلیث (اب، ابن و روح القدس).

اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبة الهی به حضرت عیسیٰسپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازه بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد این محاسبه را انجام دهد.

اعتقاد به اینکه حضرت عیسی^ع بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم^ع و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله^ع پسر یگانه خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت، او دفن شد و بعد از سه روز برخاسته و بسوی آسمان رفت.
اعتقاد به ادائی نماز در شکل تسبیح و شعر که عدد آن معلوم نبوده و به نماز صبح و شام تاکید بیشتر میشود.

اعتقاد گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت میگیرد.

اعتقاد به قدس صلیب که علامه مسیحی بودن شخص میباشد.
اعتقاد به غسل تعمید بعنوان وسیله طهارت از گناهان.

اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.
اعتقاد به حرام بودن ختنه اطفال ذکور.

اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.
اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.

اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتكب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیباشد.

اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد.
اعتقاد به منع ارتداد.

اعتقاد به فروش کارتاهای مغفرت از سوی کلیسا.
اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.

1. جهنی، مانع بن حماد. همان اثر. ص: 489-492

استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب و غذای که در روز اپریل (روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده شود البته به خون و گوشت حضرت علیه السلام به این معنی که تعلیمات او را بخود گرفته است.

دین مسیحیت کنونی با داشتن اینگونه اصول اعتقادی و نظام عملی از دین سماوی که بر پیامبر جلیل القدر حضرت عیسیعلیه السلام نازل شده بود به فرسخها فاصله گرفته است، چطور ممکن است این دین را سماوی گفت در حالیکه به اقانیم سه گانه معتقد است، نوشیدن شراب و خوردن سود را حلال میداند، و خو ردن گوشت خنزیر را حلال میشمارد و اعتقادات دیگر از این قبیل.

ماخذ

1. قرآنکریم.
2. ابراهیمی، محمد اسحاق. مراکز مهم آیین بودایی در افغانستان. کابل: 1384 ش.
3. ابن خلدون، عبدالرحمان. مقدمه ابن خلدون. الجزء الثانی. لجنة البيان العربي، 1958.
4. اعتقاد السلطنه. مدعیان نبوت و مهدویت. تهران: انتشارات آسیا، 1343 هـ.
5. اورسیل، بول ماسون. الفلسفه في الشرق. ترجمه محمد یوسف موسی. مصر: دارالمعارف بمصر، 1945.
6. آسموسن. اصول عقاید و اعتقادات دیانت زرتشتی. ترجمه فریدون و همن. تهران: بنیاد فرهنگ، 1348 هـ.
7. امامی و آشتیانی. طرح نو در تدریس عقاید اسلامی. جلد اول. ایران: سازمان تبلیغات اسلامی، 1366 هـ.
8. الا هوانی، احمد فواد. سیبیده دم فلسفه یونانی. ترجمه عبدالمنان مددی. کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 1369 هـ.
9. بارکای. دیانت زرتشتی. ترجمه فریدون و همن. ایران: بنیاد فرهنگ، 1348 هـ.

10. باب الحوائجی، نصرالله . روح در قلمرو دین و فلسفه . تهران : چاپخانه پرچم، 1345 هـ.
11. بغدادی، ابو منصور عبدالقادر الفرق بين الفرق. تهران : ب ت.
12. پازار گاد، بهاء الدین . تاریخ و فلسفه مذاهب جهان . کتاب اول. تهران : کتابفروشی اشراقی، 1346 هـ.
13. ترابی، علی اکبر. تاریخ ادیان. تهران : 1347 هـ.
14. جعفریان، رسول . اسفانه تحریف قرآن. ترجمه محمود شریفی . تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، 1367 هـ.
15. جهنى، مانع بن حماد شناخت ادیان و مذاهب جهان ترجمه م. ط عطایی. پشاور: دانش، 1386 ش.
16. حبیبی، عبدالحی . تاریخ مختصر افغانستان. طبع سوم. پشاور: دانش کتابخانه، 1377 ش.
17. حکمت، علی اصغر . تاریخ ادیان. تهران : کتابخانه ابن سینا، 1348 هـ ش.
18. حسینی، احمد . نبي الانسانية. الجمهورية العربية المتحدة : لجنة التعريف بالاسلام، 1970.
19. حسن، حسن ابراهیم. تاریخ الاسلام . الجزء الاول. القاهرة : مكتبة النهضة المصرية، 1964.
20. التفتازانی، سعدالدین . شرح العقاید النسفیة. الدهلی : المجبائی ، ب ت.

21. الخربوطلى، على حسينى . الرسول (ص) فى المدينة. مصر: المجلس الاعلى لشئون الاسلامية، 1973.
22. ديبس، اوگست . نفائس الفلسفة الغربية «افلاطون» . تعریب محمد اسماعیل . دار احیاء الكتب العربية، 1947.
23. رضی، هاشم. میتولوژی اساطیر و افسانه ها . کتاب دوم . تهران : ب ، ت
24. رضی، هاشم. نظمات مذهبی در جهان. تهران: چاپخانه سپهر، ب ، ت.
25. رضی، هاشم . تاریخ ادیان بزرگ جهان . تهران : انتشارات آسیا، 1344 هـ ، ش .
26. سعید، الخن و محی الدین دیب مستو. العقيدة الاسلامیة- ارکانها- حقائقها-
مفسداتها. دمشق. حلبونی، 2006.
27. سلجوqi، صلاح الدين. تجلى خدا در افق وانفس کابل :... 1384 هـ ق .
28. سوشه، احمد. العرب واليهود في التاريخ. دمشق: العربي للإعلان والنشر والطباعة ، ب ، ت .
29. سلهب، نصری. في خطی محمد. بيروت : دار الكتاب اللبناني، 1971 .
30. شاله، فلسين. تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمه منو چهرمحبی. تهران : طهوری، 1355 هـ ش.
31. شاهد، ایس. ایم. درن یوالو مذهبونو پیشونه او د اديانو پرتله. ژباره جمال الدين عرفان. پېنپۇر: د دانش خپرونو تۈلنى، ب . ت .
32. شبلى. تاریخ علم کلام. تهران : ... ب . ت .

33. شایگان، داریوش. ادیان و مکتبهای فلسفی هند. جلد اول. تهران: چاپخانه تابان، 1346 هـ ش.
34. شهرستانی، عبدالکریم. الملل والنحل. ترجمه افضل الدین صدر ترکه. تهران: تابان، 1335 هـ ش.
35. شیرازی، احمد افشار. مانی و دین او. تهران: چاپخانه مجلس، 1335 هـ ش.
36. صابونی، محمد علی. تاریخ نبوت و انبیاء. ترجمه محمد ابرار فتحی غزنوی. پشاور: قصه خوانی، 1382 ش.
37. طباره، عفیف عبد الفتاح. داستان ییامبران در قرآن. ترجمه ابوبکر حسن زاده. احسان، 1384 ش.
38. الطنطاوی، علی. تعريف عام بدين الاسلام. الجزء الاول. بیروت: الشركة المتحدة، 1970.
39. الطنطاوی، سید. بنواسرائیل فی القرآن والسنة. الجزء الثاني. القاهرة: دارحراء، 1961.
40. عقاد، عباس محمود. خدا. ترجمه محمد علی خالیلی. تهران: چاپ اقبال، 1328 هـ ش.
41. عبدالسلام، محمد. فلسفة مهابهارتا. نیو دلهی: آزاد بوان، 1990.
42. غبار، غلام محمد. افغانستان بیک نظر. کابل: ... 1336 ش.
43. فورستر، ا. م. رحلة الى الهند. تعریب عزالدین اسماعیل. مصر: ... 1957.

44. فشر ، ه . ا . ل. تاریخ اوربا فی العصرالحیث. تعریب هاشم و دیع
الطبع. مصر : ... 1958.
45. فروغی، محمد علی. سیر حکمت در اروپا. جلد اول. تهران : ... 1321
ه . ش.
46. کرم، یوسف. تاریخ الفلسفه الحدیثیة. القاهره: مطابع دارالمعارف بمصر
. 1969 ،
47. کیئر، جوزف. سرگذشت دینهای بزرگ. ترجمه ایرج پزشک نیا،
تهران: سازمان کتابهای جیبی،1340. ه . ش.
48. لو بون، غوستاف. حضارات الهند. تعریب عادل زعیتر. القاهره :
داراحیاء الكتب العربية،1948.
49. لویس، مری. دیانت زرتشتی در دوران متاخر. ترجمه فریدون و همن .
ایران: بنیاد فرهنگ،1348 ه ، ش.
50. لو بون، گوستاف. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. ایران:
کتابفروشی اسلامیه،1347. ه . ش.
51. میلر ، و . م. تاریخ کلیساي قدیم در امپراطوری روم و ایران ترجمه علی
نخستین. تهران : ... 1931.
52. الندوة العالمية للشباب الاسلامى. الموسوعة الميسرة في الاديان والمذاهب المعاصرة. الرياض: الندوة المذكورة،1989.
53. نورزایی، محمدابراهیم. ثقافت اسلامی ۱ و ۲. کابل: ریاست عمومی تربیه
معلم،1390.

54. نوبل، عبدالرزاق. اسلام و علم جدید. ترجمه حسين وجданی. تهران: 1348 ه. ش.
55. النمر، عبد المنعم. تاريخ الاسلام في الهند. مصر: دار العهد الجديد للطباعة، 1959.
56. الندوی، محمد اکبر. التبادل الثقافي بين الهند والعرب. نیو دلهی: آزاد بوان، 1990.
57. هيكل، محمد حسين. حياة محمد. مصر: دار القلم، 1960.
58. هیوم، رابرت. ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1369 ه. ش.
59. یکتایی، مجید. تایخ تمدن و فرهنگ. تهران: انتشارات گوتنبرگ، ب. ت.
60. یزدی، محمد تقی مصباح. آموزش عقاید. جلد: 1 - 2. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، 1370 ه. ش.
61. ... کتاب عهد جدید یعنی انجیل ترجمه فارسی از زبان اصلی یونانی.